

# ویژه نامه

کارگران همه کشورها متحد شوید!

## گزارش فشرده‌ای از روند اعتراضات کادرها، اعضا و هواداران سازمان نسبت به اقدامات سرکوبگرانه و انشعاب طلبانه فراکسیون حاکم بر سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

### مقدمه

بدون قید و شرط بر سر مسئولیت‌های خویش ایستادگی کردیم. ۲- نوشته‌های فریق بدو و سانسور عمدتاً و بطور طعن‌آمیز انتشار یابد. ۳- طی مدت ۳ ماه کنفرانسی سراسری فراخوانده شود که در آن اختلافات در و اخیر مورد بررسی قرار گرفته و کمیسیون ویژه‌ای انتخاب، تاکنگره‌ای دمکراتیک را تدارک دیده و فرا بخواند. ۴- تا قطع کنفرانس هیچ رفیقی بدلیل اختلافات در و اخیر جابجا نگردد و هیچ بر سر مسئولیت‌های خود باقی نمانند. ۵- برای روشنتر شدن قضایا، ر- باباعلی و نماینده‌های از جانب رفقای مرکزیت در جلسه واحد شرکت نمایند. ۶- قطعنامه اکثریت واحد ها نوبه‌ها اطلاع کلیه واحد ها برسد. ۷- ک- م- با فاصله ۱۰ روز پاسخ خواسته‌های مزبور را بدهد. اکثریت واحد ها نوبه‌ها راه حل و یا تصمیم بعدی خود را در همین انجام تمامی وظائف تشکیلاتی خود، به بعد از دریافت پاسخ موکول نمود. پس از صد و این قطعنامه، نماینده و دفتر سیاسی با حضور یکطرفه در جلسه واحد (که اکثریت واحد طبریز مخالفت با حضور یکجانبه در آن شرکت نموده بود) در همین محکوم کردن ر- باباعلی، خواسته‌های رفقای ها نوبه‌ها را رد و دست. پس از ۱۲ روز از تاریخ صد و قطعنامه رفقای واحد ها نوبه، ک- م- با صد و اطلاعیه‌ای بتاریخ ۱۱ بهمن ماه ۶۷ کلیه رفقای اعضا کتبه قطعنامه را تویخ نمود و قطعنامه آنان را رد و یک واحد ها نیز توزیع ننمود.

(نامه‌های درون سازمانی)

### متون نامه‌های رفیق باباعلی به دفتر سیاسی

نامه شماره ۱

رفقای عزیز دفتر سیاسی!  
اکنون بیش از سه سال و نیم از انتشار بیانیه وحدت و جمع‌بندی مباحث وحدت میگذرد. این دو سند موازن وحدت تشکیلاتی ما محسوب می‌شوند. بدین معنا که تا زمان تصویب برنامه و یک اساسنامه جدید، معیار وحدت تشکیلات ما همان بیانیه وحدت و جمع‌بندی مباحث وحدت می‌باشند که در همین حال حکم فراخوان ما را برای متحد شدن کلیه کمیونتهای انقلابی در اختیار معبد یکی از موارد اساسی توافقات حاصله در جمع‌بندی مباحث وحدت پیرامون حق مباحثه و انتقاد آشکار از تصمیمات مرکزیت در تشکیلات ما سکوت مانده و به حالت بلاتکلیف و معلق باقی مانده است. تصدیق بلا قید و شرط و بی چون و چرای این حق در بند ۴ "درباره برخی از مهمترین اصول حاکم بر تشکیلات کمیونتهای" در جمع‌بندی مباحث وحدت با صراحت قید شده (۱) و با امل طرور در بیانیه وحدت مبنی بر ایجاد تشکیلات بر پایه "الکولنیستی" انطباق دارد. اجزای این اصل برای فائق آمدن بر تشتت، پراکندگی و روحیات فرقه‌ای - محلی حاکم بر سازمان ما و ک جنبش چپ، و ایجاد یک حزب کمونیستی و توده‌ای ضروری گنیز ناپذیر است، زیرا بقسول لنین: "هیچ حزب توده‌ای، هیچ حزب یک طبقه، بدون اشکالی کلیه سازه‌های اساسی، بدون یک مبارزه طنی بین گرایشات متنوع، بدون مطلع کردن توده‌ها درباره این که کدام رهبران اقدام سازمانهای حزبی این یا آن مری را تعقیب می‌کنند نمی‌تواند وجود داشته

(۱) بند ۴: "سانترالیزم دمکراتیک بهایه وحدت در عمل و آزادی در انتقاد، در همین حال بمعنای پذیرش حق "اقلیت" برای مخالفت اصولی با تصمیماتی است که توسط "اکثریت" در کنگره ها، کنفرانس‌ها یا پیکره‌های سازمانی اتخاذ می‌گردد. مخالفت اصولی به چه معناست؟ این بمعنای باجراکد اشتن اراده اکثریت در عمل، تبعیت از دیسیپلین و انضباط معمول توسط مرکزیت، و عدم ایجاد فراکسیون از یکطرف و پذیرش حق ابراز مخالفت و انتقاد آشکار در مطبوعات و ارگانهای سازمان، تبلیغ و ترویج نظریات اقلیت توسط اکثریت است. اقلیت حق دارد از طریق ارگانهای مطبوعاتی تشکیلات، ترویج نظرات خود را سازمان دهد. این شیوه اصولی سازمان دادن مبارزه نظری اقلیت با اکثریت می‌باشد." (جمع‌بندی مباحث وحدت، راه کارگر شماره ۴، شماره ۱۲۲۲)

رفقا و دوستان!  
بمنظور آشنایی ووقوف هرچه بیشتر با روند حرکتی که توسط محترضین و پرچمداران حزبی کردن تشکیلات در سازمان ما صورت گرفته و منظور معرفی هرچه بیشتر برخورد های سرکوبگرانه توسط مرکزیت گسه انواع پیشنهادات و اشکال متنوع برخورد ها در واحد ها و رفقا را تنها باینکه سیاست (سرکوب و قلع و قمع) پاسخ داده است، باید آنکه درج پیروزی برخی از رویای های تدبیری و بی کفایتی و سیاست سستی سانسور مرکزیت سازمان ما سهم خود اقدامی برای معرفی و زدن هر نوع فوق سانترالیزم و محکومیت اقدامات مشابه در جنبش چپ کمونیست باشد. مسئولی که هر روز توسط چپ ما جدی تر گرفته می‌شود اقدام به تدوین گزارشی فشرده از روند حرکتان می‌کنیم، کسه در این آنها نامه‌های درونی رفیق باباعلی به دفتر سیاسی و مرکزیت سازمان که در دوره تیش های درونی نوشته شده قرار دارد.

در این گزارش سعی شده تا واکنش ها و اعتراضات واحد ها بر اساس تقدم زمانی حرکات آنان انعکاس یابند. بویژه آنکه دفتر سیاسی در دفاع از اقداماتی هیچگونه ابائی ندارد تا قضایا را بیکونهای دیگر جلوه دهد از جمله آنکه "تنها عدای از رفقای راه فدائی" بودند که بحالت اختلافی رفقای و قومی یا "راه کارگرهای قدیمی و اصولی" درگیر شده بودند. و جنگ بر سر دیدگاه تشکیلاتی (حزبیت یا محظیسم) نبوده و نیست. تنها برای خنثی کردن برخورد های ناصدا فانه و اپورتونیستی مرکزیت قابل ذکر است که اتفاقاً اولین حرکت جمعی و مشکل مجموعه اعضا نه در محل استقرار واحدی که رفقای سابق راه فدائی در آن حضور داشتند، بلکه اتفاقاً توسط واحدی که "رفقای قدیمی و اصل راه کارگری" در آن حضور داشتند، آغاز شد. ثانیا در "ترکیب" نیروهای محترض و اخراجی تعداد رفقای با اصطلاح "راه کارگری قدیمی" چندین برابر تعداد رفقای سابق "راه فدائی" می‌باشند. ثالثاً برعکس اذهان فرقای عقب مانده باید بگوئیم اگر چنین "اجنبی‌هایی" (که البته امروز اجنبی شده‌اند) در تشکیلات ما از مناسبات حزبی دفاع کرده و می‌کنند، ما کل نیروهای محترض به چنین "اجنبی‌گرایی" درود می‌فرستیم.

در مقابل افکار فرقای و بیمار دفتر سیاسی، که نیروها را به "راه کارگری" و "راه فدائی" قدیم و جدید، اجنبی و خودی، تشکیله شده و اغیج حسرت روشنفکرو... تقسیم می‌کند، ما نیروهای محترض تنها به یک تقسیم بندی معتقدیم:

مدافعان حزبیت تشکیلاتی و مخالفان آن.

★ ها نوبه: در بی آخرین موضع گیری ک- م- در مورد ر- باباعلی که رأی بر اخراج رفیق داده و بازگشتش را مشروط به پذیرش کلیه انتقادات طرح شده از جانب ک- م- گردانیده بود، اکثریت واحد ها نوبه طی صد و قطعنامه‌ای درونی بتاریخ ۱۹/۱/۸۹ خواسته‌های خویش را که محتوی نکات زیر بود صادر نمودند: ۱- ر- باباعلی



این مراحل، در جلسه واحد فرانکفورت که به منظور تصمیم گیری و اعلام موضع اعضا واحد صورت گرفته بود، رفقای معترض ضمن فرمولبندی خواسته های خود، مهلتی تا تاریخ ۲۸/۳/۸۹ برای دریافت پاسخ قطعی نامه خود از جانب مرکزیت تعیین نمودند. (که خواسته های رفقا در اطلاعیه شماره ۱ آنها درج است (۹)). در این فاصله با اعلام پیوستگی ۲ تن دیگر از فعالان هیئت‌های معترض این واحد، با اضافه شدن ازرقایی که در مراحل اولیه اخراج گردیده بودند، نیمی از رفقای واحد فرانکفورت در موضع مخالف سیاستها و تصمیمات کمیته مرکزی قرار گرفتند و با عدم وراولین اطلاعیه خود (۹) بتاريخ ۲/۳/۸۹ به موضع خود رسمیت بخشیدند. همچنین بخشی ازرقایی هوادار مستقر در این شهر که قبلا خواسته های خود را طی نامه ای برای تشکیلات فرستاده و تا تاریخ ۱۲/۳/۸۹ پاسخ خواسته بودند با عدم وراولین اطلاعیه ای بتاريخ ۱۷/۳/۸۹ (۱۰) موضع خود را علنی نمودند.

**هلند:** نمایندگان کمیته مرکزی که برای جلب حمایت رفقای مستقر در هلند در چند نوبت، سفرو مباحثاتی با رفقای مستقر انجام دادند، حاصل برخورد ها - نشان در جلب حمایت آنها بی نتیجه میماند. رفقای هلند پس از این دیدارها به تدوین موضع مستقل خویش حول اختلافات اخیر میپرداختند. رفیق مسؤل مستقر در هلند طی نامه ای که برای ر. با باطنی و رفقای مرکزیت مشترکاً ارسال داشتیم موضوع و نقطه نظرات خود را که حاوی انتقاداتی مودری به ر. با باطنی و حکومتی فوق سانترالیسم، تحمیل انشعاب و سیاستهای سرکوبگرانه در ویرا کمیته مرکزی و اعلام حمایت خود از موضع ر. با باطنی حول اختلافات در ویرا بود را برای آنان ارسال میدارد (۱۱). از آنجا که مرکزیت در پیشبرد سیاست فیروستولانه اش کماکان پای میفشرد پاسخ آنها به رفقای هلند به تیرا از آنچه که به واحد های دیگر گفته میشد نبود. از اینرو کلیه رفقای مستقر در هلند طی صد وراولین اطلاعیه ای (۱۲) بتاريخ ۲۶/۳/۸۹ به موضع گیری آشکار و حکومتی سیاستهای کمیته مرکزی پرداختند.

همچنین یکی از رفقای عضو یک رفیق هوادار که بتازگی در هلند مستقر گردیده بودند نیز به حمایت از موضع رفقای معترض حول اختلافات اخیر میپرداختند.

**هایدلیبرگ:** کلیه اعضای واحد های هایدلیبرگ پس از پشت سر گذاشتن مراحل مختلف، اختلافاتی با تشکیلات حول مسائل مناسبی و تشکیلاتی داشته و به همین خاطر رابطه خود را با تشکیلات فیروگاتیک نموده بودند با اعلام نزدیکی به موضع معترضین حول مناسبات تشکیلاتی، در سطوح مختلف همکاری و ارتباط خود را با آنان برقرار نمودند.

**آلمان:** چند تن از رفقای مستقر در شهرهای مختلف آلمان که به انحاء مختلف، اختلافاتی با تشکیلات حول مسائل مناسبی و تشکیلاتی داشته و به همین خاطر رابطه خود را با تشکیلات فیروگاتیک نموده بودند با اعلام نزدیکی به موضع معترضین حول مناسبات تشکیلاتی، در سطوح مختلف همکاری و ارتباط خود را با آنان برقرار نمودند.

**آمریکا:** رفقای هوادار مستقر در ریس آنجلس، کالیفرنیا، شیکاگو و واشینگتن، طی تماسهای مستقیمی که در اوایل ماه مارس از جانب رفقای معترض با آنان گرفته شد، همبستگی و حمایت خود را از موضع رفیق با باطنی و رفقای معترض حول اختلافات دوره اخیر اعلام نمودند. در شهرهای یاد شده تاکنون هیچ هواداری از موضع در فترسیاسی و کمیته مرکزی اعلام موجودیت و حمایت نکرده اند.

**انگلستان:** در تاریخ ۱۵/۳/۸۹ چند تن از رفقای که قبلاً از فعالین طیف سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) بوده و مدتی بشکل فعالین منفرد طیف ۲ در تشکیلاتی دمکراتیک فعال بودند، پیوستن و همکاری خود را با رفقای معترض اعلام نمودند.

**هلند:** نمایندگان کمیته مرکزی که برای جلب حمایت رفقای مستقر در هلند در چند نوبت، سفرو مباحثاتی با رفقای مستقر انجام دادند، حاصل برخورد ها - نشان در جلب حمایت آنها بی نتیجه میماند. رفقای هلند پس از این دیدارها به تدوین موضع مستقل خویش حول اختلافات اخیر میپرداختند. رفیق مسؤل مستقر در هلند طی نامه ای که برای ر. با باطنی و رفقای مرکزیت مشترکاً ارسال داشتیم موضوع و نقطه نظرات خود را که حاوی انتقاداتی مودری به ر. با باطنی و حکومتی فوق سانترالیسم، تحمیل انشعاب و سیاستهای سرکوبگرانه در ویرا کمیته مرکزی و اعلام حمایت خود از موضع ر. با باطنی حول اختلافات در ویرا بود را برای آنان ارسال میدارد (۱۱). از آنجا که مرکزیت در پیشبرد سیاست فیروستولانه اش کماکان پای میفشرد پاسخ آنها به رفقای هلند به تیرا از آنچه که به واحد های دیگر گفته میشد نبود. از اینرو کلیه رفقای مستقر در هلند طی صد وراولین اطلاعیه ای (۱۲) بتاريخ ۲۶/۳/۸۹ به موضع گیری آشکار و حکومتی سیاستهای کمیته مرکزی پرداختند.

همچنین یکی از رفقای عضو یک رفیق هوادار که بتازگی در هلند مستقر گردیده بودند نیز به حمایت از موضع رفقای معترض حول اختلافات اخیر میپرداختند.

**هایدلیبرگ:** کلیه اعضای واحد های هایدلیبرگ پس از پشت سر گذاشتن مراحل مختلف، اختلافاتی با تشکیلات حول مسائل مناسبی و تشکیلاتی داشته و به همین خاطر رابطه خود را با تشکیلات فیروگاتیک نموده بودند با اعلام نزدیکی به موضع معترضین حول مناسبات تشکیلاتی، در سطوح مختلف همکاری و ارتباط خود را با آنان برقرار نمودند.

**آلمان:** چند تن از رفقای مستقر در شهرهای مختلف آلمان که به انحاء مختلف، اختلافاتی با تشکیلات حول مسائل مناسبی و تشکیلاتی داشته و به همین خاطر رابطه خود را با تشکیلات فیروگاتیک نموده بودند با اعلام نزدیکی به موضع معترضین حول مناسبات تشکیلاتی، در سطوح مختلف همکاری و ارتباط خود را با آنان برقرار نمودند.

**آمریکا:** رفقای هوادار مستقر در ریس آنجلس، کالیفرنیا، شیکاگو و واشینگتن، طی تماسهای مستقیمی که در اوایل ماه مارس از جانب رفقای معترض با آنان گرفته شد، همبستگی و حمایت خود را از موضع رفیق با باطنی و رفقای معترض حول اختلافات دوره اخیر اعلام نمودند. در شهرهای یاد شده تاکنون هیچ هواداری از موضع در فترسیاسی و کمیته مرکزی اعلام موجودیت و حمایت نکرده اند.

**انگلستان:** در تاریخ ۱۵/۳/۸۹ چند تن از رفقای که قبلاً از فعالین طیف سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) بوده و مدتی بشکل فعالین منفرد طیف ۲ در تشکیلاتی دمکراتیک فعال بودند، پیوستن و همکاری خود را با رفقای معترض اعلام نمودند.

**هلند:** نمایندگان کمیته مرکزی که برای جلب حمایت رفقای مستقر در هلند در چند نوبت، سفرو مباحثاتی با رفقای مستقر انجام دادند، حاصل برخورد ها - نشان در جلب حمایت آنها بی نتیجه میماند. رفقای هلند پس از این دیدارها به تدوین موضع مستقل خویش حول اختلافات اخیر میپرداختند. رفیق مسؤل مستقر در هلند طی نامه ای که برای ر. با باطنی و رفقای مرکزیت مشترکاً ارسال داشتیم موضوع و نقطه نظرات خود را که حاوی انتقاداتی مودری به ر. با باطنی و حکومتی فوق سانترالیسم، تحمیل انشعاب و سیاستهای سرکوبگرانه در ویرا کمیته مرکزی و اعلام حمایت خود از موضع ر. با باطنی حول اختلافات در ویرا بود را برای آنان ارسال میدارد (۱۱). از آنجا که مرکزیت در پیشبرد سیاست فیروستولانه اش کماکان پای میفشرد پاسخ آنها به رفقای هلند به تیرا از آنچه که به واحد های دیگر گفته میشد نبود. از اینرو کلیه رفقای مستقر در هلند طی صد وراولین اطلاعیه ای (۱۲) بتاريخ ۲۶/۳/۸۹ به موضع گیری آشکار و حکومتی سیاستهای کمیته مرکزی پرداختند.

همچنین یکی از رفقای عضو یک رفیق هوادار که بتازگی در هلند مستقر گردیده بودند نیز به حمایت از موضع رفقای معترض حول اختلافات اخیر میپرداختند.

**هایدلیبرگ:** کلیه اعضای واحد های هایدلیبرگ پس از پشت سر گذاشتن مراحل مختلف، اختلافاتی با تشکیلات حول مسائل مناسبی و تشکیلاتی داشته و به همین خاطر رابطه خود را با تشکیلات فیروگاتیک نموده بودند با اعلام نزدیکی به موضع معترضین حول مناسبات تشکیلاتی، در سطوح مختلف همکاری و ارتباط خود را با آنان برقرار نمودند.

**آلمان:** چند تن از رفقای مستقر در شهرهای مختلف آلمان که به انحاء مختلف، اختلافاتی با تشکیلات حول مسائل مناسبی و تشکیلاتی داشته و به همین خاطر رابطه خود را با تشکیلات فیروگاتیک نموده بودند با اعلام نزدیکی به موضع معترضین حول مناسبات تشکیلاتی، در سطوح مختلف همکاری و ارتباط خود را با آنان برقرار نمودند.

**آمریکا:** رفقای هوادار مستقر در ریس آنجلس، کالیفرنیا، شیکاگو و واشینگتن، طی تماسهای مستقیمی که در اوایل ماه مارس از جانب رفقای معترض با آنان گرفته شد، همبستگی و حمایت خود را از موضع رفیق با باطنی و رفقای معترض حول اختلافات دوره اخیر اعلام نمودند. در شهرهای یاد شده تاکنون هیچ هواداری از موضع در فترسیاسی و کمیته مرکزی اعلام موجودیت و حمایت نکرده اند.

**انگلستان:** در تاریخ ۱۵/۳/۸۹ چند تن از رفقای که قبلاً از فعالین طیف سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) بوده و مدتی بشکل فعالین منفرد طیف ۲ در تشکیلاتی دمکراتیک فعال بودند، پیوستن و همکاری خود را با رفقای معترض اعلام نمودند.

## نامه های درون سازمانی متون نامه های رفیق با باطنی به دفتر سیاسی

دنباله از صفحه ۱

همچنین واضح است که بدون تحقق این اصل هیچ دوگرایشی در یک تشکیلات واحدی قادر به همزیستی نمی باشند. بدین لحاظ، من تاکنون در چند نوبت بطرف شفاهی و کتبی، موضع حق میاجت و انتقاد علنی از تصمیمات مرکزیت را با رفقای مسؤل تشکیلات و نیز در سازمانهای گوناگون تشکیلاتی مطرح نموده ام و بر اجرای آن پافشاری کرده ام. مع الوصف سکوت در قبال این مسئله ادامه یافته و طی کنفرانس شهریورماه ۶۶ و جلسه مرکزیت همان ماه که امر انتقاد از اسلوبهای فعالیت پوپولیستی و فرقه ای - محظی را بعنوان یکی از محورهای کار خود تکرار داده بود، معلوم شد که توافق مذکور نه تنها سکوت مانده بلکه گویا اساساً توافق در کنار نبوده است. { کنفرانس مذکور و جلسه مرکزیت شهریورماه ۶۶ بروشنی ثابت نمود که مبارزه حول نقد شیوه حیات فرقه ای - محظی در تشکیلات مانده تنها خاتمه نیافته بلکه هنوز در سطح عمیق تشکیلات آغازین نشده است. بویژه آنکه رژیم تشکیلاتی ما (یعنی رژیم فوق سانترالیستی و فرقه ای - محظی) از تأمین شرایط لازم برای گسترش این مبارزه ناتوان است و محافظه کاری عینی از خود بروز می دهد یعنی از هرگونه تودهای کردن و علنی کردن مبارزه حول مسائل تشکیلاتی اجتناب می نماید.

از اینرو همراه با یادداشت حاضر مقاله ام را تحت عنوان "یادآوری مباحثات وحدت و تأکیدی مجدد بر ضرورت مبارزه با بدولتیک طنی" بر اعضا ارسال می نمایم تا در اسرع وقت بطرف علنی انتشار یابد. واضح است که طرح درخواست انتشار طنی این مقاله یکی از حقوق بی چون و چوهرای من محسوب می شود و به موجب صوابت تصمیمی مباحثات وحدت رهبری تشکیلات ملزم به تأمین این حق می باشد. اما چرا در اسرع وقت؟ اولاً بدین خاطر که سه سال و نیم از انتشار موازین وحدت تشکیلاتی ما می گذرد و این مسئله همچنان بیاتکلیف مانده است و پراکنده تشکیلاتی ما - برخلاف این امر جریان یافته و هم اکنون فراموشکاری در مورد آن روی یافته است. ثانیاً بدین خاطر که قبل از تهیه یک اساسنامه نوین، مباحثات و وحدت تشکیلات ما استادان و دانشجویان پنازیر این پیش از تجدید نظر بر اصول مبادی وحدت تشکیلاتی ما، تکلیف مبادی تاکنونی باید روشن کرد. ثالثاً قبل از تهیه اساسنامه ای نوین، باید مبارزه حول نقد اسلوب فعالیت پوپولیستی و فرقه ای - محظی در سطح توده ای طنی گسترش یابد. بدین لحاظ نیز من تزهاری خود را برامون این مسئله ارائه نمودم ام و خواهان یک مبارزه گسترده حول کلیه نکات آن می باشم زیرا همانطوریکه برناه بر اصول معینی متکی است و از طریق نقد اصول پوپولیستی شالوده های خود را تحکیم می نماید، اساسنامه نیز بر اصول معینی متکی است (و این اصول پیش از هر چیز در رژیم تشکیلاتی: سانترالیسم دمکراتیک تبلور می شوند) و قوام یافتن این اصول شوطیبه انجام یک مبارزه واقعی یا سبک کار رایج فرقه ای - محظی ما می باشد. بدون این امر تلاش برای تهیه یک اساسنامه نوین ازبداخله واقعی و آگاهانه و خلاق یکایک اعضای تشکیلات و صوم کارگران سازمان یافته جدا افتاده و به یک کار "تظیل خواهد یافت" - محلاوه اساسنامه فرمولهای حقوقی معینی را ارائه می دهد که بنابه طبیعت اساسنامه باید از ذکر بسیاری از مسائل که به تشریح

مفهوم وضمون این مفاد مربوط می شوند، اجتناب نماید. بهرحال، بدون یک مبارزه واقعی، همه جانبه توده ای و طنی حول مبادی سبک کار فرقه ای - محظی و پوپولیستی، و معرفی اسلوب فعالیت کمونیستی، اساسنامه "کلمات مرده ای" پیش نخواهد بود و فرمولهای حقوقی تنها وسیله ای برای آشتی دادن ضامین کهنه یا اشکال نوین خواهند بود. از اینرو من شرکت خود را در کمیسیون اساسنامه، بدون یک مبارزه مقداتی حول سبک کار و بدون قطعیت دادن به موازین وحدت فعلی تشکیلات ما نامشخص می دانم.

با توجه به اینکه بلاتکلیفی در روشن شدن مسئله مذکور نباید پیش از این ادامه یابد و یا نتیجه به اینکه این بلاتکلیفی یا تاخیر جدی در مبارزه با خصوصیات فرقه ای - محظی تشکیلات ما پیوند مستقیم دارد و با توجه به اینکه در پلنوم شهریورماه مرکزیت اصلاح تشکیلاتی و وظیفه نوی سازمان خود را در کمیسیون اساسنامه، بدون یک مبارزه مقداتی حول سبک کار و بدون قطعیت دادن به موازین وحدت فعلی تشکیلات ما نامشخص می دانم.

مدم انتشار علنی این مقاله و تدویم بلاتکلیفی یعنی موکل نمودن این مسئله به آینده، از نظر من بمعنای عدم تعهد رهبری تشکیلات مابه توافقات حاصله در بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت خواهد بود. تقاضای پاسخ فوری رفقا را دارم.

با آرزوی موفقیت برای رفقای دفتر سیاسی  
اختای  
مورخ دوشنبه ۱۴ ماه ۶۶  
برابر با ۴ ژانویه ۱۹۸۸

### نامه شماره ۲

عزیز سلام. امید وارم خوش و سرحال باشی. یادداشتها بدستم نرسیده بودند و از اینرو سوده آن را از "... دریافت کردم. البته پس از بازگشت از سفر، یادداشت تو همراه یاد یگر چیزهایی که فرستاده بودی رسید. و امدار رساره یادداشتها!

قبل از هر چیز باید بگویم که یادداشتهای رفقا، باعث تحجب جدی من شد؛ زیرا یادداشتها توصیه های رفیقانه نبودند بلکه حکم سانسورهای الزامی را داشتند. من میقاتار این شیوه برخورد رفقا که مغایر با ابتدائی ترین اصول رعایت تعهدات و قراردادهای تشکیلاتی است، متأسفم. گویا تقاضای من از رفقا که در نامه مورخ ۳ ژانویه ۱۹۸۸ بروشنی تشریح شده و توافقات حاصله در جلسه

بعدي مشتركمان يك سو تفاهم ساده بوده است. ... عزيز هم تو هم دگرگونی خوبی می داند که اگر منظور این انتشار یک مقاله در بولتن اساسنامه می بود، نه آن نامه، و نه آن جلسه هیچکدام معنی نمی داشتند. به علاوه کافیت هم، این نکته ساده را یادآوری تمام کرد که در جلسه مذکور، وقتاً... و... پیشنهاد می کردند که این مقاله مقدمه مقاله در بولتن دلفی و سپس بصورت طنی منتشر شود، هرچند که در ادامه مباحثات پذیرفته شد که این مقاله انتشار علنی یابد. اما نفس پیشنهاد رفقای مذکور مؤید این واقعیت بی چون و چراست که همگی بخوبی متوجه بودیم که بحث پرسرانشناز این مقاله بخصوص است و نه مباحثات اساسنامه بطور کلی. چرا که ران مورد، فراتر از شکیلات از پیش ناظر بر طنی کردن مباحثات بوده است. در آن جلسه، من نیز پذیرفتم که مقاله حاضر "میر" مباحثات اساسنامه انتشار یابد تا سراز روال عادی فعالیت تشکیلاتی ما خارج نگردد و در خصلتیک بحث اضطراری و غافلگیرکننده را بخود نگیرد. در خاتمه نیز رفیق... مطرح کرد که برخی توصیه های رفیقا نه ابرای بهبود فضای مباحثه بمن پیشنهاد خواهد کرد، ولی به "توصیه های رفیقا نه" یا "ادیت" مقاله دو چیز است. بهر حال اگر این نقض خشن توافقات در کار نبود، متذکران واقعیت بدی نیز معنی نداشت. از جلسه مذکور به بعد، من تمسک خود را اجرا کردم، بدین معنا که منظور ماندم و بشخصه تلاش کردم تا کار مباحثات اساسنامه فعلاً نه پیش رود و اصلاحات لازمه را در رهن عمل آوردم تا شکل و ظاهر مباحثات مربوط به اساسنامه بخود بگیرد. زمان اولیه ای را که برای انتشار مقاله تقاضا کرده بودم، ندادید، گرفتیم و گوشش نبودم تا این مباحثه از این لحاظ نیز به پشت پرده کارتهی اساسنامه لطمه نزنند. زیرا تصویر این بود که رفقا واقعا به اهمیت مطلب از نظر من واقفند و توافقاتشان را جدی می گیرند. اما متأسفانه، رفقا بدترین شیوه یعنی شیوه "بیوفی" را در پیش گرفته اند و مجدداً بحث را به جای اول کشاندند و با پیشنهادات متعدد خود شبهه ای بجای نگذاشته اند که "اخته کردن" کامل مقاله، قصد انتشار آن را دارند. آملستیز، رفقا باید مطمئن باشند که نتایج من جنبه سوء تفاهم را داشته است و خلاصه آن هم "فیل و قال" برای چاپ است مقاله "اخته شده" در بولتن اساسنامه نبوده است!!

از اینرو، هیچکدام از "اصلاحات الزامی" را نمی پذیرم و تنها "توصیه" رفقا را رد می نمودم. قطعاً این مقاله که به قتل عامهای استالین از حزب کمونیست ایران مربوط است می پذیرم آن همه این خاطر که فضای علمی بحث در این مورد خدشه دار نشود.

پرسنظر از اینکه اصلاحات الزامی را بدلیل الزامی بودنشان قبول ندانم، دلیل وارد ندانستن پیشنهادات اصلاحی نیز از این قسراست که اصلاحات متوجه "اخته کردن" مقاله هستند. زیرا دعوا در اینجا بر سر این نیست که "عده ای" نتشنگانند و درباره لنین بحث می کنند و در تفسیرها تفاوت بین فاسیر را یکدیگر مقابله کرده اند. چنین بحث آکادمیک بدرد یک مجادله سیاسی - شوروی نمی خورد. و بهر حال توضیح یک بحث سیاسی با یک بحث آکادمیک با چیزی بجز "ساده لوحی" مترادف نیست.

از آنجا که رفقا، توافقات را ناسد بدیده گرفته اند و یکبار دیگر بحث ها را به جای اول آوردند، باید مجدداً تأکید نمایم که برای من توافقات مباحثات وحدت بگانه منبای تبعیت از تصمیمات مرکز نیست و لا غیر. بنابراین بیش از این سرشمارا در نمی آورم و منتظر جواب فوریتان هستم. سلام مرا به همه رفقا برسان.

نامه شماره ۳

با درود های گرم به رفقای عزیز کمیته مرکزی رفقا { چهار سال و نیم پس از انتشار "بیانیه وحدت" و در آستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک طنی در کل تاریخ حیات سازمان ما، دفتر سیاسی تمامی تمهیدات خود را بکار بسته است تا پیش از شروع مباحثات طنی "اقلیت" سازمانی را از بیان کامل نظریات خود محروم نماید و بدینوسیله مبارزه ایدئولوژیک طنی را به یک امر "تشرفاتی" قدم برده و تژیینی تقیل دهد. این مبارزه ایدئولوژیک طنی فرمایشی که قرار است به نامی برای نشان دادن سخاوت و کرامت دفتر سیاسی ما برای تحمل عقاید "اقلیت" سازمانی تبدیل شود، درین حال باید عقب ماندگی ما را در رقابتها، فرقه ای با سایر سازمان ها طنی که "مبارزه ایدئولوژیک طنی" را پیش از ما شروع کرده اند، جبران کند و بدین ترتیب موجی برای ارضای "غرور فرقه ای" فراهم نماید.

دفتر سیاسی طنی نامه ای به اعضای کمیته مرکزی به شیوه خاص خود به حقیقت فوق اضراف کرده است: "پس از اتمام کار کمیسیون اساسنامه رفیق اختیاری نوشته خود را با تغییرات جزئی برای درج در بولتن اساسنامه در اختیار دس قرار داد، اما از نظر دس اشکالات موجود در شیوه طرح مسئله همچنان در نوشته رفقا، اختیاری بر سر جای خود باقی بود. در نتیجه دس طنی نامه ای از رفیق خواست در آزمینه ۱) نقض توافقات وحدت توسط سازمان ما، ۲) بررسی اشکالات داخلی سازمان در حوزه مبارزه ایدئولوژیک طنی نوشته را اصلاح کند. دس معتقد است که مورد اول یعنی نقض توافقات وحدت، نوشته از خصلت مبارزه ایدئولوژیک رفیقا نه خارج شده و حالت نژادین راه کارگر و راه فدائی را القا می کند. این نحوه طرح مسئله اثرات نامطلوب بیرونی و درونی خواهد داشت. من این مباحثه را از مجرای اصلی خارج نموده و در محسوزه فرعی متمرکز می سازم. در مورد مورد دوم، دس معتقد است که این بخش از مباحثه باید در داخل تشکیلات به بحث نبوده شود و طنی شدن آنها بلحاظ تأثیرات بیرونی آنها مفید نخواهد بود. بنابراین مطابق با منطق دفتر سیاسی، مبارزه ایدئولوژیک طنی "مجاز" آن چنان مبارزه است که اولاً از خصلت مبارزه ایدئولوژیک رفیقا نه خارج نشود و اثرات نامطلوب بیرونی و درونی نداشته باشد. ثانیاً از نظر دفتر سیاسی بلحاظ تأثیرات بیرونی آنها مفید باشد. در غیر این صورت مبارزه ایدئولوژیک طنی غیرمجاز خواهد بود.

به عبارت دیگر آزادی، آری، و مظلومانه، نه، مبارزه ایدئولوژیک طنی فرمایشی، آری، مبارزه ایدئولوژیک طنی بدون رعایت ملاحظات دفتر سیاسی، نه، چنین نوع مبارزه ایدئولوژیک طنی که به شرط سانسور مقدامتی دفتر سیاسی، پس از کسب جواز مشروعیت انطباق پذیری "مباحثه" یا سلابی و ملاحظات دفتر سیاسی "مجاز" تلقی شده باشد، فقط فقط در ستن تشکیلاتی استالینیس می تواند معنا و مفهوم داشته باشد و آن را بر راستی باید دهن کجی به شیوه لنینیستی سازماندهی مباحثات طنی پنداشت.

دفتر سیاسی که نمی توان آن را به خاطر ناتوانی در تشخیص قبح "مباحثات فرمایشی" مورد ملامت قرار داد (چرا که اکثریت دفتر سیاسی بدلیل قابل فهم تمسک داشتن در قبال "بیانیه وحدت" نقی کرده است) با رنجیدگی خاطر اظهار می دارد که "مجموعه محورهای که باید شامل اصلاح می شدند حداکثر ۶ یا ۷ صفحه از نوشته ۵ یا ۱۰ صفحه ای اختیاری را تشکیل می داد."

چه لجاجتی از جانب "اختیاری" این همه مجادله برای این ۷ صفحه ناقابل اما پرسیدی است که چرا همین "۷ صفحه" تا این اندازه حساسیت دفتر سیاسی را برانگیخته است و سخاوت آن را به افلاس کشانده است؟ برای آنکه حقایق در حین و بیین مجادلات مخد و نرنگردد، لازم به توضیح است که کل دستویس مقاله مذکور ۴۰ صفحه (نونه ۵۰ یا ۶۰ صفحه) و "اصلاحات" مذکور ۷ یا ۸ صفحه آن را تشکیل می دهند و این ۷ یا ۸ صفحه تمامی بخشها یا حتی سطرهایی از مقاله هستند که تنها به تشیخ نظر و عمل حزب پلشویک نپرداخته بلکه دلایل واقعی مقاومت مدافعین فسوق مرکز تشکیلات ما را در قبال پذیرش پرنسپ لنینی مبارزه ایدئولوژیک طنی آشکار کرده است. این ۷ یا ۸ صفحه نشان می دهند که بنابه کدام دلایل زمینی، اکثریت رفقای دفتر سیاسی ما مقاله لنینیست تحت عنوان "آزادی انتقاد و اتحاد در عمل" را بعنوان پلانم حزب کارگر انگلیس دستخط می کنند { (ه) آری، این ۷ صفحه بدین لحاظ "حساسیت" رفقای دفتر سیاسی ما را برانگیخته است که به نقد "حقوق ویژه" فوق مرکزیت در تشکیلات ما اختصاص یافته و از اینرو "غایب است" درونی و بیرونی اش برای مدافعین و مطمین این "حقوق ویژه" نامطلوب است. چنین روحیه ای البته هراس مدافعین اصلی نظریه اکثریت کمیسیون اساسنامه (که بخشی از دفتر سیاسی ما را نیز تشکیل می دهند) را در مبارزه آشکار نظری با دیدگاه اقلیت کمیسیون اساسنامه نشان می دهد. نتیجه این ضعف، توسل به شیوه های زشت و مذموم تشکیلاتیست که در زیر به نمونه هائس از آن اشاره می نمایم.

دفتر سیاسی خود به برجسته ترین نمونه آن اذعان دارد: "دس به این نتیجه رسید که برای حل وصل این اختلاف ابتدا باید نظر را "اختیاری" در مورد یک مسئله روشن شود و آن اینکه چنانچه نظر "اختیاری" در اقلیت قرار گیرد وی حاضر به تبعیت از نظر اکثریت سازمان خواهد شد؟ هرگز که اندکی با ضوابط یک تشکیلات کمیونیستی اشتباه داشته باشد. از مواظری موجود در مبارزه فوق دچار حیرت می شود. مسئله مربوط به تبعیت اقلیت از اکثریت که یکی از ضوابط "مرکزیت" در تشکیلات کمیونیستیست (در "اختیاری" چار سال و نیم یعنی مدت برابر با نیم طول حیات سازمان بر مبنای آن رفتار کرده است) با موضوع مربوط به مبنای این تبعیت که همانا بر ناه و اساسنامه واحد است، طعنه مخد و نرنگردد. "اقلیت" باید از "اکثریت" تبعیت کند، آری، اما در صورتی که همگان (یعنی هم "اقلیت" و هم "اکثریت") بر مبنای یک بر ناه واحد و یک اساسنامه واحد توافق کرده باشند. در این صورت، طرر، مسئله تبعیت "اقلیت" از "اکثریت" بهنگام با حکم ربار خود با این بر ناه و اساسنامه، به چه معناست؟ اگر مبنای تبعیت "اقلیت" از "اکثریت" پذیرش بر ناه و اساسنامه واحد نباشد، در آن صورت باید پرسید که چه امری می تواند مبنای این تبعیت باشد؟ اعتقاد های رفیقا نه، بیانهای شخصی، توافقات محلی و مناسبات فردی میسبی بر اشتباهی های دیرینه و سنتهای مشترک، کدامیک؟ اگر مباحثات مربوط به بر ناه و اساسنامه ای و می کشایم، این بدان معناست که امکان عدم توافقات اصولی و جدی بر ناه ای و اساسنامه ای و نتیجتاً جداسازی و انشعاب بخشی از تشکیلات از بخش دیگر را نیز می پذیریم و در قیقا بخاطر آنکه وحدت بیانیه بر مبنای وحدت رفیقا نه، محلی و شخصی بلکه بر مبنای بر ناه و اساسنامه واحد باشد، باید شعار "ایدئولوژیک وحدت" را با "وحدت ایدئولوژیک" تمویس نمایم. این گنگنه راه حکم وحدت های واقعی و اصولی پخته دادن به وحدت های فرقه ای، محلی است. دفتر سیاسی اما راه معکوس را در پیش می گیرد. او خواهد پیش از روشن شدن اختلافات اصولی و جدی ما در حوزه بر ناه و اساسنامه (و در واقع برای جلوگیری از روشن شدن این اختلافات) مطمئن شود که به یک بر ناه و اساسنامه واحد دست خواهیم یافت! برافراشتن پرچم "وحدت" طلی، در دوره مباحثه حول بر ناه و اساسنامه با بدترین نوع عواظری و ترویج بدترین نوع سازشکاری ایدئولوژیک مترادف است. زیرا طرر پیشا پیش تبعیت اقلیت از اکثریت (قبل از دستپاسی به یک بر ناه و یک اساسنامه واحد)، روحیه عقب مانده و محلی - فرقه ای تشکیلات را مخاطب قرار می دهد، روحیه ای که پیش از آنکه ببرد، بر سر چه مسئله ای متحد می شود، خواهد پرسید، یا چه کسانی و با کدام افراد می خواهیم کار کنیم؟ آن که پیش از روشن شدن نقاط وحدت و افتراق در مسائل بر ناه ای و اساسنامه ای بخود قولانده باشد که صرف نظر از "جزئیات" بر ناه ای و اساسنامه ای بخاطر وجود یکسخت توافقات کلی حول اهداف عمومی جنبش و پیروزی بخاطر پیسود رفیق فلان و رفیق بهمان و بخاطر فلان مدت سابقه فعالیت مشترک ما باید در یک تشکیلات باقی بمانیم، هنوز اهمیت مبارزه سوسیالیستی را بخاطر اهمیت بر ناه و اساسنامه را در یک تشکیلات کمیونیستی بطور خردنیافته است.

بی تردید، برای یک مبارزه پهلویست که مبارزه کردن و انقلابگری را بی نغه با ارتشتر از مبارزه سوسیالیستی بحساب می آورد، مسائل بر ناه ای و اساسنامه ای در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد و سخت گیری های کمیونیستی در این موارد، "وسواسهای روشنفکرانه" تلقی می شود. برای این دست از انقلابیون مبنای کار مشترک، اعتقاد شخصی و توافقات عمومی مربوط به جدا شدن یک جنبش است؛ باقی مسائل، تئوریک، به قلین ها مربوط می شود که بی جنبش و بدون اینها، ما برای یک کمیونیست که از شعارها رنگس بر می برد، می کند: "تبعیتش مبارز نیست، مهم مبارزه سوسیالیستی است؛ مسائل بر ناه و اساسنامه ای سنگ بنای فعالیت مشترک سوسیالیستی محسوب می شود و تمامی مسائل مربوط به اعتقاد های شخصی و اشتباهی های دیرینه نسبت به این مسئله از اهمیت درجه دوم برخوردار می باشند.

دفتر سیاسی ما اما از عقب ماندگی تشکیلاتی و از روحیه فرقه ای - محلی آن غنیمت می کند و نتیجتاً امر "وحدت تشکیلات" را بر امر توافقات بر ناه ای و اساسنامه ای مقدم قرار می دهد. جوهر شیوه "حل وصل"، "اختلاف" از جانب دفتر سیاسی چنین است: آیا منظر مربوط به "وحدت تشکیلات" را بر "اختلافات بر ناه ای و اساسنامه ای" ترجیح می دهید؟ این گنگنه پرسش دفتر سیاسی است و هر آن کس که به این پرسش پاسخ منفی دهد، "تشکیلات شکن" و "انشعاب طلب" است؛ دس معتقد است که ضمن آنکه این اختلاف در حوزه تشکیلاتی اختلاف محسوب می باشد، این د نظر در چهارچوب وحدت این سازمانی می گنجد. بنابراین در نظر "اختیاری" از این مسئله را نادرسر میداند، امری که حاصلی جز "دامن زدن به فرقه گرایی و پاره پاره نمودن تشکیلات کمیونیستی نخواهد داشت."

اما مگر دفتر سیاسی (و یا حتی کمیته مرکزی) بر چه تشکیلاتی اهمیت اختلافات بر ناه ای و اساسنامه ای ست؟ مگر بجز این است که بر ناه و اساسنامه را کل سازمان باید به تصویب برساند و مگر بجز این است که دفتر سیاسی باید بنابه قاعده تنها از ارگان منتخب کمیته مرکزی می باشد که آن نیز به توه خود باید توسط نمایندگان کل بیکره های سازمانی انتخاب شود؟ در این صورت چه کسی بجز کل سازمان می تواند درباره اهمیت اختلافات وحدت و اختلافات تصمیم گیری نماید؟ البته اعضای دفتر سیاسی نظیر هر ضود ریگم تشکیلات حق دارند اختلافات خود

(ه) آنان خود را "لنینیست" تراز لنین می دانند، زیرا که بزم خود از "لنینیسم راستی" جانبداری می کنند و اما "لنینیسم راستی" آنها چیزی جز استالینیزم نیست.

رفقای عزیز کمیته مرکزی

شما باید قبل از هر چیز نظر خود را درباره این پرسش روشن کنید که مرجع تصمیم گیری درباره حدود اختلافات برناهی ای و اسانسانه ای چیست؟ دفتر سیاسی، کمیته مرکزی یا کل تشکیلات؟ نظریه ما درباره اصطلاح "پرسش" دفتر سیاسی یا بهتر بگوییم نسبت به این شیوه حل و فصل اختلافات توسط دفتر سیاسی واحد اهمیت ویژه‌ایست. زیرا این پرسش در مقابل یکایک اعضای سازمان و از جمله شما نیز قرار دارد که آیا در آستانه مباحثات برناهی ای و اسانسانه ای هر دو تشکیلات موظف است سوگند یاد کند که اگر در مسائل برناهی ای و اسانسانه ای با نظر "اکثریت" ناشی از فرزند و م دارای اختلاف اصولی باشد به صرف آنکه "اکثریت" چنین رأیی داده است از آن تبعیت خواهد کرد؟

رفقای عزیز کمیته مرکزی

چهارسال و نهم پیش از این "بیانیه وحدت" از جانب سازمان ما خطاب به "کلیه سازمانها" گروه ها، محافل و عناصر کمونیست برای "یکپارچه کوششهای منظم جهت متحد ساختن کلیه نیروهای کمونیست" انتشار یافت و راه برخورد به اختلافات نیهابین "اکثریت" و "اقلیت" سازمانی را بر مبنای توافقات بنیادین (بدون حذف نظرات "اقلیت") نشان داد. مواد ۲ و ۴ جمع بندی "مباحثات وحدت" در حوزه "برخی از مهمترین اصول حاکم بر تشکیلات کمونیستی" در این خصوص از صراحت کامل برخوردار است. در ماده ۴ نیز مقرر شده است: "سازمان در مقابل دیگر تشکیلات بیانه وحدت در عمل آزادی در انتقاد درین حال بمعنای پذیرش حق "اقلیت" برای مخالفت اصولی با تصمیمات است که توسط "اکثریت" در کنگره ها و کنفرانس ها یا پیگیره های سازمانی اتخاذ می گردد. مخالفت اصولی به چه معناست؟ این بمعنای با چراغ داشتن از راه آزادی "اکثریت" در عمل "تبعیت از دیدگاه و انضباط معمول توسط مرکزیت" و عدم ایجاد فراکسیون از یکطرف و پذیرش حق برای مخالفت و انتقاد آشکار در مطبوعات و ارگانهای سازمان، تبلیغ و ترویج نظریات اقلیت توسط اکثریت است. اقلیت حق دارد از طریق ارگانهای مطبوعاتی تشکیلات، ترویج نظرات خود را سازمان دهد. این شیوه اصولی سازمان دادن مبارزه نظری اقلیت با اکثریت می باشد. اگر برای من و دیگر رفقای مشابه من، این بیانیه همچنان معتبر و پیمانی فعالیت است برای اکثریت رفقای دفتر سیاسی که گویا شیوه اتخاذ شده در "اکثریت" می دانستند، "توافقات" "بیانیه وحدت" اکنون فاقد اعتبار است.

پروژه اکثریت رفقای دفتر سیاسی هرچند که صحت پدیدانند، تفاوتها خود را نادیده می انگارند و نمی توان حتی اسناد کمی که با حضور خود امان تنظیم شده است، جدی گرفت. بهر جهت یکی از موارد نقض تعهدات ایشان را در عدم انتشار رساله مربوط به مصر و دوران تجربه نمودیم. این رساله که بوسیله من تهیه شده و پیش از اقدام در سازمان توافق شده بود که به نام سازمان راه فدائی و چه به نام سازمان انتشار یابد، هرگز اجازه انتشار نیافت. شد اصلی آن بود که رساله مذکور حاوی انتقادات بر دیدگاه استالین بود. دوین مورد (نه آخرین مورد) لیکن یکی از جدیدترین موارد نقض تعهدات، زیر پانها بود. مواد ۲ و ۴ جمع بندی "برخی از مهمترین اصول حاکم بر تشکیلات کمونیستی" (مندیج در "راه کارگر" شماره ۴، تیرماه ۱۳۶۲) است که "اکثریت" را موظف کرده است: "اقلیت" می نماید. امروزه، بیانه های متعدد از جانب اکثریت، دفتر سیاسی برای انکار این مواد آفایه می گردد و در نامه اخیر دفتر سیاسی به اعضای کمیته مرکزی و سرراحت از رجوع به "روال موجود" در کمیته مرکزی برای طرح مباحثات بجای "بیانیه وحدت" بساد شده است. این "روال موجود" که هیچ ربطی به مؤلفین "بیانیه وحدت" ندارد و ناقص است، بدین نحو تشریح شده است: "روال موجود ناظر بر آنستکه موضوعات مباحثات سراسری وطنی پس از شروع بودن آنها توسط کمیته مرکزی تعیین می شود. بی تردید، مطابق با "روال موجود" که بیرون از اسانسانه کمین" سازمان انطباع دارد (و بنابراین در صورت بیانیه با "بیانیه وحدت" دوی باید ملاک قرار گیرد)، اکثریت که تنها ملازم به ترویج نظرات "اقلیت" نیست بلکه "اقلیت" حق حیات نیز نخواهد داشت، چرا که تنها باید از تصمیمات اکثریت تبعیت نماید. بلکه همچنین در موارد بروز اختلاف، تنها در صورتی حق اظهار نظر خواهد داشت که همان اکثریت به او اجازه سخن گفتن بدهد. [در مقابل اعتراض "اقلیت" به او پاسخ گفته می شود که "اکثریت" البته رعایت حال او را نیز خواهد کرد و بی آنکه خود را موظف بداند، اما در مواردی لطیف و گرم فرموده و اجازه مباحثه درونی یا ظنی را به "اقلیت" خواهد داد (این وعده "دیکتاتوری عادل" اکثریت، البته ناشی از درک محدودیت واقعی رژیم پلوتوکراسی در تشکیلات است که در "اسانسانه پیشین" فرموله شده و موجب آن "دفتر سیاسی" در وهله اول، "کمیته مرکزی" در وهله دوم و "کادها" در وهله سوم از حقوق ویژه تشکیلات برخوردار می شوند. اما امان از دست "دیکتاتوری عادل" [بویژه "دیکتاتوری عادل" که اجازه انتشار رساله توافق شده از قبل را به "اقلیت" نمی دهد (نمونه رساله مربوط به مصر و دوران)، و در نخستین مباحثه ظنی مربوط به اسانسانه و برناهی ای، خواهان سانسور مطالب ناخوشایند یا "نا مطلوب" می شد (از این رو نمی توان به "عدالت" "دیکتاتوری عادل" امیدوار بود. "دیکتاتوری عادل" جز به شیوه فرمایشی (آن هم تازه در شرایطی که "عظمت" در چنین مد روز باشد و عدم اقتدا" بدان باعث عقب ماندگی در رقابتها می گردد) به "اقلیت" اجازه نطق کشیدن نخواهد داد.]

من البته بیشتر دلیل خلف وعده را از جانب اکثریت رفقای دفتر سیاسی در مقاله ای بمناسبت تدارک کفران مشورتی تحت عنوان چگونه باید بسیم خود را در بنیای یک حزب انقلابی سوادهای اد نامش" شرح کرده ام. در اینجا صرفاً خواهان آن هستم که رفقای کمیته مرکزی به جای تالی از "روال موجود" یعنی بجای پیروی از سن رایج در کمیته مرکزی پیش از تصویب "بیانیه وحدت"، "بیانیه وحدت" را اصنامی رفتار خود قرار دهند. این امر مستلزم آن است که کمیته مرکزی راه کارگر را بدینک تفسیر خود را از بندهای میزور "بیانیه وحدت" و "جمع بندی مباحثات وحدت" سرراحت بدهد.

سومین مورد تجدید نظر اکثریت رفقای دفتر سیاسی در "بیانیه وحدت" به ارزیابی جدید رفقا از ترکیب طبقاتی بلوک قدرت (جمهوری دمکراتیک خلق) و شعار فوری حکومتی آنان مربوط می شود که دیر یازود باید رسیت می یافت و قرار بر این بود که در نشست فعلی کمیته مرکزی سرنو آن روشن گردد. بنابراین اکنون لازم آمده است که کمیته مرکزی بکجا درباره هر دو تجدید نظر اکثریت رفقای دفتر سیاسی قضاوت نماید.

نشست شما امروز قرار است به همان مسائلی بپردازد که پیش از چهار سال پیش به آنها پاسخ

را در مورد حدود و اهمیت اختلافات برناهی ای و اسانسانه ای اظهار دارند. اما آنان بی هیچ وجه خندانند بعنوان دفتر سیاسی "برمیانی" اختلافات" خود در این خصوص بیابون حدود اختلافات برناهی ای و اسانسانه ای تصمیم گیری نمایند و بدینوسیله برای هیچک از اعضای تشکیلات از جمله رفیق اختای تعیین و تکلیف کنند. هنگامیکه دفتر سیاسی اختلاف مذکور را در "چهارچوب وحدتهای سازمانی" نطقی می کند، فراموش می نماید که با تصویب برناهی ای و اسانسانه قرار است همین "چهارچوب وحدتهای سازمانی" (که در "بیانیه وحدت" و "جمع بندی مباحثات وحدت" مظهر گردیده و هم اکنون در یک نسخه موضوعات اساسی مورد توافق اکثریت دفتر سیاسی نیست) تحول و تغییر یابد. از اینرو دفتر سیاسی نمی تواند درباره حدود اختلافات برناهی ای و اسانسانه ای بر پایه "چهارچوب وحدتهای سازمانی" کوشی تصمیم گیری کند. اعضای دفتر سیاسی با تصمیم گیری درباره این مسئله که از حدود اختیارات آنها خارج بوده و به کل تشکیلات مربوط است، از مقام خود سوء استفاده کرده و بر تک نفر ضابط تشکیلاتی شده اند. آنها برخلاف صورت کمیته مرکزی که تصمیم گیری درباره مسائل برناهی ای و اسانسانه ای را در صلاحیت کل سازمان دانسته است، رفتار کرده اند و باید پاسخگوی خلفکاری تشکیلاتی خود باشند.

دفتر سیاسی باید به این سؤال بطور واضح و صریح پاسخ گوید که مرجع تصمیم گیری درباره حدود اختلافات برناهی ای و اسانسانه ای چیست؟ او، کمیته مرکزی یا کل تشکیلات؟ هنگامیکه دفتر سیاسی قضاوت خود را درباره "حدود اختلافات" مینا قرار می دهد، در واقع می گوید: "تشکیلات یعنی من، یعنی دفتر سیاسی" [و این همان روحیه آشنای فوق مرکزیت تشکیلاتی است که در "اسانسانه پیشین" سازمان نیز فرموله شده و مدافعین آن "از حقوق ویژه" خود بمنشورن "همکاره های" تشکیلات پاسداری می کنند.

بعلاوه، مگر نظر رفیق اختای درباره حدود اختلافات اسانسانه ای می تواند مسلاک تصمیم گیری "اقلیت" سازمانی در این خصوص باشد؟ اگر نه، پس چرا قضاوت اختای در این مورد، باید شیوه دفتر سیاسی را نسبت به وی تعیین کند؟ در این مورد، دفتر سیاسی حق "تعیین و تکلیف" یا اختای را ندارد. این کل تشکیلات است که باید درباره اختلاف نیهابین نمایندگان فکری خود تصمیم گیری کند. اختای تنها خواهان انتشار کامل نظرات خود است و این را وظیفه دفتر سیاسی می داند. بنابراین دفتر سیاسی باید پیش گرفتن روش "تعیین و تکلیف" فوق الذکر را اختیار کند. خود را از اختیارات "فوق تشکیلاتی" خود پاسداری نماید و در اینجا اختای تنها بعنوان سرمشتی برای کل مدافعین این نظر انتخاب شده است. در واقع دفتر سیاسی با طسرح پرسش میزور و تعیین و تکلیف درباره حدود اختلافات اسانسانه ای و برناهی ای، پیش از تصمیم گیری تشکیلات درباره حدود این اختلاف، باید سراج یکایک مدافعین نظر اقلیت از صدر تا ذیل تشکیلات برود و یادآور نمونه رفیق اختای، از آنها بپرسد که آیا به نتیجه فرزند و م تکلیف خواهند کرد یا نه؟ این البته یکی از کم موثرین شیوه های مرعوب کردن تشکیلات و ایقاعی نقش نیم برای "اکثریت مجازی" است [و اما این همان روشی است که دفتر سیاسی تحت پوشش جلو گیری از "پاره پاره نمسودن تشکیلات کمونیستی" در پیش گرفته است. رفقای دفتر سیاسی می گویند اگر قرار است، رفیق اختای در صورت تصویب نظرات اکثریت کمسیون اسانسانه تصمیم کند، پس چه فایده دارد؟ هم اکنون وارد مباحثات تند و تیز شویم؟ [بهتر است مباحثات در همین نقطه تجمی شوند] اما اگر رفیق اختای می پذیرد که در چهارچوب اسانسانه مصوب آتی (سرفتنظر از آنکه این اسانسانه چه باشد، همینقدر کافیست که "اکثریت" بدان رأی داده باشد) در تشکیلات باقی خواهد ماند، پس باید امروزه به نحوی به مباحثه بپردازد که به وحدت تشکیلات لطمه نزنند. [بر مبنای این شیوه استدلال، تمامی موضوعاتی که از نظر دفتر سیاسی مطمئن به انشعاب" باشند، باید از دستور مباحثه خارج شوند و البته آن افراد و آن مباحثاتی نظرون به انشعابند که نظر اکثریت دفتر سیاسی را در مورد این یا آن مسئله (مثلا در مورد مبارزه ایدئولوژیک ظنی یا جمهوری دمکراتیک خلق و یا مسدل استالینی حزب، دولت و جامعه سوسیالیستی و غیره) با انشعاب بالک بیگانه بپندارد. بدین ترتیب رفیق اختای باید:

- اولاً بپذیرد که سرفتنظر از آنکه چه چیزی به نام برناهی ای و اسانسانه در فرزند و م آتی به تصویب خواهد رسید، در تشکیلات باقی خواهد ماند و از تصمیمات اکثریت تبعیت خواهد کرد؛
- ثانیاً بپذیرد که بخاطر حفظ "وحدت تشکیلات" طی مباحثه از طرح مطالبی که اشترات "نا مطلوب درونی و بیرونی" دارد و از "صلت مبارزه ایدئولوژیک رفیقانه" خارج می شود، خودداری کند. تفسیر این امور به عهده رفقای دفتر سیاسی است؛
- ثالثاً بپذیرد که بخاطر حفظ "وحدت تشکیلات" در مباحثه ظنی به طرح مسائلی مبادرت کند که از حیث "تأثیر بیرونی مفید باشد". مفیدیت مباحثات نیز در دفتر سیاسی تعیین می کند. خلاصه آنکه رفیق اختای بپذیرد که به یک مباحثه فرمایشی تن در دهد و از پیش تمسب شود که به نتیجه این مباحثه کردن نهد تا آنکه بتواند بعنوان "ضو فعال کمیته مرکزی و سازمان در صفوف باقی بماند".

به عبارت دیگر دفتر سیاسی بنام "وحدت ظنی" و بنام مبارزه با خطر انشعاب، از حقوق "مافوق سازمانی" خود پاسداری می کند و رفیق اختای و دیگر رفقای مشابه او را در مقابل دورا می سکوت یا انشعاب قرار می دهد [اسم این رفتار را باید نقش وحدت در پوشش فریاد همسای وحدت طلبانه گذاشت].

در واقع از هم اکنون دفتر سیاسی، رفیق اختای را در قرنطینه نگه داشته است، بدین ترتیب که او را "محروم قائلش" را در سازمان به این امر وابسته کرده است که آیا به مباحثه فرمایشی و نتیجه فرزند و م آتی تن در می دهد یا نه. ثانیاً سخنرانی رفیق اختای در شهر کل که سه بوسه شعبه تبلیغ "ترویج و آموزش و کمیته خارج از کشور و از طریق رفیق اختای و اختسای و مسئول کمیته خارج قرار بود در ۱۶ دسامبر در شهر کل برگزار گردد، بدلیل کاملاً بی پایه به تعویق افتاد و به بعد از برگزاری جلسه مرکزی موکول شد. زمان برگزاری این جلسه سخنرانی که به دفاع از بنیاد های نظری لنینیسم و نقد ارکومونیزم" اختصاص داشت، از مدتی پیش با توافق مسن تعیین شده بود. با پیگیری رفیق اختای و نظارت مسئول کمیته خارج برای تاریخ ۱۶ دسامبر مقرر گردید. پس، منتظر روز بعد از نشست من با رفقای دفتر سیاسی، این جلسه تا تاریخ نامعلوم می جمع کردید. ثالثاً تاریخ برگزاری جلسه کمیته مرکزی که پیشتر برای ۸ دی ماه یعنی پس از برگزاری کنفرانس مشورتی (۵۴۴۳ هجری قمری) و جلسه شورای نویسندگان (۱۶ و ۱۷ دی ماه) تعیین شده بود، به اول دی ماه تغییر یافت تا پیش از کنفرانس مشورتی تکلیف رفیق اختای روشن گردد و خدای ناکرده کنفرانس به تریبون برای تبلیغ عقاید کسی که حاضر نیست به مباحثه فرمایشی تن در دهد، تبدیل نگردد. بدین ترتیب دفتر سیاسی تصمیم گرفته است (و تصمیم خود را به اجرا نیز نهاده است) کسیکه در صورتیکه من از پیش حاضر به تصدیق نتیجه فرزند و م مربوط به برناهی ای و اسانسانه نیام، وی بسه نهایت از سازمان از هم اکنون با من "تعیین و تکلیف نماید".



گفته بود که چهارپیش‌اصلی در مقابل شما قرار دارد :

الف) مرجع تصمیم‌گیری درباره حدود اختلافات برنازه ای و اساسنامه ای چیست؟ دفتر سیاسی کمیته مرکزی یا کل تشکیلات؟ و اگر این مرجع کل تشکیلات است، دفتر سیاسی به چه چیزی به خود حق داده است که در این مورد با من یا هر رفیق دیگر ضوابط تشکیلات تعیین و تکلیف نماید؟

ب) آیا شیوه ای که دفتر سیاسی برای حل و فصل اختلاف برگزیده است، یعنی طرح سؤال مربوط به تبعیت از اکثریت در مورد برنازه و اساسنامه که هنوز به تصویب نرسیده است، صحیح است یا نه؟ بعبارت دیگر آیا در مطلق مباحثات مربوط به برنازه و اساسنامه، مسئله ترسیم مرزهایمان درباره مسائل برنازه ای و اساسنامه ای باید مبنای قرارگیری یا وحدت تشکیلات و تبعیت از اکثریت؟

ج) آیا سازمان ما خواهان مباحثه علنی فرمایشی است یا مباحثه علنی جدی یعنی مباحثه‌ای بدون سانسور مقداتی از جانب دفتر سیاسی یا مرکزیت و بر مبنای حق هر رفیق تشکیلات برای ابراز حمایت نظرات خود، بدون ملاحظاتی مربوط به تأثیرات درونی و بیرونی آن بر وحدت تشکیلات از جانب دفتر سیاسی یا هر مرجع دیگر؟ در صورت اخیر، بر چه مبنایی دفتر سیاسی به خود اجازه داده است که از انتشار کامل مقاله ای که نظریه "اقلیت" را در تشکیلات بیان می‌کند، جلوگیری نماید؟

د) آیا مسأله تعیین و تکلیف درباره انتشار علنی و یا درونی مقالات، "روال مسووجود در کمیته مرکزی" است یا "بیانیه وحدت"؟ موضع کمیته مرکزی درباره مواد مزبور "بیانیه وحدت" چیست و درباره تجدید نظر اکثریت دفتر سیاسی در این خصوص و در مورد جمهوری دمکراتیک خلق چه فتاوی دارد؟

تقاضای من این است که کمیته مرکزی سازمان ما در نشست خود، به پرسشهای مذکور کتباً پاسخ گوید. دیدگاه من درباره این پرسشها به اندازه کافی روشن است؛ الف) از دیدگاه من، مرجع تصمیم‌گیری درباره حدود اختلافات برنازه ای و اساسنامه ای، تنها و تنها نظر کل تشکیلات مسی باشد و از اینرو دفتر سیاسی حق نداشته و ندارد در این مورد تصمیم‌گیری نماید و تصمیم خود را مبنای تعیین و تکلیف یا هر یک از اعضای تشکیلات محمله من قرار دهد. دفتر سیاسی بسا تصمیم‌گیری درباره این مسئله، از مقام خود سوءاستفاده کرده و مرتکب نقض ضوابط تشکیلاتی شده است (ب) من شیوه ای را که دفتر سیاسی برای حل و فصل اختلاف برگزیده است، بدلائی کس در نامه حاضر تشریح نموده ام، نامصحیح و از لحاظ علمی ضرتلقی می‌کند. بدون دره ای تردید، در مطلق مباحثات مربوط به برنازه و اساسنامه، امر ترسیم مرزهایمان درباره مسائل برنازه ای و اساسنامه ای باید مطلقاً بر امر "وحدت تشکیلات" رجحان داشته باشد و کس آن تنها وسیله‌ای برای توجیه سرکوب تشکیلاتی و سیاسی "اقلیت" توسط اکثریتی باشد. این شیوه، نه راهی بسرای حل و فصل اختلاف بلکه برای ابرای وادار کردن "اقلیت" به تکلیف در حد و مده مباحثه فرمایشی و تسلیم پیشاپیش در حال نتیجه فرزند من می‌باشد. (ج) به نظر من در مباحثات علنی بطور عام و در مباحثات مربوط به برنازه و اساسنامه بطور خاص هر رفیق تشکیلاتی باید بتواند کس نظرات خود را بدون هرگونه سانسور مقداتی از جانب دفتر سیاسی یا هر مرجع دیگر برون نماید و بنابراین دفتر سیاسی هیچ دلیل موجهی برای جلوگیری از انتشار مقاله مورد بحث ندارد (د) تا تصویب اساسنامه و برنازه سازمان، نظر رسمی تشکیلات ما نظر بطروحه در "بیانیه وحدت" و جمع‌بندی مباحثات وحدت خواهد بود و باید بر این مبنای و نه هر "روال موجود" دیگر عمل شود. این امر چه در مورد شیوه طرح نظرات "اقلیت" و چه در مورد بلوک قدرت جمهوری دمکراتیک خلق و رابطه آن با دیکتاتوری پرولتاریا صادق است؛ از اینرو باید مطابق با منسوح بیانیه اکثریت در بخش نظرات "اقلیت" ملزم شناخته شود. در صورتیکه رفق ضرورت تجدید نظر در "بیانیه وحدت" را لازم می‌پندارند، ضروریست تا بمنظور آشنائی کل بدنه سازمان و تمامی نیروهای جنبش با مسائل مذکور، مباحثه علنی واقعی و نه فرمایشی در این مورد سازمان داشته شود. پیش از آنکه به تشریح دلایل عدم حضور من در این جلسه کمیته مرکزی مبادرت نمایم، لازم می‌دانم درباره دو نکته دیگر نیز که در نامه دفتر سیاسی به اعضای کمیته مرکزی تحریف شده اند، توجه رفق را جلب نمایم:

در ابتدای نامه رفق دفتر سیاسی گفته می‌شود که: "در مسووجود مباحثات مطرح شده در نوشته "اختاری را در چهارچوب مباحثات اساسنامه میدانست و به رفیق اعلام کرد که این بیانیه می‌تواند در جریان مباحثات مربوط به اساسنامه بطور علنی منتشر شود." در همان حال "مسووجود" معتقد بود که شیوه طرح مطلب در برخی موارد از حالت پلیک‌های رفیقانه خارج می‌شود و خواهان اصلاحاتی در این زمینه بود. این گزارشی نامصحیح از اتفاقات حاصل در جلسه مورد اشاره است. نخست آنکه من در جلسه نامبرده پس از پذیرش انتشار علنی مقاله مزبور توسط دفتر سیاسی، استحقاقی خود را از کمیسیون تدوین اساسنامه پس گرفتم. دفتر سیاسی توافق کرد که مقاله مورد بحث علناً انتشار یابد و تنها برای آنکه انتشار این مقاله برای نیروهای سازمان جنبش ملاحظاتی نداشته باشد، از "مهر اساسنامه" برخوردار باشد. اصلاحاتی جزئی من (که در نامه دفتر سیاسی نیز به آنها اشاره شده است) نیز صرفاً برای تغییر "مهر" مقاله مذکور که در دفاع از "بیانیه وحدت" و یادآوری مجدد نکات فراموش‌شده آن در خصوص مبارزه ایدئولوژیک طنی نوشته شده بود، صورت گرفت. دوام آنکه در آن جلسه رفق دفتر سیاسی بهیچوجه و تأکید می‌کنم مطلقاً بهیچوجه از مسئله الزامی بودن اصلاحات سخن نگفتند. در آن جلسه تنها رفیق... پس به عنوان توصیه‌های رفیقانه (و خود رفیق با همین اصطلاح از آن یاد کرد) به ضرورت یکپارچه اصلاحات در مقاله اشاره کرد. فقط و فقط پس از انجام اصلاحات جزئی از جانب من برای تغییر "مهر" مقاله و پس از خاتمه کمیسیون اساسنامه و صحیح‌های شفاهی متعاقب آن، طنی نامسه‌ای از جانب دبیر اول سازمان به تاریخ ۱۹۸۸ (۱۸) از الزامی بودن اصلاحات سخن پیمان آمد. من به این نامه، طنی نامه ای در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۸ کتباً پاسخ گفتم و تنها پس از آن بود که دفتر سیاسی برای تعیین و تکلیف با من مصمم شد.

از نظر من، این شیوه نیز که دفتر سیاسی یکپارچه اصلاحات را در حد "توصیه‌های رفیقانه" و بار دیگر یعنی پس از خاتمه کار کمیسیون اساسنامه و در آستانه انتشار مقاله "بخوان" معترض می‌نماید، از زمره همان شیوه‌های نارقیقانه است که بیشتر در باره آنباسخون گفتم. نکته دوم مربوط به مباحثات "مجمع‌صلاحتین" است. مجمع‌صلاحتین تشکیلاتی برای تصویب اساسنامه سازمان که در انتهای نامه دفتر سیاسی فرید شده است، بنده به عنوان یکی از اعضای کمیته مرکزی باید عرض کنم که تاکنون از چنین تدبیری بی‌خبر بوده‌ام که گویا قرار است، اساسنامه سازمان ما بوسیله یک "مجمع‌صلاحتین" تشکیلاتی تصویب رسد. [تا آنجا که من دانم، در کمیته مرکزی یکپارچه درباره این مسئله رای گیری بعمل

(۳) این نامه فاقد تاریخ روز بود اما تاریخ آن در حوالی ۱۲ اکتبر بوده است.

آمد و رفق با اکثریت آرا، فریاد و را بعنوان شگ تصویب برنازه و اساسنامه تصویب کردند؟ هسر چند که رأی من مخالف این تصمیم بود و خواهان بررسی امکانات برگزاری کنگره سازمان پسووم و در غیر اینصورت تصویب برنازه و اساسنامه را به عنوان برنازه و اساسنامه کمیته مرکزی صحیح می‌دانستم تا هنگامیکه کنگره سازمانی برگزار شود و برنازه و اساسنامه سازمان توسط کنگره به تصویب رسد. اما تاکنون حتی یکبار از "مجمع‌صلاحتین" تشکیلاتی چیزی نشنیده بودم و در صورت جلسات کمیته مرکزی ما نیز قاعداً نباید چنین چیزی وجود داشته باشد. زیرا یکانه "مجمع‌صلاحتین" تشکیلاتی که می‌تواند برنازه و اساسنامه را به تصویب رساند، کنگره است که در عین حال باید کمیته مرکزی را نیز انتخاب کند؛ مگر آنکه مقصود رفق برگزاری "کنفرانس ملی" به شیوه "احزاب برادر" برای تصویب برنازه و اساسنامه بدون انتخاب کمیته مرکزی باشد. در آن صورت باید فایده چنین "مجمع‌صلاحتین" تشکیلاتی را برای سازمان ما که در آستانه دهین سال تأسیس هنوز کنگره مؤسس نداشته است، قویاً مورد تردید قرار داد.

اگر چه در تشکیلاتی که فاقد هرگونه کنگره و هرگونه "مجمع‌صلاحتین" تشکیلاتی بوده است، بطبعاً دفتر سیاسی اختیارات فوق العاده ای کسب می‌نماید (زیرا حتی اعضای کمیته مرکزی را بنا بر سه میل خود والی الا بد به شیوه برگزیده تعیین می‌کند) اما قاعداً تعیین مرجع تصویب اساسنامه و برنازه برعهده کمیته مرکزی و بالاتر از آن برعهده کل سازمان است. با توجه به اینکه کمیته مرکزی شیوه فریاد و را مقرر داشته است، پرسیدنی است که دفتر سیاسی چگونه یکساره و بناگهان در فراخوان خود برای برگزاری جلسه اضطراری مرکزیت بهیاد "مجمع‌صلاحتین" تشکیلاتی افتاده است و بوجه آن را داده است؟

رفقای عزیز کمیته مرکزی! درخاسته ضروریست دلایل عدم حضور خود را در این جلسه مرکزیت تشریح نماید. مقدماً باید عرض نمایم که شرکت من در پلنوم اضطراری فعلی کمیته مرکزی سازمان ما که اساساً وظیفه تفسیر مجدد "بیانیه وحدت" را برعهده دارد، اینکتر نمی‌توانست از حد و دقتی که يك "ناظر" می‌تواند ایفا نماید، تجاوز کند. چرا که نمی‌توانم در رأی‌گیری مجدد دشما پیرامون "بیانیه وحدت" که یکبار با توافق نمایندگان دگر و هیندی (رای قدیمی و راه کارگر) تنظیم شده است و من نیز یکی از نمایندگان گروه هیندی نخستین بودم، سهمی باشم. البته این بدان معنا نیست که حتی در صورت رأی مثبت شما به تفسیر اکثریت دفتر سیاسی از این بیانیه، از حضور فعال خود در سازمان دست خواهم شست؛ ضوابط این امکان مباحثه علنی واقعی (و نه فرمایشی) پیرامون مسائل مورد اختلاف فراهم کرد. زیرا این امکان می‌دهد تا کل سازمان ما (و نه فقط کمیته مرکزی) بتواند پیرامون اختلافات مربوط به "بیانیه وحدت" بطور عام و اختلافات اساسنامه ای بطور خاص فعالانه شرکت نماید و تصمیم‌گیری کند.

معبداً با دلیل اعتراضی به خلافتی دفتر سیاسی و به دلیل سیاست او در "قرنطینه" قرار دادن من که بد و قضاوت مقداتی رفق کمیته مرکزی درباره شیوه های نامصحیح رفق دفتر سیاسی، چه از مطلق برای حل و فصل واقعی (و نه تعیین و تکلیف) به شیوه اکثریت رفق دفتر سیاسی (مسائل فراهم نخواهد گردید، در جلسه حاضر شمشیرکشی نمی‌کنم و خواهان پاسخ کتبی پلنوم شما به پرسش‌ها و تقاضا هایم می‌باشم. در عین حال بمنظور آگاهی کل سازمان از اختلافات موجود و مداخله یکایک اعضا در حل واقعی اختلافات خواهان توزیع کلیه اسناد مربوط به این مسئله (از جمله نامه حاضر و پاسخ رفق مرکزیت بدان) در سطح تشکیلات می‌باشم. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم شما را آرزو مند دستستان را بگری می‌فشارم.

بایمان به پیروزی راهمان  
اختاری ۱۳۶۸ آذر ماه ۱۳۶۸

نامه شماره ۴

رفقای عزیز مسئول برگزاری کنفرانس مشورتی! (رفقای عزیز بیرخانه!)

رفقای عزیز. از آنجا که دفتر سیاسی شرط شرکت فعالانه مراد ریحان سازمان بهیذ یرش اصل تبعیت اقلیت از اکثریت در مباحثات برنازه ای و اساسنامه ای قرار داده است و تحت این عنوان انتشار مقاله مراد در دفاع از مبارزه ایدئولوژیک طنی و مصوبات "بیانیه وحدت" به سانسور مقداتی در دفتر سیاسی مشروط گردید، و مشابهاً تاریخ جلسه سخنرانی مرا مرکزیت و تاریخ برگزاری جلسه مرکزیت را تغییر داده است؛ و از آنجا که بدون پاسخ کتبی قبلی رفق مرکزیت به پرسش‌ها و تقاضاهای من، چه از مطلق فعالانه من در ریحان تشکیلاتی روشن نیست؛ بطورغم تلاش جدی من برای شرکت فعالانه در کنفرانس (که در سه مقاله ام برای تدارک کنفرانس منعکس است)، و روش رفق دفتر سیاسی مانع از حضور من در کنفرانس مشورتی می‌باشد.

از اینرو بوسیله این یادداشت، عدم شرکت خود را در کنفرانس برای رفق برگزارکننده کنفرانس مشورتی (زیرا مرجع کنفرانس مشورتی، نه سازمان‌های تشکیلات بلکه مرکزیت یا ارگان نایب مرکزیت است) (۱) اعلام می‌نمایم. واضح است که هرگونه توضیح پیرامون عدم شرکت من برای رفق شرکت کنندس در ر کنفرانس باید توأم با فرار گرفتن کلیه اسناد و بدل شده فیما بین من و دفتر سیاسی و نظر کتبی رفق مرکزیت و با آمادگی قبلی رفق شرکت کننده در کنفرانس باشد. در غیر این صورت کنفرانس مشورتی قادر به قضاوت مستلانه درباره موضوعات مورد مشاجره و خلافتی تشکیلاتی رفق دفتر سیاسی در مورد من نخواهد بود.

من با کمال میل آمادام تا اسناد در اختیار مجمع سازمانی از هر قبیل از جمله اعضای شرکت کننده در کنفرانس مشورتی فعلی قرار گیرد و این راد برنامه خود برای اعضای کمیته مرکزی نیز عنوان کرده‌ام (۲) (نامه مورخ ۲۸ آذر ۶۷). در صورت پذیرش این درخواست می‌توان اسناد را در اختیار اعضای تشکیلات قرار داد و کنفرانس یا کنفرانس خودی در این زمینه فراخواند. من منتظر پاسخ کتبی رفق کمیته مرکزی به نامه مورخ ۲۸ آذر ۶۷ خودی می‌باشم و طی این مدت مطابق رسال روال گذشته در رواد با به سازمانی خود حضور خواهم داشت.

بقیه در صفحه ۲۰  
بایمان به پیروزی راهمان  
اختاری ۱۳۶۷ آذر ماه ۱۳۶۷

(۱) در این مورد رفق در بیرخانه.  
(۲) در آنجا من خواهان آن شده‌ام که کلیه اسناد رد و بدل شده در اختیار کل اعضای سازمان قرار گیرد.

اعلامیه ها و نامه های واحدها و اعضا (درونی و علنی)

(۱)

اطلاعیه شماره ۱

خطاب به کادرها، اعضا، هواداران و کلیه مبارزین راه سوسیالیسم و دیکتاری

بیم فوق مرکزیت حاکم بر سازمان ما و تلاش مداومش در جلوگیری از اضمحلال اراده اعضا و کادرهای سازمان بر نهادهای تشکیلاتی و رهبری، زمینه ساز شکست گیری حدهی از اعتراضات و تشکیلاتی آشکار و نهان تشکیلاتی در دوره های گذشته بود که در این سیستم ویژه امکان بروز میافتد. اقدامات فتره چگانی مرکزیت برای دمکراتیزه کردن تشکیلات، نه تنها جوابگوی نیازهای تشکیلاتی نبودند بلکه این اقدامات حقیرانه هرچه بیشتر رژیم راخ مرکزیت را در حفظ و بقای حقوقش در سازمان میساخت.

در آستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک طیفی در تشکیلات ما در جهت سازمان نشان داد که بسا آنچنان "مبارزه ایدئولوژیک" موافق اسکته طرف مقابل بازیان بریده سخن گوید. بدنبال تلاش صوری برای لغو سانسور و رفتن از مرکزیت به حربه ارضاء، اتهام و اخراج برای مقابله با معتزترین توسل جست. این حرکت سرکوبگرانه که همزمان با پذیرش کنگره ازسوی مرکزیت همراه بوده است چیزی جز سیاست شلاق و شکنجه برای خفه کردن گرایش چپ درون سازمانی نبود. گرایشی که بر حقوق حزبی خویش در دفاع از حق اقلیت سازمانی برای بیان کامل نظراتش حول کلیه مسائل اساسنامه ای و برنامه های و تاکتیکی پافشاری میکرد. گرایشی که مبارزه ایدئولوژیک طیفی بدون سانسور و از الزامات یک سازمان کمونیستی میسرند. گرایشی که خواستار جنگ نظری به نفع آفتاب و در انتظار توده ها بود.

اکثریت کبک مرکز که طرفت پذیرش چنین سیستم و چنین جنگی را نداشت با در پیش گیری سیاست صغفه و قلع و قمع مخالفین، از پیش تصمیم میگرفت که انشعاب را بر اقلیت نظری تحمیل نماید.

اخراج رفیق باطالی و رفیق ظلم و چندین نفر دیگر از اعضا و کادرها و توبیخ و تهدید و برخواستی دیگر، نتایج چنان سیاسی بوده است. رفقای اخراجی خواستار حقیقتند که از نظر مرکزیت "پسه فضای رفیقانه" مباحثات لطمه وارد میساخت. از اینرو مرکزیت تصمیم گرفت که با اخراج این رفیق فضای رفیقانه را حفظ کرده و از "لطمه" های وی ستم پیشگیری نماید. مرکزیت نشان داد که بر اساس باور فرقه ها "مبارزه ایدئولوژیک طیفی" مبین گسست در اعمال اراده تشکیلاتی کمونیستی است و بسا چنین باورست که بخش قابل توجهی از نیروهای تشکیلاتی که بر لغو سانسور و مقدماتی پای میفرستند به انشعاب شکن و انشعاب طلب ملقب گردیدند. در حالیکه موضوع میان کبک است که مرکزیت با خصم "وحدت تشکیلاتی" خواستار تحمیل انشعاب و تصفیه اقلیت نظری (گرایش چپ) بوده است تا کنگره مورد نظریش را بدون دغدغه برگزار نماید.

ما ضمن محکوم کردن چنین سیاستهایی و با اعلام حمایت از تمامی رفقای اخراجی و توبیخ شدی از برگزاری کنفرانسی دمکراتیک و سراسری پشتیبانی نموده و با تمام قوا در جهت بهائی آن تلاش خواهیم نمود.

پوش به سوی برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی  
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

اکثریت واحد هانوفر  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
۱ نوبه ۱۹۸۹

برنامه ای و تاکتیکی بعنوان بستر فوران این ناراضیاتی، موجب انکشاف و بروز آشکار اختلافاتی گردید که نتیجه محتوم چنین سیستمی بود.

مرکزیت بعنوان هدایت کننده و پاسدار سیستمی که اجازه پخش عقاید و سایر روششنای نظری را نداد، مرکزیتی که تا چند ماه پیش حتی یک مبارزه ایدئولوژیک درونی را نیز سازمان نداد، بود. (گویا همه رفقای مرکزیت حول کلیه مسائل یک نظر داشتند) (مرکزیت که در آستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک طیفی، اقلیت را ملزم میکند که بخشهایی از نوشته اش را با دلایلی توجیه گرایانه حذف کند. که در زیر به نمونه هایی از آن میپردازیم) و اگر نکند در نهایت بمعنای عدم تبعیت اقلیت از اکثریت است. (حتی در برابر نظرات) (مرکزیت که تا دیروز بر برگزاری کنگره را بدلیل مالی و فنی غیرممکن میدانست، اما در آستانه بروز طیفی بحران "تصمیم" آنرا میدهد. و تصمیم آنرا نه در فرآهم کردن ابزارهای لازم برای برخورداری اقلیت از حقوق حزبی خویش، بلکه در اعلام طیفی تسکین است. میگوید. "کمیته مرکزی که برای ناراضیان سازمان خائن اکثریت بدستی رهنمودهای ویژه را در یکسال میدهد (مندرج در نشریه شماره ۵ مقاله "حکومت نظامی باند نگهبان" ۰۰۰) اما برای ناراضیان خود پشیمان نمیدهد. تنها مسئول تحمیل انشعاب میباشد. براساس اقلیتی که امکان پخش نظراتش را در درون و بیرون داشته باشد چرا باید خواستار انشعاب باشد و براساس حفظیت و عدم حقانیت پخش نظری برای اعضا سازمان و نیروهای بیرونی چگونه باید روشن کرد؟ نظراتی که حتی با افسان پخش درونی نیز نداشتند. و حتی قسمتهای از همین نوشته رفیق باطالی برای درون نیز "اشرار نامطلوب" داشتند. میبایست برای اعضا سانسور می شدند. رفقای مرکزیت هم قاضی هستند. هم سانسورچی. و هم کسی نیکه خوب و بد اعضا را بیشتر از آن تشخیص داده و بیشتر میدانند که چه چیزی را در معرض رویت آنان بگذارند تا منحرف نگردند. نیروهای بیرونی هم که حسابشان جداسازی (بر واضح است که گفته های لنین هم، قابل اجراء برای سازمان ما با مرکزیت فوق مسائلیست بوده و نیست) آنجا که میگوید "بگذار اکثریت افراد معتقد درباره داد و بیبادهای ما و درباره یک یادداشت و تصاویر کشنده یادداشتی که بعهده بعضی ها شد است بنظر بعضی دیگر بسیار ملایم و بجهتده بقیه بسیار خشن. تنها از طریق مجموعه ای از چنین بخشهای آزاد است که میتوانیم گروهی از رهبران و اقدا حکون بدست آوریم. تسکین در چنین شرایطی است که برای کارگران غیرممکن خواهد شد که از درک ما عاجز بمانند. تنها این مان خواهد بود نه "ستاد" ما و اقدا توسط اراده آگاهانه و سودمند یک ارتش پشیمانی خواهد شد. ارتشی که همانگونه که بدنبال میبایست همانطور هم ستادش را رهبری میکند. (لنین اسپرگا شماره ۵ - ستاد کیدات آزماست) آیا در تشکیلات ما "ارتشی" که به دنبال ستادش میاید. اگر بخواهد "ستادش را رهبری کند" فکر مضمینیت آریا از نظر مرکزیت ما "اراده آگاهانه و سودمند یک ارتش" آنگونه که لنین میگوید وجود مایند؟ یا ممبر "فراکسیونیس" و "انشعاب طلب" مستحق هر جنبنده ایست که خواهد فکر مستقل و حق قضاوت و مستقل را پس از شنیدن کافی اختلافات داشته باشد؟ فراکسیونیس در هر تشکیلات کمونیستی مفسرود و محکوم است تا در مقابل آن و حکمکنند زمینه های فراکسیونیس از چه طریقی ممکن است؟ و خفه کردن نظرات و بستن چشم و گوشها و میزبان کردن بیشترین امکانات که اعضا "نظرات کامل دیگران را شنوند؟ یا با جاری کردن نظرات و فراهم کردن بیشترین امکانات که اعضا "نظرات کامل دیگران را شنوند؟" اندامک؟ اقدامات فتره چگانی مرکزیت و تاکتیکی از مبارزه ایدئولوژیک درونی که آنهم تنها در این اواخر شکل گرفته است نشاندهنده برتری راه اول توسط مرکزیت بوده و هست. اما جالب است تا اتهام فراکسیونیس را بطور مشخص نیز بررسی کنیم در شرایطی که یکی از رفقای برجسته عضو مرکزیت ما در آستانه اخراج قرار دارد و در شرایطی که اکثریت مرکزیت از تمامی امکانات و ابزارهای تشکیلاتی برای توجیه و توضیح یکطرفه از جانب خود (ملاوه بر نوشته های مکتوب طرفین) استفاده میکند انتظار آن دارد که اعضا "واحد ما بدون رفع ابهامات و شنیدن کافی و هرچه بیشتر و زیادهای صغیه تصمیم خود را گرفته و تکلیفشان را روشن نمایند" (این هم یکی دیگر از اقدامات دیکتاتورانه مایه مرکزیت و در واقع مضمون متحق سوال و پرسشها از طرف مقابل. حق فکر و امکان تصمیم همه جانبه و مستقل واحد توسط مرکزیت، با شعار تبعیت از اکثریت رهبری بود هنگامیکه اکثریت واحد هانوفر با صدور قطعنامه ای خواستار ابقای رفیق باطالی، لغو سانسور و مقدماتی بیشتر نوشته اش، برگزاری کنفرانس ویژه، پخش قطعنامه اش در دیگر واحدها و پاسخ به این خواسته ها در طی یک هفته گردید. (در شرایطی که "محور اول تنها خواسته های بودند، و تصمیم اکثریت واحد و ارائه راه حل از جانب آن به بعد از پاسخ مرکزیت موقوف شده بود) مرکزیت نه تنها قطعنامه مزبور را در واحدها پخش نکرد بلکه در مقابل با آن اکثریت واحد را توبیخ نمود. (در همین فاصله تعدادی از رفقای رهبری با حضور در دیگر واحدها اعلام داشتند که "اکثریت واحد هانوفر انشعاب نموده است". پاسخ اکثریت اعضای واحد هانوفر به سئوالاتی که توسط اعضا "دیگرو واحدها از آنها میشد این بود که "چنین مطلبی صحت ندارد ما انشعاب طلب نبوده و تنها خواستار پخش قطعنامه مان در دیگر واحدها شده ایم". مرکزیت کلاگون با سخاوتمندی مبرسر "انشعاب طلبی" را بر ما میزند باید پاسخ دهد که انشعاب طلب چه کسانی هستند. آنان کس خواستار ابتدائی ترین حقوق تشکیلاتی شان بودند. یا آنان که شاید انشعاب ما را پخش کردند و انشعاب را تحمیل نمودند؟ آنان که خواستار جاری شدن حقوق اقلیت در تشکیلات هستند. یا آنانکه ظرفیت تحمل کوچکترین مخالفین را ندارند؟ در فاصله ای که ما بعنوان انشعابیون معرفی شده ایم یکی از رفقای رهبری طلی سفارش به واحد هانوفر دستور میدهد که جلسه گذاشته شود تا معتزترین را "ارشاد" نماید. در حالیکه یکی دیگر از خواسته های برحق و مندرج در قطعنامه اکثریت واحد هانوفر، حضور همزمان رفیق باطالی و نماینده اکثریت کبک مرکز در واحد هانوفر بوده، و با غیر مغالفت اکثریت این واحد با حضور یکجانبه نماینده نظری تشکیلات و عظیم آنک تشکیلات، این رفقا را انشعابیون معرفی کرده بود. رفقا به این جلسه تن دادند. پس از بی نتیجهی این جلسه و با رهنمود مسلم و قابل اثبات مرکزیت روابط محلی و غیر تشکیلاتی از دیگر واحدها برای "ارشاد" و "تاکیدگذاری" با بخشی از رفقای معتزترین واحد آغاز شد. که آنهم بی نتیجه بود اکنون رفقای مرکزیت باید پاسخ دهند که فراکسیونیس کیست. اعضای واحدی که در یکسانی از سانسورین و در حیات تشکیلاتی ۱۰ ساله شان میخوانند نظر و تصمیم خود را با شنیدن حرفها و استدلالهای دوطرف تعیین نمایند. اعضای که از تشکیلات خواسته اند تا موافقت نماید، و در طرف دعوا در چنین شرایطی و امکان تساوت نسبی را برایشان فراهم نماید؟ آیا فراکسیونیس (آنهم در چنین تشکیلات خفه ای که خود زمینه ساز تولید کننده فراکسیون است) چنین اضافی هستند و یا مرکزیت و دفتر سیاسی که بعنوان یک جمع ویژه که به هیچ حساب پس نمیدهد و تنها از حقوق فوق ویژه خود پاسداری مینماید؟ فراکسیونیس چنین اعضا "ریشه ای هستند و تنها رهبرانی که به نیروهای خودی دستور میدهند تا از همه امکانات و روابط خود (کارزارها و روابط نرمل تشکیلاتی) نبوده و چیزی جز روابط غیر معمول و فراکسیونستی محسوب نمیشوند) بسیاری تلاش گیری و برخورد با نیروهای معتزترین بهره جویند؟ (آندامی که به وفور صورت گرفته و کسی نمیتواند آنرا توجیه و یا تکلیف نماید) هنگامیکه در یک تشکیلات قوانین آهنین و بد و استثناء وجود نداشته باشد. فراکسیون واقعی برای حاکمان مجاز و "فراکسیونیس" تمبیری برای مجریان معتزین مزموم میشود. (اینها تنها گوشه هایی از اقدامات مرکزیت است که در اینجا به واحد ما اتفاق افتاده و اینها نمونه هایی از "فراکسیونیس" ماست که به ما ابلاغ شده و اینها عده ترین "جرم" ما برای

(۲) اطلاعیه شماره ۲

چه کسانی در پشت فریادهای وحدت طلبی،

انشعاب را تحمیل کرده اند

چه کسانی از سنتهای لنینیستی تشکیلاتی

پاسداری میکنند

جواب من به سئوال "چه باید کرد؟"، (بطور اصرار چه نباید کرد و بطور اصرار برای جلوگیری از یسک انشعاب چه نباید کرد) اول از همه عبارتست از: ظهور و رشد باقوه یک انشعاب را از حزب پنهان نکیند، هیچکدام از شرایط و تقابلی را که در تشکیل چنین طلی دخالت دارند مخفی ننمایند، و بلافاصله از اینها "پسین" ظل رانه تنها از حزب، بلکه تا جائیکه مقدور است از مردم خارج از حزب نیز پنهان ننمایند. من میگویم "تا جائیکه مقدور است" زیرا میدانم که در یک سازمان مخفیس مسائل و چودارد که لزوماً باید مخفی نگه داشته شوند. اما در انشعابات ما این چیز هائیس همی را بای تکیند، بطور گسترده تبلیغ کرد. این مطمئن ترین و قابل اعتمادترین وسیله برای جلوگیری از انشعاب است که میتوان از آنها جلوگیری کرد و زینبای ناشی از این انشعابات را که دیگر قابل جلوگیری نیستند، به حداقل کاهش داد. (لنین - در سراسر مسامات اکثریت و اقلیت - تأکیدات ماست)

کادرها، اعضا، هواداران سازمان و کلیه مبارزین راه سوسیالیسم و دیکتاری

همانگونه که در اطلاعیه شماره ۱ ضوان داشتیم رژیم فوق مرکزیت حاکم بر سازمان ما و عهد م امکان افعال اراده نیروهای تشکیلاتی بر حیات سازمان و رهبری آن، بعنوان منبع اصلی ناراضیاتی و اعتراضات، و جاری نبودن حق اقلیت نظری در برابر آزاد تقادش حول کلیه مسائل اساسنامه ای،

اخراج بوده اند ۱۰ لیه این "محبتها" و "سرکشیهای رفیقانه" تنها شامل حال ما نگردیدند. آفتاب "سرکشی" و ارشاد "رفقای رهبری پناهبان" در درون چند روز شامل حال بسیاری از واحد ها شدند. ما اکثریت واحد ها شوکر به سهم خود برای یبنداری کارگران و زحمتکشان و یبوری حاکمیت آنان و نه حاکمیت حزب می جنگیم، هرگز حاضر نیستم چشم و گوش بسته حرفهای "ارشاد" "یکطرفه" را آتیم در بحرانی ترین شرایط تشکیلاتی سازمان ما که البته بهیچ وجه قانع کننده نبودند. به باور کرده و بدان عمل کنیم. ما بهیچ وجه حاضر نیستم به حاکمیت فوق سانسائریستی (یکسوان فرانسویستی) یک جمع ویژه با حقوق فوق ویژه گردن بگذاریم. ما تابع انضباط حزبی هستیم و از اراده اکثریتی تبعیت میکنیم که از ما (فرود) از توده ها (تبعیت کورکورانه را نخواهد. شمارشمارش لنینی نور، نور، نور بیشتر است. چرا که ما معتقدیم - مدت زیاد است که باید سنت فرهنگ کراسی، محظی را کاملاً جا بیاوریم و حزبی که بر توده ها تکیه دارد قاطعانه شعار نور بیشتر را به پیش ببرد. بگذار حزب به چیزی بداند. بگذار همه چیز داشته باشد. بگذار مطلقاً تمام مواردی که برای داوری همگی اختلافات گوناگون و با رنگتهای به روی بیوسیم، اعتراضات از انضباط و غیره لازم است در اختیار داشته باشد (لنین سنامه به ایسرا - تأکیدات یک خطی از لنین تأیید و خطی از راست) پساً ایتمه آمانی ما نبودیم که بیرون رفتیم، ما کافکان خواستار ماندن در تشکیلات، اما تا همین حدت حیات اقلیت نظری در تمامی حوزه ها بوده هستیم و این تعیین معنا و مفهوم دیدگی از سیاست شلاق و تعیین مرکزیت دارد. سایه روشنفکری نظری و مقابله با گرایش راستروانه و صلحت گرایانه رهبری نیز تنها با تعیین چنین امری ممکن است.

و اما تحریفات مرکزیت تنها بمسئله "انتماب طلبی" و "فرانسویست" خلاصه نمیشود. در اطلاق اینهمه ماه، دیرخانه، در رابطه با نوشته رفیق باباطیه و تقاضای به گونه‌ای جلوه داده شده است که گویا مقاله زبور حول پیش نویس اساسنامه و بندت مورد اختلاف آن، حول مبارزه ایدئولوژیک غلطی بوده است و نه تقاضای مباحثات وحدت. اسناد موجود (که ما به سهم خود تلاش در جهت آماگسی انتشار آنها داریم) گویا تر از آنند که با چنین تحریفاتی، ماستالی شوند. نامه رفیق باباطیه به همراه نوشته اش به تاریخ ۱۶ ماه ۶۷، نه در مورد اساسنامه که هنوز پیش نویس اساسنامه تهیه نشده بود که با نام "یادآوری مباحثات وحدت" تأییدی مجدد بر ضرورت مبارزه ایدئولوژیک غلطی و به همین منظور نگاشته شده بود.

دوین تحریف نمکین در اطلاعیه دیرخانه، لوث کردن قضایست. در این اطلاعیه سمعی میشود که اختلافات اخیرانه اختلافات تشکیلاتی و مسئله تعداد قابل توجهی از اعضا، بلکه جنگ "راه کارگر" یا "راه فدائی" محکم نماید. در حالیکه تمامی افراد درونی سازمانی بخوبی میدانند که اکثریت اعضای اخراجی و توبیخی، نمازافراد سابق "راه فدائی" بلکه افراد یا سابقه و حتی رفقای سابق که از ابتدای شکل گیری "راه کارگر" یا آن فعالیت داشتند میباشند. اگر این دروغ بر دانهای پسرای نیروهای بیرونی شبه برانگیخته باشد. (آتمت نهاد شرایط حاضر) برای نیروهای درون سازمانی از طهر من الشمس است و فردا برای نیروهای بیرونی نیز روشن خواهد شد.

و اما ذکر چند نکته در مورد اطلاعیه ۱۲ بهمن ماه اقلیت واحد هاتوف نیز خالی از لطف نیست. از افتراات و اتهامات این رفقا (که در انتهای اطلاعیه شان به پرهریز از آنها توصیه مسان میکنند) میگذریم و قضاوت نهائی در مورد "فرانسویست" اقدامات کو دتا گرایانه و "و... و همچنین "تمیط اموال" و اسناد (که حتماً در تشکیلات ما از جمله حقوق ویژه مرکزیت است و اقلیت تشکیلاتی مانند بن حقوقی نظری، در این مورد هم حقوقی ندارد) را پس از برخورد های قضایی سیاسی نیروهای تشکیلاتی و جنبش کمونیستی، دمکراتیک میسپاریم.

از نگاه قابل توجه به اطلاعیه آستکه برسد، می شود و کمیته مرکزی سازمان در مبادی برنامه‌های و تاکتیک در جهت تجدید نظر کردیم؟ پاسخ تفصیلی آن در این اطلاعیه نیکیجند. اما نقدا اشاره میکنیم که مقاله پاسخ به نامه ما مندرج در نشریه شماره ۶۷ که علاوه بر معنای صحت گذاری بر برنامه اسناد است، پس گرفتن خزنده شمار بر گزار یاد جمهوری دمکراتیک خلق در نشریه شماره ۸۵، طیفم آنکه در شماره ۸۶ در مقاله "ترمیم شعارها" شعار "سرتگون پاندمیوی اسلامی سرتسرا با جمهوری دمکراتیک خلق، همخوان شعار بابت همیجگی ما مطرح شده بود. (که با درج همزمان شعار سرتگون رژیم نهائی قسمت دوم آن در دو نشریه "راه کارگر" و "پیام کارگر" همراه بوده است) قضاوت اخیر کفرانگش شوری حول سکه دمکراسی و نان، که مدافعین وروجین آن رفقای رهبری بودند. اینها نه قسم حضرت عباس رفیق باباطیه که دم خروس مرکزیت است که سیاستهای تاکتیک و اختلافی خاص خود را با لحاظ صفت بنوی نمایند که طبقاً از همین و شرکت رفیقیت حول برنامه حداقل (و نه اقلیتی) طلب میکند. و تلاش با محترمین قانونی اکثریت خائن (مجدد) در درو اخیر، و برگزاری جلسات پنهانی (و حتی پنهان از نیروهای تشکیلاتی) با فداان کشتگر در درو گذشته، سیاستهای اختلافی راستروانه، دشمنانه های سر صبیح دولتی است که نوید مدین آن آشکارتر و آشکارتر میگردد. سیاستهای صلحت گرایانه در قبال کشورهای سوسیالیستی و صلحتگرای لفظی، که در بستر بحران اخیر، علاوه بر مقاله تحت عنوان حکومت کشورهای سوسیالیستی در قبال سکوت آنها در رابطه با قتل عام زندانهای سیاسی در ایران دست و پا گردیده و در نشریه دیج نمود. در حالیکه در گذشته هم های مشابه محدودی وجود داشته که سازمان در قبال آن سکوت نمود. در برخورد های صلحت گرایانه و فرصت طلبانه در رابطه با کشایش به اصطلاح "ستون آزاد" در نشریه "از ستون آزاد" برای نیروهای درونی و بیرونی سازمان دست و پا شد. از این نوع اقدامات پراگماتیستی و صلحت گرایانه کم نیستند و پیشها تنها نمونه های جدید این سیاست و رفقای اقلیت واحد هاتوف خواستار برخورد مستند هستند. اما ممکن است رفقا سندی ارائه دهند که اقلیت نظری در کجا گتقی نوشته است که برای کل خرده بیوزی نظریت اجرای برنامه انتقالی را قائل شده است (و در کجای "جزوات" "درونی" "فرانسویست" از دولت های "منحط" کارگری نام برده شده است؟ ربط خوردن منج ربط چون کند. رفقا پرهریز از نکاتی را به ما توصیه میکنند که خود پرچم را آتند. اتهامات غیر مستند، اما از همه جایتر آست که رفقا با قیافه ای حق بجانب، اقدامات مارا بنفیس جریانات اپورتونیستی رفرمیستی و سوسیال دمکراتو بیوزی اکثریت خلکن تفسیر مینمایند ( )

رفقای عزیز! بگذارید پاسخ این امر را اعضا و هواداران تشکیلات و کلیه مبارزین و سوسیالیسم و دمکراسی بدهند. که پرچم داران شعار "جنگ نظری بهزیر آفتاب" خد متگزاران پنهان مانسندن چهره ها در حمایت از رفیقیتها، اپورتونیستها و سوسیال دمکراتها و خائنین هستند یا آتانی که نمیخواهند پیراهن چرکینشان را در انتظار توده ها آویزان کنند؟ هیچکس از ما نمیپذیرد که در پشت شمارهای عوام فریبانه و در حمایت از گسائیکه با محترمین قانونی اکثریت خائن نیستند، خود را مدافعین دانه مبارزه علیه این خائنین جلوه دهند.

رفقای عزیز! چرا در مورد اصل قضایا و گره اصلی پنهان ماندن اختلافات و سایه روشنفکری نظری، چرا در مورد نبود دمکراسی و حاکمیت فوق سانسائریسم که اکنون همه کس شعار کنگره را میدهد بیک گله نگفته اید. محض یادآوری باید بگوییم که پرفری دسری ادعا هایتان مبنی بر "لیبرال پوپولیستی" بودن نظرات ما، چرا مرکزیت پنهان "لیبرال پوپولیستی" و "تقویت کنندگان اکثریت خائن" و... اجازه نمیدهد تا بدین نطفه نظر نشان دستشان را برای همه روکنند ( ) و بجای آن سیاست اخراج، قلع و قمع و تعیین محترمین را در پیش گرفته است. سیاست فرمست لانه ای که در این محسرات تشکیلاتی، هیچ غایبی با این خره تشکیلاتی را در دوشه نمیکند ( مرکزیت برای آنکه بتواند محسرات حاکم تشکیلات عمل کند باید منافع خاص خود را بخواند منافع عمم تشکیلاتی معرفی نماید. و ایمن امر را از یکطرف با علم کردن پنهان "نقص انضباط" فرود آوردن شمیر بر عناصر "فری تمیط" از طرف دیگر با وعده شیرین کنگره (که از پیش معلوم است چه نوع کنگره است) پیش ببرد. نتیجه

نهائی آن چیزی جز دوشه کردن تشکیلات یا اخراج نیروهای محترمین، و یا زبسی گیری حاکمیت مجدد خود با مختصر تخمیرانی در ترکیب آن از طریق یک کنگره از پیش سازماندهی شده نخواهد بود. دوشه شدن تشکیلات و حاکمیت مجدد چنین مرکزیت فوق سانسائریستی دقیقاً عکس منافع عموم تشکیلاتیست. آیا بر راستی اینگونه میتوان از تشکیلات حفظ و حرست نمود. آیا با فراهم کردن امکانات و ابزارهای هرچه بیشتر برای دیدگاههای مختلفی که در تمامی زمینه ها از جنبه ناسبیت تشکیلاتی بی پرواسخن گفته و نیروهای سازمانی امکان شناسایی رهبران واقعی خود را داشته باشند؟ آیا به شیوه زور میتوان از حقیقت و اصولیت پاسداری نمود؟ یا آنکه حقیقت از دل مباحثات، مجادلات و استدلالات هرچه بیشتر آشکار میگردد؟ کدامیک؟ رفقای عزیز! پاسداران سنتهای لنینی دوی را بر میگزینند و "پاسداران" "سنتهای" "لنینی" "اولی" را.

سرتگون باد جمهوری اسلامی، برقرار اید جمعی دمکراتیک خلق ( )  
 زنده به سواد آزادی، زنده به سواد سوسیالیسم ( )  
 اکثریت واحد هاتوف، سناج چپ  
 سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۸۹ / ۲ / ۱۶

(۳)  
 رفقای کمیته مرکزی و اعضا سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) :  
 با درودهای کمونیستی، برایتان موفقیت انقلابی آرزو میکنم

رفقا!  
 حدود ۱۰ سال است که در سازمان دوشید و دوش هم برای انقلاب و سوسیالیسم مبارزه میکنیم و شرایط سخت و تندبیبج های بسیاری را پشت سر گذاشته ایم. هم اکنون که سازمان ما بمطابه یک سازمان سیاسی در سطح جنبش مطرح است و چشم اندازهای امیدبخشی در برابریمان قرار دارد. ساخت و نگرش های رفقای و محضلی سازمان و گرایشات راستروانه رهبری بمطابه مانع قابل و پیشروی بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر عمل میکند بطوریکه این تناقضات موجب بحران در سازمان گردیده است. رهبری سازمان برای حل بحران کتونی شیوه سرتگون و حذف اصولیترین گرایش را پیش گرفته است. در حالیکه برای بر رون رفت از وضعیت کتونی بایستی اولاً به مبارزه ایدئولوژیک دامن زده شود و سانسور نظرات اقلیت کنار گذاشته شود. ثانیاً کل بدنه سازمان را در سرنوشت خود شرکت داده و از حق صاوت و تصمیم گیری محرومان سازد.

مش رهبری سازمان که بر سیاست حذف چپ و جذب راست استوار است برای آینده سازمان ما بشدت خطرناک است از این رو ما و تمامی اعضا سازمان موظف هستیم در مقابل اقدامات نا سالم و ضد حزبی رهبری که با هیچ قانون و اساسنامه حزبی انطباق ندارد ایستادگی کرده و از رهبری بخوایسیم که از سیاست کتونی خود صرف نظر نموده و راه را برای مبارزه سالم حزبی از طریق موافقت با مشارکت توده های سازمانی در تعیین سرنوشت خویش فراهم نموده و انتماع را به بخش وسیع از نیروهای سازمانی تحمیل ننمایند. برای جلوگیری از انتماع لازمست رفقای کمیته مرکزی (رهبری سازمان) اقدامات زیر را در دستور قرار دهند.

۱- سابقه رفیق اختری در کمیته مرکزی - لغو سانسور مقاماتی دفتر سیاسی و پذیرش حق بیان بی قید و شرط اقلیت و نیز واگذاری تصمیم گیری در رابطه با اختلافات موجود به نمایندگان منتخب کل اعضا سازمان در کنگره سراسری.

۲- برگزاری کفران سراسری - تشکیلاتی از نمایندگان نیروهای موجود در خارج از کشور (که اکثریت کادرها و اعضا سازمان ما را تشکیل میدهند) بمنظور انتخاب کمیته مرکزی موقت و تدارک کنگره با زمانبندی معین (این کفران حداقل تا ۳ ماه آینده تشکیل شود.)

۳- لازم است تا برگزاری کنگره سراسری از هر گونه تصفیه و نقل و انتقال نیرو و منتزل یا ارتقا تشکیلاتی خوداری شود.

تقاضای من پذیرش محورهای فوق توسط رهبری سازمان میباشد و بدینجهت از امروز ۱۶/۱۰/۷۷ بدت ۱۵ روز دست از کار خواهم کشید و ادا همکاریام مشروط به پذیرش کامل سائل طرحه خواهد بود از آنجا که ضوعیغه تشکیلات داخل کشور هستم و اکثریت کمیته های سازمانی داخل کشور در رابطه با من میباشد در این ۱۵ روز جنبه های اضطراری سائل رفقای داخل کشور را پاسخگو هستم و در صورت عدم موافقت رفقای رهبری، پدیبی است که هدایت کمیته های داخل کشور مستقلاً پیش خواهد رفت و تبعیت از رهبری را جایز نمیدانم. منتظر پاسخ کتبی رفقا هستم.

بامید موفقیت های انقلابی برای رفقا  
 سلام ۱۶/۱۰/۷۷

تشکیل کنگره عاجلترین مسئله تشکیلات ما میباشد که میتواند سائل زیر را پاسخگو باشد الف. بررسی بیان کارگرم سازمان و حل اختلافات کتونی ب. انتخاب کم سازمان ج. تصویب برنامه و اساسنامه سازمان د. رسم خطوط صومی سیاسی - تاکتیک دوره کتونی.

(۴)  
 ابزار از نزار نیست به ترور معنوی مخالفین با استفاده از خره دیر آشنای "اقدامات خطرناک امنیتی"  
 اتهامات و اکاذیب گوناگون فرانسویست و به تبع آن کمیته مرکزی به مخالفین سزاوار پاسخگوئی نیست. مهبدا افشای سیاست منحنط ترور معنوی مخالفین یا استفاده از خره "اقدامات خطرناک امنیتی" از نظر تحکیم یکرشته موازین ابتدائی اخلاقی حائز اهمیت است. اگر امروز ملاحظه می کنیم که طیفم افاق نظر کلی در بر زمان در محکوم نمودن شیوه برخورد توکل به شهید محمود محمودی، دفتر سیاسی از شیوه های مشابه در سرگوب مخالفین استفاده می کند، تنها به این حقیقت واقف می شویم که: "کسانیکه در سیاست از موضع ناحتی دفاع می نمایند سزاگزیب از توسل به شیوه های غیر شرافتمندانه می باشند" (مارکس).



در اینجا نیز من درصدم دفاع از خود در مقابل دفتر سیاسی نن باشم اما برای آنکه وجدان کلیه اعضاء، هواداران و کمونیستهای انقلابی را در محکومیت چنین شیوه‌های مخاطب قرار هم لازم میدانم مختصراً نکاتی را توضیح دهم. واضح است که بنا به طبیعت امنیتی - اطلاعاتی مسئله از تشریح بسیاری نکات ناتوانم و مجبور به ذکر روشن مطالب می باشم:

۱- از آنجا که ضوضایه‌های تشکیلات داخل کشور سازمان (مرکز ارتباطات سازمان) بودام، ارتباط مورد اشاره دفتر سیاسی از جمله روابط تحت مسئولیت من بوده و تناس من با ارتباطات مذکور در چارچوب وظایف روزمره و جاری تشکیلاتی ام می کنید.

۲- بدیهی است که دریافت اطلاعاتی از قبیل شماره تلفن، آدرس و ... از روابط تحت مسئولیت من کاملاً مجاز و معمول بوده و فاقد هرگونه جنبه امنیتی - اطلاعاتی میباشد. آنهمس باین دلیل ساده که طبیعت کار اساساً چنین ایجاد میکند.

۳- شایعاتی مبنی بر "اقدامات خطرناک امنیتی" هیچگونه مبنای واقعی نداشته و تنها اهداف توطئه گرانه راجع به من است که در صورت لزوم دلائل واهی بودن آن بطور مشخص با اطلاع رفا رسانده میشود.

زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم  
سلام ۱۹ بهمن ۱۳۶۷

جمهوری دموکراتیک خلق، رهبریان سیاستهای انقلابی راست روانه تا کنونی سیاستها و مکتوبهای رهبری در مقابل کل تشکیلات (از جمله تشکیلات داخل) بطور واقعی و جدی کاملاً پیمانگیار برای همیشه باید فرقه فوق سازمانیست حاکم بر سازمان را در مقابل سیاستهای راست و سانسورستی خود قرار داد و به کل سازمان امکان داد تا سرزیت خود را در دست خود بگیرد. ادامه حیات فوق سازمانیست مانع اصلی حرکت به چپ سازمان است و راه را بر انتقادات کیدار و گفتارهای پند و آواز این طبقه تمامی دستاوردهای ثوریک سازمان را به مضمی شاعرانه خاموشی و تبلیغاتی بی محتوا تبدیل میکند. با برگزاری کنفرانس تشکیلاتی این مانع را از سر راه برداریم.

با اکتفیت طایف واحد پاپوس، بدلیل اختراجه به انجمن غیرقانونی رفیق بابا طی و رفیق سلام در برزپرد و راهی "با به خود انتقاد کنید یا اخراج میشوید" به شکل اجتناب رهمی سازمان، فرار گرفتن طبعاً نه راه انتقاد به خود، بلکه انتقاد به رهبری سازمان را در پیش گرفته ایم و بدین "حجم" مشمول "الطاف دکرانیک" این رهبری شده ایم. ما از همه اعضاء سازمان از همه فعالینی که هدف اصلی خود را حرکت در جهت سازماندهی حزب لنینی طبقه کارگر قرار دادمانند دعوت میکنم تا همدا با ما به حکم کیدون این سیاستهای رهبری سازمان راه کارگر پیدا کنند. ما از کلیه اعضاء و کاد رهاری سازمان که نخواهند در جریان این صغیه گسیده ساکت بنشینند. در صورت میکتیم تا دست در دست یکدیگر برای برگزاری کنفرانس تشکیلاتی و انتخاب یک مرکزیت وقت تلاش کنیم.

پس به سوی برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی  
زنده باد آزادی، زنده باد دکرسی، زنده باد سوسیالیسم  
"اکتفیت واحد پاپوس"  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راگرا) گری  
۱۴ توره ۸۱  
۱۵ بهمن ۱۷

## (۶) بخشهایی از نوشته رفیق B به مرکزیت سازمان

همانطور که اطلاع دارید سازمان ما با بحرانی همه جانبه فراگرفته است. بحرانی که از مسائل تشکیلاتی، فقدان دکرسی و تسلط بی چون و چواری سانترالیسم بسسه تشکیلات ما آغازگشته و با مسائلی چون اختلاف نظرات در جمهوری دکرانیک خلق، سیاستهای انقلابی و ... ادامه یافته است.

این بحران طیف وسیعی از نیروهای سازمان ماراد بر گرفته است، نیروهای که برخلاف نظرفقاری دکرسی ما نه متأثر از فضای سوسیال دکرسی خارج از کشورند و نه نیروهای "فریب خورده" یا "خود فریب" اند ...

رفقا! هدف من از این نوشته تلاش مجد جهت رساندن فریاد نیروهای تشکیلاتی معتقد به مبارزه طبقاتی و انقلاب سوسیالیستی است که در پشت این خط و برنامه سنگر گرفته بودند به گوش ناشنای رهبری سازمان است. فریادی که در کنفرانس خارج از کشور هم بلند شد و به اعمال نظری مورد دکرسی در زمین برگزاری کنفرانس اعتراض نمود. فریادی که وتوی تمامی مصوبات کنفرانس را یادیده و تعجب نگریست و به بی اعتقادی و احساس عدم نیاز رهبری سازمان به بدنه آن، به نیروهای که بسار تشکیلات در مبارزه انقلابی اش برودش آنهاست، بیشتر و بیشتر باور پیدا کرد. فریادی که توصیه این که "رفیق در دست میگوئی، ولی تشکیلات که یکشنبه درست تعیشود" را بهانه ای بیش از جانب رهبری نمیبیند، رهبری که از تعجب ماندگن تشکیلات ما برای توجیه عدم پیشرفت ها و سنگ اندازیها فضیلت ساخته است. رفقا! همانطور که قبلاً نیز مطرح نموده بودم نحوه برخورد تشکیلات به حل مشکلات موجود میتواند تأثیر حسی تعیین کننده بر بسیاری از نیروهای سازمانی بگذارد. در حال حاضر فقط ایسن را می توانم بگویم که رهبری تشکیلات ما بدترین برخوردی که میتواند بکند کسرو آن را ادامه میدهد و اما از نیروهای تشکیلاتی هنوز انتظار "اضداد کن" اطاعت کن" را دارد. رفقا چگونه از نیروهای تشکیلات، که هر روز که از تشکیلات میگردد بیشتر بی تأثیری خود بر حیات سازمان و تلاش جهت تصحیح خود توسط رهبری سازمان در مراحل و مقاطع مختلف پی میبرند، انتظار "اعضاد کن" اطاعت کن" را دارید؟! ...

... آنچه که از هم اکنون روشن است آن است که رهبری ما خود را نامیخته بی چون و چواری تشکیلات میداند صدای مخالف جدی را نمیتواند تحمل کند و وجود اقلیت را آغازی بر انشعاب میبندد. ارد.

خلاصه اینکه:

۱- تصمیمات اتخاذ شده از جانب کمیته مرکزی سازمان را به شانه سرکوب به همراه رفقهایی که در محبوسه یک انقلاب میبیم که از آنها تنها به عنوان وسیله ای برای مهار بحران و کوبیدن مهربانید برسیستم فرقه ای - محفلی و فوق سانترالیستی تشکیلاتی استفاده شده است و در واقع چشم پوشی بر تمامی مشکلات تاکنونی تشکیلات ماست

۲- شیوه برخورد تشکیلات با مخالفین و محترزمین را قابل قیاس با شیوه های توتل می دانم

۳- هرگونه انتقادی مبنی بر شرکت در فعالیت فراکمیونیستی، بطور مستقیم یا غیر مستقیم را نه پذیرفته و هرگونه موضع گیری در این رابطه، وجود و یا عدم وجود فراکمیون و یا عمل وجودی آن را به بررسی ریشه های بحران در تشکیلات ماد رنگره سازمانی که توسط هیئت منتخب تدارک کنگره (این هیئت باید در کنفرانس سراسری سازمانی انتخاب شود) فراخوانده میشود موکل میکنم

۴- نحوه برخورد تشکیلات در مورد آن بخش از اموال سازمانی که در دسترس من است، منظور بخش شایعه ضبط این اموال توسط رفیق غلام در شهرهای مختلف توسط رهبری رامحکوم میکنم و همانطور که در صحبتهای حضوری بارفقا عنوان نمودام این اموال تنها در اختیار و دسترس من است و نه هیچ رفیق دیگری.

تاروشن در بخش گفتارها و مسائل ما به هرگونه نقل و انتقال مالیه و اسنساد سازمانی مخالف هستم و تا آنجا که من مربوط میشود از انجام آن خود داری میکنم.

## (۵)

### پس به سوی برگزاری کنفرانس تشکیلاتی

یکبار دیگر به مجرک طرح ملی مبارزه ای دیولونیک غنی، آنجا که شمارهای دکرسی طلیس و زبایت اصول لنینیستی میبایستی در صل زنده تشکیلاتی محک بخورد، بوجه فرقه ای - محفلی و فوق سانترالیسم دندان نشان میدهد. دکرسی و اکتفیت کمیته مرکزی راه کارگر در آستانه اولین مبارزه ای دیولونیک تاریخ حیات سازمان، نیم نایزانه، سرکوب و صغیه را برقرار کردمانند تا مساباد "سزای" افتا شد که طرح ملی آنها به "سلاح" سازمان و جنبش نباشد. بوروکراسی عریان سرکوب خشن، اینست سیاستی که رهبری سازمان را در پیش گرفته و یکبار دیگر وضعیت عدم تطبیق کیدار و گفتار خود را بنمایش گذاشته است. اخراج رفقا بابا طی و غلام و بدنیال آن تخلیق و صغیه و اکتفیت واحد هائوئر، هامبورگ، پاپوس، مدید نهی از واحد فرانکفورت و ... و کجول کیدون "سنگ" در واحد های تشکیلاتی برای تبدیل و یا صغیه "سلسلدار" هادریک سانترالیستی رهبری سازمان از مساله انتقاد در نظر و وحدت در صل را نشان میدهد. جرم این رفقا که در زمره نمایندگان جناح چپ سازمان راه کارگر هستند. تنها و تنها درخواست اجزایی ملی امرونی است که در وحدت و جمع بندی مباحث وحدت "به مثابه اصول حاکم بر مضمی سیاسی و تشکیلاتی مرسوم شده اند" درخواست مباحثه ملی و بدون سانسور بقالاتی که به اصل تین مسائل مهم سازمان و جنبش مربوط میگردند. مسائلی که بدون مباحثه گسره جولی آنها نمیتوان از بدار فرقه ها گسرت و در راه حزب کمیونست تدارک جدی نظمی و تشکیلاتی کرد. ادای دکرسی در فرقه ای در اثر برداشتن حسیق اصالی "سانسور قدامتی" بر مقالات انتقادی که در مورد مقاله رفیق بابا طی شکل حذف تصادم جملات و کلماتی که به کارگرد و سیک کار رهبری انتقادی کرد را گرفت. در رفقا از آشکار و صغیه نسه تنها با آمیزشهای لنینیسم در باره اصل غنیک مباحثات بلکه با بنادی است که خود پای آنها اضا کردمانند: "گفته از آن" اخراج سچو "خریستی" رفقا محترمی و کیدون که برای "توجیه" بنمایش بوجه فراکمیون حاکم بر دکرسی را بر ملا کرد. روجهایی که معنای چیز حذف مخالفین "بریدن زبان محترزمین از یکسو و استفاده از اقتدارات فراکمیون رهبری برای "توجیه" آنها که کج شده اند و آنچه را میبینند نمیتوانند برایش هم کنند" از سدی دیگر ندارد. "سسه راستی چگونه است که باورهای که ادای دکرسی در فرقه ای در نظر و وحدت در صل را در داخل سازمان خود را نمیدهد؟! ادای دکرسی طلیس در رهنمای جامعه با اعال دیکتاتوری و دادن حقی سانسور در داخل سازمان، چون آب و آتش با یکدیگر در تضادند. رهبری فرقه ای محفلی که در طول ده سال حیات سازمان هرگز به برگزاری کنگره دست نرزد. و از این روده مسائل است که غیر منتخب باقی مانده است، میخواند با همین روش تاکنونی، یعنی افتا به آشنائی های دکرسی "تصمیمات دشمنی و رفقا نه و تمرکز تمامی قدرت و اختیارات سازمانی در دست فرقه ای است"

سوسیالیست است به پیتر برید. اما مخاطب جناح چپ در این زمینه ایشال جدی ایجاد کرده است. نمیشود در داخل سازمان با یک اوتیوون نیرومند که پخش بزرگی از دستاوردهای نظمی سازمان از آن است بیور بود. و همچنان با سنت لنینیستی اختلافات "سازش نظرات ناسخ و ضوع وجود اختلافات بدون مبارزه ملی آنها" به اصلاح در راه تشکیل حزب کام پرودانت و از سیک کار فرقه ای به اصول لنینیستی حاکم بر زندگی حزبی نکال کرد. در دست بهیمین دلیل است که مشرق این چا و آن چا "اصلاحی" را پیشنهاد کرد. به بحث لاهوتی و بدین مابانه در باره تفسیر آمونتهای لنینی دست زد اما به محترمانه سیک کار فرقه ای زنده رهبری در تشکیلات مورد انتقاد قرار میگیرد. وقتی که فرار است بیان کار ده ساله رهبری انتقادی نرزد و بس فرار بگیرد. آنگاه به جای آزادی، عجمان سانسور را بریدارد. و اگر فشار و تهدید کار نیتفکاد، برده میدزند و دست به سرکوب و اخراج گسره میزند. رهبری سازمان در دست مسابلق نظریه

استایی "اقلیت باید دست از نظرسازش بردارد و با حذف خود" وقتی میبند که جناح چپ حاضر نیست میدان را خالی کند تصمیم به حذف و دباره همان داستان کینه فرقه ها در تاریخ معاصر جنبش چپ ایران نگار میشود. فعالین "چپ" ما این داستان را "مستغانه" "انضاد دیده اند و بخوبی با آن آشنا هستند. اخراج گروین مخالف بدلیل "فراکمیون بائی" "انضاد شکلی" ... پیش از آن "صرف" شده است که نزد آنها که چشمی برای دیدن و عقلی بساری

اند به بدین مستغانه دارند. کار میبندد. پشت پا زدن به اصل مبارزه ای دیولونیک غنی و دادن حق سانسور قدامتی و تخریب "سلاح" از "فرهاری کنگره" به رهبری انتقادی در این ماجرا، پیش از آن آشکار است که بخوان آن را در هاله پاسداری از "انضاد آئین" و "سزای خنای پنهان" کرد.

اکتفیت رهبری سازمان در آستانه اولین مبارزه ای دیولونیک غنی، انشعاب را به هر آن کس که نظرمخالف دارد تحمل میکند. تا هنگامی که اقتدار مافوق سازمانی این فرقه بر حیات سازمان مسا ادامه دارد. هرگونه شعار "بخت آزاد" و "فرهاری کنگره" (که تنها امیز و بطور "خریستی" و آنهم پیر از اخراج نمایندگان جناح چپ به پادشاه افتادمانند) تنها به در دترین پیشه تبلیغاتی میخورد. در مقابل این اقدام خود مدروانه دیکتاتور یابانه میباید اینظار و اقتدار بدین سازمان را فرار داد. تنها راه ممکن در شرایط سرکوب و صغیه خشن، برگزاری یک کنفرانس تشکیلاتی در جهت انتقاد یک مرکزیت وقت و سازمان دهی در گراچک کنگره، اولین کنگره پراز ده سال حیات سازمان، میباشد. این کنفرانس میبایست در مورد چگونگی یکار بست اصولی که در "بیانیه وحدت" مسور

تا کید قرار گرفته و اساتانه سازمان را تشکیل میدهد. نظرداده و تا برگزاری یک کنگره واقعی و نه فرمایشی حیتی را برای سازماندهی امر جاری انتخاب کند. تنها تحت هدایت چنین مرکزیت انتقادی است که میتوان در راه اجزایی ملی "بیانیه وحدت" و حقوق اقلیت و مباحثات مربوط بسسه

(۷)

خطاب به اعضا\* و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
و گنجه مبارزین کمونیست

رفقای عزیز!

جنبش کمونیستی مبین ما تا بحال در برهه پیشرفت خود با انواع و اقسام انحرافات "چپ" و راست مبارزه کرده و به پالایش نظری و عملی خود پرداخته است. طرد بی‌شمار فرمیستی و خیانتکارانه حزب توده در دهه چهل توسط کمونیستهای عمقا متشکل در سازمان جریکهای فدایی خلق ایران "مزیبندی و مبارزه با انواع انحرافات نظری از قبیل تئوری ارتجاعی سه جهان و" راه رشد غیر سرمایه داری نوع خورشیدی" و مبارزه با گرایشات پروولیتاری جنبش که تجلی خود را در بنی سازماندهی مبارزات بلاواسطه طبقه کارگر در عدم توجه به سازماندهی شکل‌های توده‌های طبقه و سایر زحمتکشان در جایگزینی مبارزه - انقلابیون حرفه‌ای به جای مبارزات توده‌های وسیع زحمتکشان باز می‌یافت و دست‌نهایی به اصلی‌ترین وجوه تئوری انقلاب ایران که همانا "برنامه انتقالی" و جمهوری دموکراتیک خلق می‌باشد گام‌های ارزنده‌ای هستند که بحق سازمان ما یکی از پیشگامان آن می‌باشد.

تا آنجا که به امر بنیادین تشکیلات حزبی بر مبنای اصول سائترالیزم دموکراتیک بر می‌گردد سئبهای عقب مانده و غیر دموکراتیک فوق مرکزیت در سازمانهای چپ پیشتر در مبارزه را کند می‌نماید. فوق سائترالیزم حاکم بر سازمان ما که توسط اکثریت دفتر سیاسی و اکثریت کمیته مرکزی اعمال می‌گردد به گره و مانع اصلی انطباق ساختار تشکیلاتی با مضمون فعالیت کمونیستی سازمان تبدیل گردیده است. اکثریت دفتر سیاسی و کمیته مرکزی با زیر پا گذاشتن حقانیت سازمانی برای بیان کامل نظرات خود و جلوگیری از ابراز مخالفت آشکار این اقلیت با تصمیمات حزبی مبنای سائترالیزم دموکراتیک را زیر پا نهاده و راه هرگونه مبارزه ایدئولوژیک جدی را مسدود نموده است.

ما معتقدیم که اعمال حاکمیت سازمان بر تمامی ارگانها، بیکره ها و نهاد های سازمان تنها راه پایان بخشی به ساخت فوق سائترالیزم غیر دموکراتیک و تحقق سائترالیزم دموکراتیک است و نیز بدون مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون قید و شرط بدون حق انتقاد آزادانه و آشکار از تمامی زمینه‌های زندگی حزبی صحتی از دموکراسی حزبی نمی‌تواند در میان باشد.

اکثریت کمیته مرکزی ما در مقابل اقلیت آن که خواهان انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی و جاری شدن امر مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون قید و شرط بوده است به حریم اخراج خود تسلیم شده و به اعتراض بخش قابل ملاحظه‌ای از بدنه تشکیلات وقتش نمی‌نهد.

کنفرانس سال گذشته سازمان خارج از کشور طی بندی از تمطیتهای خود خواهان مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون قید و شرط بد با است اکتون همین بند (از طرح اساستنامه سازمان) را مجدداً به بحث در میان تشکیلات خارج از کشور نهاده تا پس از آن از طریق یک و فرزندم قتل از کشور در باره این بهترین بند اساستنامه تعیین تکلیف گردد.

آنها در زمانیکه اقلیت نظری را اخراج کردند و دهه گنگره سازمانی می‌دهند.

ما در اعتراض به اقدامات انشعاب طلبانه (نقض وحدت در پوشش فریادهای وحدت طلبانه) اکثریت کمیته مرکزی و دفتر سیاسی اعلام نمودیم تا زمانیکه آنها مدور احکام اخراج خود را لغو ننموده و به اعمال غیر دموکراتیک پایان ندادند خود را ملزم به تبعیت از تصمیماتشان نمی‌دانیم.

ما ضمن حمایت از تمامی رفقای اخراجی و توبیخی خواهان برگزاری کنفرانس دموکراتیک سراسری تشکیلاتی هستیم و با تمام قوا در جهت برپایی آن تلاش می‌کنیم و تا زمان برگزاری گنگره دموکراتیک سازمانی و تصویب برنامه و اساستنامه مبارزه خود را در جارجوب اصول وحدت‌های حزبی "راه کارگر" ادامه می‌دهیم.

پیش سوی برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی!

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

زنده باد آزادی!

زنده باد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - اکثریت واحد هامبورگ

۲۱/۴/۸۴

(۸)

خطاب به اعضا\* و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
و گنجه مبارزین کمونیست!

رفقای عزیز!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بحق بعنوان پیشگام جنبش کمونیستی مبین مان گام‌های ارزنده و مؤثری در پالایش فکری و عملی جنبش مان برداشته است. سازمان ما به همراه نیروهای انقلابی جنبش کمونیستی ایران که در روند مبارزاتی خود با انواع و اقسام انحرافات "چپ" و "راست" و مبارزه برای طرد بی‌شمار فرمیستی و خیانتکارانه حزب توده در دهه چهل و همچنین مبارزه با گرایشات پروولیتاری جنبش که فرجام خود را در نقی سازماندهی مبارزات بلاواسطه -

طبقه کارگر و سایر زحمتکشان میدانده به اصلی‌ترین وجوه تئوری انقلاب ایران که همانا برنامه انقلابی و جمهوری دموکراتیک خلق می‌باشد دست یافت و ویژه مبین در تاریخ جنبش کمونیستی ایران محسوب می‌شود. ولی در عرصه تشکیلات تمام‌عانه سازمان ما هنوز در گرو دار سئبهای عقب‌افتاده حزبی (مانند احزاب سنتی کمونیست) که مرکزیت را برده سئترالیزم تشکیلاتی ارجح می‌دانند گرفتار است. این تفکر کهنه که فسوق سائترالیزم را تقویت و به دموکراتیزم درون تشکیلات وقتی نمی‌گذارد مانع شکل‌گیری و تسلط تفکراتی که جاری شدن دموکراتیزم در حیات سازمان را نچو می‌کنند می‌شود. و خواهان آنست که روی اعتمادهای رفیقانه حساب شود و نه کنترل درون سازمانی و تشکیلاتی. چرا که برای این تفکر نفس مبارزه مهم است نه مبارزه سوسیالیستی. به همین دلیل سازمان ما اعضای خود را که سنگ بنای فعالیت مشترک سوسیالیستی را معطوف به برنامه و اساستنامه می‌دانند نه اعتمادهای رفیقانه و آشنایی‌های -

دیرینه و همچنین بخاطر پافشاری به داشتن حق نظری و تبلیغ آن نظردر ارگانهای مطبوعاتی سازمان به صورت علنی که طبق مفاد بندهای مندرجه در مباحثات وحدت که در راه کارگر شماره ۱ انتشار یافته است اخراج و یا توبیخ می‌کند و حق نظر را از اقلیت درون سازمان سلب می‌کند و تبعیت اقلیت از اکثریت را به معنی پذیرش نظر اکثریت می‌داند.

ما جمعی از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بعد از مطالعه اسناد و مدارک در اختیار گذاشته شده و بحث و جدل در این باب تصمیم به صدور قطعنامه‌ای گرفته‌ایم که در آن عمل اکثریت دفتر سیاسی و کمیته مرکزی را دال بر اخراج و تحمیل انشعاب محکوم می‌کنیم و همچنین حمایت کامل خود را از مبارزه - ایدئولوژیک علنی بی قید و شرط اعلام می‌داریم و خواهان تشکیل کمیته‌ای متشکل از طرفین برای حل اختلافات فی مابین می‌باشیم و همچنین از گنگره‌ای دفاع خواهیم کرد که اقلیت نظری هم در آن حضور داشته باشند.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!

هر چه برافراشته تر باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک

بدون قید و شرط جهت تحکیم وحدت‌های حزبی!

جمعی از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

"واحد هامبورگ"

(۹)

### چرا موضع خود را علنی می‌سازیم

همزمان انقلابی! اعضا\* و هواداران سازمان کارگران انقلابی! نیروهای انقلابی!

ما بعنوان تعدادی از اعضا\* سازمان کارگران انقلابی ایران، در طی یک بحران تشکیلاتی که عمدتاً از آن بی‌خبر بودیم در طی سه ماه گذشته نهایت تلاش را برای مهار بحران بعمل آورده و سعی نموده‌ایم تا مشکلات درونی به شیوه - های حزبی حل و فصل گردد. اما از آنجا که اکثریت کمیته مرکزی با اعمال سیاست‌های فوق سائترالیستی خود موجب بحران می‌باشد به قطعنامه‌ها و درخواست‌های اصولی ما و سایر واحد‌ها دایر بر واگذاری حل بحران به توده سازمانی از طریق یک مجمع سازمانی بتن در نداده است و برای اکثریت اعضا\* این حوزه و سایر حوزه‌ها که سیاست فوق سائترالیستی مرکزیت و بی‌اطلاع‌گذاشتن اعضا\* از مسائل درونی را عامل تعیین کننده این بحران ارزیابی کرده‌اند وقتی نشانه، و علیرغم بذرفتن برگسزای گنگره و فرزادیم سازمانی بر سر مسائل مورد اختلاف، سیاست تصفیه و اخراج معترب ضمیم‌اباشدت بیشتری ادامه داده و در مواردی به اخراج چند دقبقه‌ای رفقا دست‌یازیده است. بناچار شده‌ایم موضع خود را علنی‌سازیم.

شایان ذکر است ما مخالفت علنی و آشکار خود را با سیاست‌های انشعاب طلبانه و انشعاب تحمیلی بارها اعلام و درخواست نموده‌ایم در محیطی دموکراتیک و بدون ازبیش‌دآوری‌ها مبارزه ایدئولوژیک علنی حول مسائل مورد اختلاف انجام‌گرفته‌اما کمیته مرکزی با رد تمامی پیشنهادهای سازنده و در شرایطی که خود بیشترین خطا را در ایجاد بحران جاری مرتکب گردیده، با گذاشتن بیش شرط انتقاد از خود برای معترضین عملاً انشعاب‌ناخواسته‌ای را بر تشکیلات تحمیل می‌نماید. ما طی قطعنامه‌هایی خطاها و اشتباهات اکثریت کمیته مرکزی را یاد آوری نموده‌ایم و حتی بعنوان اتمام حجت موارد نقض اساستنامه توسط کمیته مرکزی را یاد آوری و خواست پیشنهادات خود را برای غلبه بر بحران ارائه داده‌ایم و در پاسخ اعتراض ما به اخراج رفقای این حوزه و سایر واحد‌ها، خود بعضاً شمول حکم تعلیق گردیده‌ایم و اینک یک بار دیگر چکیده درخواست‌های خود را که طی چند قطعنامه‌های یک ناه با اطلاع مرکزیت رسانیده‌ایم مجدداً با عنوان نامه سرگشاده به مرکزیت انتشار می‌دهیم. تا سایر اعضا\*، هواداران، دوستداران تشکیلات و نیروهای انقلابی قضاوت کنند چه کسی سیاست انشعاب طلبانه را اتخاذ نموده و چه کسی خواهان تحمیل انشعاب بر بخشی از نیروهای تشکیلات است.

نامه سرگشاده به رفقای کمیته مرکزی

رفقای عزیز!

ما به شایه بخشی از نیروهای کمونیست صرف نظر از فعالیت سیاسی متشکل و غیرمتشکل در ایران قبل از انقلاب ...

در حالیکه پس از یک دهه تلاش هنوز تشکیلات ما فاقد یک برنامه حزبی است و پیش‌نویس پروانه و اساسنامه مقرر است مورد نقاد و نظیرخواهی قرار گیرد ...

لحظه‌ای بفرود آید! بر اساس چه سبوری نوشته کوتاه چند صفحه‌ای پیرامون موضوع ماد رقیبال جنگ ایران و عراق ...

در روند ماهه اخیر که بحرانی همه‌جانبه تاروپود سازمان ما را به لورزه انداخته، متأسفانه علی‌رغم دادن به بعضی از پیشنهاد های اعضا ...

اگر به وحدت کمونیست های انقلابی اعتقاد دارید و اگر به عنوان کمونیست اعتقاد و انتقاد از خود را برنسیب می‌دانید ...

ما که خود به این سیاست فراموش شاد رقیبال بحران معترض و سخنان کتین اخراج و تعلیق شده ایم، با تأیید مجدد د استادی که قبلاً ارائه داده ایم ...

بحران کنونی سازمان ما ناشی از انضباط شکنی این رفیق یاران و رفیق خاص نیست، بلکه محصول یک دهه اعمال فراروای فوق سانسور ایستی ارجانبست ...

۲- اخراج رفیق باباعلی و سایر رفقا و زجمله اخراج و تعلیق جمعی از رکنندگان این بیانیه را شدید محکوم و از شما بعنوان اکثریت کمیته مرکزی می‌خواهیم ...

اکثریت و اقلیت کمیته مرکزی یافته، کمیته مرکزی همه‌دعی و هم‌قاضی است و از جانب معترضین در مظان اتهام قرار دارد ...

۴- از آنجا که بحران کنونی نه محصول رشد تضاد های ایدئولوژیکی، بلکه اساساً ناشی از شیوه غلط رهبری و مدیریت شماست و خصمیت تشکیلاتی دارد ...

۵- از شما بعنوان اکثریت کمیته مرکزی و دفتر سیاسی بطور خاص و همه رفقای تشکیلاتی بطور اعمد عوت می‌نمائیم به نسیب های کمونیستی و انقلابی وفادار مانده ...

با درود های رفیقانه قریب نیمی از اعضا واحد فرانکفورت ۸۹/۳/۲

(۱۰)

رفقای عزیز، نیروهای انقلابی

سازمان ما که از بد و بدایش خویش تا کنون گامهای بس بزرگ را در تدوین تئوری انقلابی برداشته متأسفانه نتوانسته تئوریهای مدین خویش را که محصول یک دهه مبارزه بیگرمطبه جمهوری اسلامی، سرمایه داری و امپریالیسم است ...

سازمانی که نتواند د مکرسی را در داخل تشکیلات خویش عملی نماید، چگونه خواهد توانست آزادی بی قید و شرط سیاسی را برای توده های میلیونی به ارمغان آورد.

رفقای عزیز، نیروهای انقلابی:

ما جمعی از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) حوزه فرانکفورت به این دلیل مؤسسان راهنی می‌کنیم که تئوته زیر را برای رفع بحران کنونی تشکیلات به‌سازمان زمان ارائه نمود ولی متأسفانه به علت حکومیت فوق سانسور ایسم د تشکیلات، به‌نانه ما با سخ ...

همه اینک سازمان ما در یک دوران بحرانی بسر می‌بود که ریشه اصلی این بحران را می‌بایست در سیستم ناظر بر زندگی حزبی ما جستجو کرد. سیستمی که بجای پاسخگویی سالم و د مکرراتیک به یکمشرته نیازهای حیاتی تشکیلات، متأسفانه سیاست تصفیه را در پیش گرفته است، د شرابطی که دشمنان رنگارنگ لنینیسم و حزبیت، مدافعین اصول لنینی ناظر بر زندگی حزبی را مورد تهاجم قرار می‌دهند ...

بازراملی چنین تفسیری، هم‌زمان منتقد خود را با تهدید، تعلیق و اخراج پاسخ می‌دهد و این چنین است که بحران گسترش می‌یابد. د پاسخ به ما افسرد معینی از اخراجی‌ها را سبب این بحران معرفی می‌کنند، مسوال ما این است: آیا واقعاً این افراد موجد بحران درین سازمان ما بوده‌اند؟! یا بحران د درون

سازمان مایه‌دهنده ای است که از سیمستی معین تفضیه می‌کند ؟

پاسخ به این سوال مست‌گیری مایه حل یا مزین شدن بحران روشن می‌سازد . در پایان ما با روحیه‌ای انتقادی نسبت به امر سانسور، تهدید ، تعلیق و اخراج که از جانب رفقای کمیته مرکزی سازمان صورت گرفته است خواهان تحقق راه حل‌های زیر در جهت پاسخگویی سالم به حل بحران موجود می‌باشیم زیرا که اعتقاد ما بر این است که بدون تامین اراده فعال همه نیروهای تشکیلات در جستجوی راه حل بحران ، فضای مناسبات سازمانی آلوده تر خواهد شد .

- ۱- کلبه رفقای اخراجی بدین قید و شرط به درون سازمان بازگشته در جایگاه سابق خود ابقا گردد .
- ۲- با توجه به مسئولیت مستقیم کمیته مرکزی و دفتر سیاسی سازمان در امر تصفیه ها ما خواهان متوقف شدن هر چه زودتر تصفیه و اخراج دیگر رفقای معترض و در رابطه با اختلافات اخیر می‌باشیم .
- ۳- نظر به اینکه سازمان ما فاقد نهادهایی چون دادگاه حزبی می‌باشد حل کلیه اختلافات اخیر به کنفرانس سراسری حزبی مرکب از نمایندگان اعضا رجوع داده شود . زیرا تنها چنین ارگانی می‌تواند داور نهایی باشد نه کمیته مرکزی و دفتر سیاسی به عنوان قاضی و مدعی !
- ۴- برای ایجاد فضای دمکراتیک جهت تصمیم‌گیری آگاهانه و همه جانبه اعضا و هواداران در حل مسائل مورد اختلاف مبارزه ایدئولوژیک درونی بدین سانسور مقداتی سازماندهی شود .

بادرودهای رفیقانه  
 جمعی از هواداران سازمان کارگران انقلابی  
 حوزه فرانکفورت  
 ۸۹، ۳، ۱۷

سویالیستی با ترکیب طبقاتی پرولتاریا وینیه پرولتاریا \* و تفسیر جانبدارانه از حقوق اقلیت برای حق فوق مرکزیت خود مخالفیم \*  
 ب- ما خواهان پس گرفتن احکام ضد حزبی دفتر سیاسی جیش بر اخراج رفقا با باطنی ، نظام و سایر رفقا و تهدید و توجیه دیگر رفقا از جانب رفقای دفتر سیاسی هستیم و برای ابقای مسئولیت‌های آنها تلاش میکنیم \*  
 د- ما خواستار برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی در خارج از کشور می‌باشیم و چون دفتر سیاسی در مقابل این خواست سلم به حربه حذف اقلیت متوسل شده است لذا باید جدا از اراده آن برای برگزاری چنین کنفرانسی تلاش نماییم \* ما به سهم خود از هیچ کس به رفقای اخراجی و معترضین دین نخواهیم کرد \*  
 ه- ما مدافع مبارزه ایدئولوژیک غلبی بی قید و شرط به عنوان اصل لینی تشکیلات کمونیستی هستیم \*  
 پرواضح است که هر مادی می‌تواند تیره داشته باشد ، و این اصل به عنوان ماده اساسنامه‌ای می‌تواند تیره‌های این باشد که موضوع مشخص بحث در شرایط معین را مرکزیت ( که منتخب کنگره است ) تعیین میکند \*

پیش‌پس سوی پرگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی  
 سرنگین یاد جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق  
 زندگانه بساد آزادی - زندگانه بساد سویالیسم  
 هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - هلند  
 ۱۹۸۹/۲/۱۶  
 ۷ اسفند ۱۳۶۷

این اطلاعیه به اتفاق آراء رفقای هوادار در شکل به تصویب رسید است \*

رویت به :

- ۱- رفقا با باطنی و نظام
- ۲- رفقای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی
- ۳- راه کارگر (ارگان سیاسی سازمان)
- ۴- رنگی کیکار (ارگان کمیته کردستان)
- ۵- کاری راه (ارگان کمیته بلوچستان)
- ۶- پیام کارگر (ارگان کمیته خارج کشور)
- ۷- کار (ارگان سنجفا اقلیت)
- ۸- جهان کمونیست (ارگان کمیته خارج سنجفا اقلیت)
- ۹- کار (ارگان کمیته مرکزی سنجفا)
- ۱۰- سویالیسم (ارگان همه اقلیت)
- ۱۱- کار (ارگان سازمان آزادی کار)
- ۱۲- جریکهای فدایی خلق (پیام فدایی)
- ۱۳- رهای (ارگان وحدت کمونیستی)
- ۱۴- کردستان (ارگان حزب دمکرات کردستان رهبری انقلابی)
- ۱۵- ترکمنستان (ارگان کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن)
- ۱۶- بلوچستان (ارگان جنبش خلق بلوچ)

(۱۱) اطلاعیه شماره ۱

اقدامات انشعاب طلبانه دفتر سیاسی را محکم می‌کنیم !  
 با درودهای کمونیستی به کادر راه اعضا و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) رفقا !  
 دترسیاسی و به تبع آن کمیته مرکزی سازمان در آستانه اولین مبارزه ایدئولوژیک غلبی برای دستیابی به برهه اساسنامه واحد نشان دادند که برای حفظ حق ویز و اقتدار خود حاضرند سازمان را شسته شسته کرده و انشعاب راسازمان دهند . ولی به اقلیت سازمانی حق بیان کامل نظرات خود را ندهند \*  
 رهبری سازمان در طول نزدیک به ۵ سال که از تصویب سند پایه‌ای جمعیتی مباحثات وحدت \* می‌گذرد نه تنها درمؤد اصل حاکم بر تشکیلات کمونیستی جیش بر این حق اصولی اقلیت سازمانی : اقلیت حق دارد از طریق ارگانهای طبوعاتی تشکیلات ترویج نظرات خود را سازمان دهد ، این شیوه اصولی سازمان دادن مبارزه نظری اقلیت با اکثریت می‌باشد تجدید نظر کرده و هرگونه حق اقلیت را در مخالفت آشکار بسا عمیبات اکثریت زیر پا نهاده بلکه در حال حاضر که این حق اصولی به اقلیت داده میشود ، می‌خواهد اقلیت با زبان برده سخن بگوید و به بهانه پاسداری از "چورقیانه" و حفظ به اصطلاح حیثیت سازمان در بیرون خواهان سانسور مقداتی بر نظرات رفقای اقلیت می‌باشند \*  
 رفقای دترسیاسی در مقابل اقلیت سازمانی که بر اساس لینی مبارزه ایدئولوژیک غلبی یعنی جنگ نظری به زیر آفتاب و در انتظار توده‌ها تأکید دارند ، به حربه‌های تجربه شده و به نایت عقب مانده یعنی اخراج ، تهدید ، تهمیت ، افترا ، تروشمیها ، توجیه ، تعلیق و غیره متوسل شده‌اند \*  
 تا آنجا که ما اطلاع داریم تا به حال رفقا با باطنی و نظام و چندین رفیق دیگر در هانز و فرانکفورت و پاریس اخراج شده و خستی از کادرها و اعضای سازمان توجیه و تهدید شده‌اند \* حق تبلیغ مواضع سازمان را از ما هواداران با عدم ارسال نشریات گرفتارند \* این اعمال ضد حزبی با برجسبها و اتهامات ناجوانمردانه ای نیز همراه بوده است به عنوان مثال اپورتونینم تشکیلاتی حاکم در رهبری سازمان ما نیز مثل همسره احزاب و سازمانهایی که نمی‌خواهند به اراده اعضا کردن تهنند و برجسبهای سیاسی ساخته ، خائن و فرست طلب کمونیستی ، اعمال بیروزی ، رفیق نیمه راه و زنده و غیره به نیروهای انقلابی درض میزنند ، به رستا : انشعاب طلب ، انضباط شکن ، اقدام ضد اخیش ، فرست طلب ، اطیضیرت ریشترک ، ترسو و لیبرال و ... نسبت دادماند و می‌خواهند زیرکانه چنان وانمود کنند که اینها همان راه فدائی‌ها هستند و جوی بر حسب بیگانه یا سازمان را برای رفقا چسباندند ، تا راحت انشعاب راسازمان داده و بویکینه و عداوت بین رفقا ایجاد کرده و تیات ضد حزبی ، وحدت شکنه و فرا کمونیستی خود دست یابند \*  
 ما ضمن محکم کردن این شیوه‌های تاریفیکانه و شکست خورده دفتر سیاسی دفاع قاطع از رفقای اخراجی و مود انجام ، رفیقانه به رفقای رهبری توجیه می‌کنیم به جای استفاده از حربه‌های تهمیت ، افترا و تروشمیست رفقا به برجسبهای کمونیستی و استاد با باطنی خودمان قادر باشند و به این جویی اعتدالی و فترقه پایان دهند \*  
 ما برآنیم که این سطح اختلافات وحدت حزبی را نقض کنند و رفقای رهبری بی خود تلاش دارند مسئله را به بیست و انشعاب بکشانند . برپا روشن است که رفقا به دترسیاسی بر خلاف این سند پایه‌ای سازمان "برخلاف آنچه که در میان رفقای کمونیستی تلقی میشود" مبارزه ایدئولوژیک صرفاً بین گسست ناجوانمردانه اراده واحد تشکیلات کمونیستی و بزرگ انشعاب نیست بلکه شیوه حیات یک تشکیلات کمونیستی است کسسه خود را در قاعه رزمه فعالیت کمونیستی یعنی سانسور اقلیت مشخص میکند ، حیات رفقای کمونیستی خود را دفاع میکند \*  
 رفقا !  
 یادآور می‌شویم که (برخلاف خواست صل رهبری که حق قضاوت دمکراتیک را از اعضا و هواداران سازمان گرفته و میبایست اینکه رفقا با باطنی و نظام اخراجی اند و حق ندارند از ارتباطات تشکیلاتی برای ابران تفسیر خود بسرا مود اختلافات استفاده کنند ) قضاوت خود را بعد از مطالعه اسناد در ظرف نشیدن حضور استدلالتان اتخاذ کردیم \* و آنچه به ما جاری که در بالا توضیح دادیم اعلام میدهیم که :  
 الف- با تجدید نظر طلبی آشکار و پوشیده دترسیاسی در اسناد پایه‌ای سازمان "تبات وحدت" و "جمعیتی مباحثات وحدت" در دوردورد مشخص "جمهوری دمکراتیک خلق بنابه جمهوری شوروی

(۱۲)

فشرده‌ای از نامه مفصل رفیق مسئول مستقر ره‌لند

رفقای عزیز کمیته مرکزی و رفیق با باطنی  
 نامه‌های شمارا خواندم و نظرخود را اجمالاً و به اختصار توضیح میدهم : قبل از برداختن به موضوع لازم میدانم با توجه به حساس بودن مسئله و کمی وقت ، تأسّف خود را از عدم شناخت قبلی رفقا و موضوعاتی که به آن استناد شده ولی من ندیده‌ام ابراز دارم . شاید با بودن آنها مثلاً نوشته شما "رفیق با باطنی" ( چگونه سهم خود را در ایجاد حزب طبقه کارگر از اعضا می‌گیریم ) و یا شناخت دقیق تر از مواضع و طرف میشد نظر قطع می‌داد . اساساً اختلاف نظری بر سر یک جز "از زندگی حزبی لینی نمی‌تواند پایه انشعاب و انشقاق باشد . گیرم مثلاً من با نظرات یکی از طرف کاملاً موافق باشم ، آیا میتوانم بر سر این مسئله که مبارزه ایدئولوژیک غلبی باید بی قید و شرط آزاد باشد و یا اینکه نه باید زیر نظر مرکزیت سازمان داده شود و جورقیانه بر آن حاکم باشد و ائسر نامطلب برونی و د رونی نداشته باشد انشعاب کرد ؟ بهترین طعمانه .  
 ۱- نظرم راجع به گزارش به اعضا که از طرف دفتر سیاسی کمیته مرکزی مسوخ ۲۴ دی ماه ۶۷ صادر شد ،  
 الف: در باره عدم انتشار کتاب "دوران بنظرم سازمان و هیئت تحریریه" قرار سازمانی را نقض کرد و دلایل عدم انتشار از نظرم مردود است بخصوصاً اینکه "اولاً جلد دوم آن نوشته شود و مابعد انیم باجه مطلبی روبرو هستیم" چون در رسالای همین صفحه آمده است . . . . . و قرار شد در صورت عدم موافقت با مضمون نوشته‌ها آنها را همراه یک یادداشت منتشر کنیم" . پس دلیل اینکه "تعد انیم جلد دومش چه باشد" خود بخود دلیل بی خودی است .  
 ب: واقعیت امر این است که طبق توضیح دفتر سیاسی ، رفیق با باطنی رفیق فعال ، منضبط با روابط سالم و خلاق بوده ، متقبل از این اختلاف نظری ضمن حفظ نظراتش کوتاه آمده و به اراده جمع گردن نهاده است . نظر به اینکه در تار و پود سازمان این اولین بار است که به برکت تکامل و ارتقا سازمان بعنوان یکسانی از جدی ترین و پایه حزب انقلابی طبقه کارگر که شاید بتوان گفت در صورت پشیمهاد دقیق ، اصولی و همه جانبه بحث های برنامه‌های و اساسنامه‌ای به طور غلبی و در سطح جنبش با تارک در بدن کنگره مؤسس ، اولین کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران میشد . رفیق با باطنی نیز . . . . . حق دارد مثل هورفیق دیگر در این ميسسارزه جلد بی خطی که برای اولین بار به این شکل اتفاق می‌افتد و از حساسیت ویژه برخوردار است خارج از سانسور ( به هر قیمتی ) نظراتش را بنویسد ، که دترسیاسی هم ظاهراً این حق را میباید ببرد ، ولی در اصل تحت عنوان اینکه ، لحنش رفیقانه نیست ، بسرای درج برونی مضراست و غیره میخواهد آنچه بنظرخودش خوب است انتشار یابد . اصولاً ابران نظری طلبی به رفیقانه بودن و قضاوت غیره ندارد . . . . .  
 ج - آنچه که تمام این بحثها و مسئله را برای سازمان خصوصاً در این شرایط حساس چه در زندگی حزبی خودمان و چه در مبارزه طبقه شرایط پهلوی ایسران

اجداد کرده برخوردار کلاً انشعاب خواهانه و شیوه تخطئه به شکلی که میشد در فضای تفاهم و رفیقانه حل شود راه بن بست رساند، و این برخورد "قصاص قبل از جنایت" را مرتکب شده است. آیا اگر نظرشعاع درباره آزادی بی قید و شرط مبارزه منطقی در تصمیم گیری نهائی کل سازمان در باره اساسنامه جدید از طرف اکثریت اعضا سازمان رد شود حاضر خواهید شد به نظر اکثریت تن بدید ؟ بعبارت دیگر نظر مقابل را در چهارچوب وحدت‌های حزبی میدانید ؟ این یعنی چماق یعنی راندن "مزام" و مانع رفقای د فترسیاسی با این سؤال بنظر من خواسته اند عوام نویسی بکنند و گرنه کدام کونیستی است که نداند وحدت حزبی حول یک برنامه و اساسنامه صورت میگیرد .

۲- نظرم راجع به نامه رفیق باباعلی به جلسه کمیته مرکزی مورخ ۲۸ آذر ۶۷ الف: من در مجموع دفاعیه رفیق عزیز را در مورد این بحث مشخص، استدلالات اصولی و کونیستی، صراحت دادن به اینکه اساساً و کفایتی السابق به تبعیت اقلیت از اکثریت به عنوان ضوابط یکتشیلات کونیستی معتقد است و وحدت حول یک برنامه واحد و اساسنامه واحد معنی پیدا میکند و الا ن هم در آستانه اولین بحث علمی برای چیزی که وحدت را تضمین میکند هستم و خلاصه خلع سلاح کردن رفقای عزیز د فترسیاسی . . . .

ب: اولاً این موضع بنده بدین معنا نیست که اساساً مبارزه ایدئولوژیک علمی بی قید و شرط را قبول دارم. برای اینکه هنوز مظالمه د قبلی در این رابطه ندارم و اظهار نظر از روی بی اطلاعی بیهوده است. ولی فقط از این زاویه که د فترسیاسی و کمیته مرکزی که انتخابی نیست و تا زمانی که ما برنامه و اساسنامه دست بیایم حق نداریم نظر رقبا را سانسور کنیم. ثانیاً نظریه رفیق (باباعلی) را راجع به "استالینیسم" اصلاً قبول ندارم. من رفیق استالین را یار و همزموناد ار لنین میدانم و در مقابل ایزدیسون حزبی (تروتسکی، بوخارین و . . .) نظرات او را لنینی ندانم و "استالینیسم" اصلاً در مقابل بالنینیسم موضوعیت ندارد. البته با اندرافات و جناباتی که داشته و انجام داده مریزندی دارم. . . .

۳- نظرم راجع به جوابیه کمیته مرکزی مورخ ۱۰ دی ۶۷ الف: این نامه در مجموع بجز چند مورد ادامه همان سیاست تعیین تکلیف و در نتیجه تدایم همان موضعی است که برای حفظ سروری خود میخواهد انشعاب راه سازمان تحمیل کند و مبارزه ایدئولوژیک علمی را تدارک انشعاب میداند. ب: تأسف رفقای عزیز کمیته مرکزی از عدم شرکت رفیق باباعلی در دست است و این انتقاد به رفیق باباعلی وارد است که چرا در جلسه شرکت نکرده است و بموقع عکس العمل در مورد پلندوم نشان نداده .

ج: بحث تبعیت از د پسیپلین معقول توسط مرکزیت و بیانیه وحدت در این رابطه و اختلاف تفرشی در این زمینه هابنظر میسرود صرفاً برای ایجاد تقابل و بسه بن بست کشیدن بحث عنوان میشود. سیاست همان سیاست د فترسیاسی است که برای اینکه بحث ایدئولوژیک علمی "فرمایشی" شود و باید قبل از آن نافرمانان را بسه هرترتیبی شده کنارزند . . . .

۴- نظرم در مورد نامه رفیق باباعلی به کمیته مرکزی مورخ ۱۳ دی ۶۷ این جوابیه را کاملاً قبول دارم و به برخورد اصولی و کونیستی رفیق باباعلی احترام ویژه قائلم. از خود گذشتگی و بیاز جمع گرایی و نرمش اصولی و کونیستی وی را ضمن حفظ نظراتش میستایم . . . .

۵- نظرم راجع به نامه کمیته مرکزی مورخ ۲۵ دی ۶۷ رفقای هیئت سیاسی و مدافع دلسوز آن کمیته مرکزی تصمیم خود را گرفته اند. بنظر میسرود همه جلسات کمیته مرکزی فقط فرمالیته هستند و آنهم برای تکرار همان حرفهای بی پایه و غیر اصولی (د فترسیاسی) ولی اینبار نه فقط چماق د فترسیاسی است بلکه به اسم اکثریت کمیته مرکزی. واقعاً که رفقای خوبی برای هند یگر هستیید و فضای رفیقانه کونیستی را پاس میدارید. صد در صد وقتی اساس رفیق بازاری و مشکل گرایی شما با یاد، اخلاق هم خیلی مهم است، همچنین "سیاست" شماها . . . سانترالیسم د مکرانیک که در اینجا فقط بدین در نظر گرفتن د مکرانسی حزبی میخواهند مرکزیت را پاسداری کنند و هرکس سرنا سازگاری با آن داشت هم از آن محفل رفیقانه شان اخراج کنند. به این ترتیب رفقا در مقابل این اصل اساسی ساختمان حزب پرولتری، سانترالیسم بوروکراتیک را پاسداری میکنند.

شایان توجه است که رفیق باباعلی با وجود اینکه با این معیارهای رفقا مخالف است و فقط برای جلوگیری از انشعاب و احساس مسئولیت ژرف در مقابل وحدت سازمان و جنبش کونیستی ایران هرد و مورد رأید برفته است که د زمانه های پیش و تجربه فعالیت سازمانی اش منعکس هست.

۱- رفیق در هیچ جا این پرنسیپ کونیستی، یعنی تبعیت اقلیت از اکثریت را نقض نکرده و به صراحت بیان داشته است که "اقلیت باید از اکثریت تبعیت کند. اما د صورتی که همگان (یعنی هم اقلیت و هم اکثریت) برومئای یک برنامه واحد و یک اساسنامه توافق کرده باشند." (از نامه رفیق باباعلی ۲۸ آذر ماه صفحه ۲)

۲- رفیق باباعلی مورد دوم را هم به صراحت پذیرفته یعنی "تبعیت از انضباط معمول" (۲) تفاوت کمیته مرکزی سازمان مادرتا شد با اصطلاح تفصیر "اکثریت رفقای د فترسیاسی: از جمع بندی مباحثات وحدت" پرآمون مباحثات علمی تا تصویب اساسنامه جدید سازمان مورد احترام من میباشد.

خلاصه برای من جای هیچ شکلی نیست که چه رفقای د فترسیاسی و چه رفقای کمیته مرکزی قصدی جز حفظ سروری و حکمرانی نایق خود ندارند و برخوردار هایشان در رفیق باباعلی را کاملاً مردود و غیر کونیستی میدانم. چنانکه قبلاً نیز نوشته ام در این مشاجره فقط همین بحث، نظرات رفیق باباعلی را کاملاً قبول دارم و در پایان از رفقای د فترسیاسی و کمیته مرکزی خواهش دارم به خواست برحق و اصولی رفیق باباعلی که خواستی کونیستی است گردن نهند و با شهامت کونیستی که در ایران بویژه راه کارگر بها همیشه داشته اند از خود انتقاد کرده و به ندای وحدت طلبان سه

( ۱۳ )

اطلاعه

نیروهای انقلابی و کونیست:

هانگونه که مطلع هستید، بدین است که بحران درون تشکیلاتی فعالیت و ادعای کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مختل و به سبب خود ضریبات بر پیگر جنبش کونیستی وارد نموده است. ما اعضای سازمان کارگران انقلابی ایران - واحد هایدلبرگ که تا مدتی پیش از عبق و دادنه بحران فوق بی اطلاع بودیم، نهایت سس خود را به شیوه های حزبی از جمله ارائه قطعنامه ها و راه حل های مشخص جهت حل بحران فوق پمحل آوردیم. ولی از آنجا که رهبری سازمان کوجکترین توجهی به خواسته ها و راه حل های پیشنهادی ما و سایر واحدهای سازمان ننموده و هم چنان با ادامه سیاستهای فوق سانترالیستی اقدام به اخراجهای بی دریغی اعضای محضی سازمان بنماید، وظیفه انقلابی و حق د مکرانیک خود دانسته که نامه اعتراضی خود را به کمیته مرکزی سازمان علمی ننمایم.

به کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) رفقای عزیز: امروز از یکسو ادامه بحران درون تشکیلات و گسترش بیاسیه آن و از سوی دیگر شیوه برخورد غیر د مکرانیک و دیکتاتورمانه مرکزیت سازمان نسبت به بحران فوق سازمان مسا را در معرض تلاشی قرار داده است.

از آنجا که لحظه ای درنگ و سکوت در مقابل اینگونه اعمال بوروکراتیک (اخراج غیر اصولی رفقای سازمان) لطمات جبران ناپذیری بر سازمان و همینطور جنبش کونیستی وارد نمیناید، مسا کلیه اعضای واحد هایدلبرگ وظیفه انقلابی و کونیستی خود میدانیم که کل سازمان و کمیته مرکزی را از عواقب ناخوشایند و جبران ناپذیر این اعمال غیر د مکرانیک آگاه نموده و در جهت خنثی نمودن اعمال فوق سانترالیستی و استالینی رهبری سازمان، از هیچ گونه تلاش انقلابی غافل نگردیم. لذا واحد هایدلبرگ اقدام به صدور قطعنامه زیر نموده و تشباً شرط بقا و هوایی سازمان را ضوطه به اجاری بی درنگ بنده های آن میداند.

۱- سرگرداندن بدین قید و شرط و توری کلیه اعضای اخراجی و تحلیقی با حفظ مسئولیتهای سابقشان به سازمان. ۲- تدارک مبارزه ایدئولوژیک علمی بدون قید و شرط حول بحران مذکور و دیگر مسائل مورد اختلاف.

۳- برگزاری سریع یک کنفرانس عمومی خارج از کشور جهت بررسی و جمع بندی مباحثات فوق و تعیین کمیته مرکزی موقت.

۴- تدارک اولین کنفرانس سراسری سازمان در پاپان ما کلیه اعضای واحد هایدلبرگ متذکر میوشیم، چنانچه به تک تک خواسته های فوق تا تاریخ ۸۹/۲/۱۰ پاسخ مثبت داده نگردد، وظیفه کونیستی و حق د مکرانیک خود میدانیم بدون هیچ گونه توجهی به تصمیمات کمیته مرکزی اقدام بطنی نمودن قطعنامه فوق و انشعابی بلادرتنگ تفکرات استالینی حاکم بر رهبری سازمان ننمایم.

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم "سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - واحد هایدلبرگ" ۸۹/۲/۱۷

( ۱۴ )

اطلاعه

کادرها، اعضا، و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پس از گذشت ده سال از حیات سازمان ما و پس از چهاردهم سال از انتشار اسناد پاپایی "بیانیه وحدت" و در نتیجه مبارزات درون سازمانی، هر چند عقبر از سازمانهایی که تا کنون مبارزه ایدئولوژیک علمی را برپا داشته اند، سازمان ما میرفت تا اولین مبارزه ایدئولوژیک علمی را در سطح جنبش طلسمی گرداند.

اما د فترسیاسی سازمان با حقیق بافق ویژه طیرم پذیرش دکنتر اصول حاکم بر "بیانیه و جمع بندی وحدت" سرانجام نشان داد آنجا که پای گردار" در میان باشد ظرفیت پذیرش آن را ندارد. این مبارزه درونی از آنجا آغاز گشت که رفیق باباعلی عضو مرکزیت نظاری را در انبیاات لنینی بودن "آزادی بی قید و شرط مبارزه ایدئولوژیک علمی" برای انتشار بیرونی به د فترسیاسی ارائه داد. طی هشت صفحه توانسته بود در یک جوخفان آلود تشکیلاتی ملگرد رهبری را به نقد بکشد. از آنجا که رهبری سازمان قصد داشت در این برهه از حیات سازمان و در یک "مرجع صلاحیتدار" با رفقا تصویب اساسنامه سازمان را به تصویب رساند بدین منظور نقطه عطفی از حیات مبارزات درونی سازمان مسا محسوب میشد.

بدنبال یک جدل نظری، با وجود خدمات شایسته رفیق باباعلی حول بخش وسیعی از دستاورد های نظری سازمان، د فترسیاسی و به تیج آن کمیته غیر منتخب مرکزی، رفیق باباعلی و رفیق طوم از مسئولین شمشه "براهیمت داخل" را در یک اقدام غیر مترقیه و سرکوبگرانه اخراج نمودند. اخراج رفقا باباعلی و طوم مع وسیعی از امتزافات واحدها و پیگرهای سازمان را در خارج از کشور برانگیخت. اما رهبری سازمان بجای اقدامات "وحدت طلبانه" و حفظ انسجام سازمان شمشیر اخراج، تویین "تهدید و تحلیق را علیه معترضین، سوالیه وار از نیم بیرون کشید" و از آنجا که بخش وسیعی از واحدهای سازمان در خارج از کشور، بطور ملموس و از نزدیک شاهد

موفق و پیروز باشید  
۱۵ بهمن ماه ۶۷  
۲ فوریه ۸۹



اقدامات "قره چکانی" در کماز شدن سازمان بودماند بعد از دریافت گزارشات مقامات و تصمیمات متخذه از طرف دفتر سیاسی و مرکز در مقابل اقدام فراکمیونیستی و انتحاب طایفه آن در چار هیچ شیهای ننگه و تا کون ناکتیت واحد پارس، هاتور فرنیی از رفتای فرانکورت، کلبه هواداران هلند و ۰۰۰۰۰ با صدور قطعنامه‌های جداگانه اقدام فراکمیونیستی مرکز را محکوم کرده‌اند و آن بخش از رفتای که تا کون سکوت کرده‌اند به دفاع از سبک کار غیر لنینی سازمان به دفاع بر نخواستند. اما متأسفانه در چنین لحظاتی که تکلیف فریضی دفتر سیاسی برای اکثریت واحدهای داخل و آن دسته از اعضای پراکنده‌ای که مورد الطاف "صلحت‌اندیشانه" مرکز در مظان اخراج و تعلیق قرار داشت‌اند تا حد و دی فالگر کننده بوده است. این فالگری به پدان جهت که رفتای تحلیلی ذماری نسبت به سیاست‌های فوق سانتراالیستی مرکز تردید داشته باشند (چرا که این رفتا بخش خود قربانی چنین رژیم تشکیلاتی بودماند) بلکه پدان جهت که بر سر اهداف و اشکال مبارزاتی ما این رفتا آگاه‌هستی کامل نداشته‌اند. با توجه به چنین اوضاعی و با تاسی از سیاست‌لینی "شوارت مستطاض" هم‌راها بر روی اسناد مورد شایعه اقدام به تاسی و جانیه نمودم.

آنچه را که در اسناد منتشره و مذاکرات شفاهی با یکی از رفتای دفتر سیاسی تأیید گردید، چسز خود بزرگ بینی حقیرانه فرهای و دفاع از رژیم تشکیلاتی فوق سانتراالیستی و بیگ کلام ضلع دفاع از چکانی و سرکوب نبوده است.

دفتر سیاسی با اطلاع ما سنور و مقامات نشان داد که به بازیه ایدئولوژیکی علاقتند است که در چهارچوبی بحث‌های "آکا دهی" و "لا هوئی" جاری باشد، یا بقولی "ضای طعی"؟ داشته باشد. اما بازیه ایدئولوژیکی طعی که تا غیرت‌ت بیرونی و درونی نداشته باشد، چنگ و دوام‌جویی دلدادگان است و اینکه طعی بودن آن را چه تهاد و مرجعی می‌تواند صلاحیت‌ارزایی بیکره های سازمانی بطور اخص و جنبش‌بطور اعم تعیین نماید.

اخر چگونه می‌توان در یک حزب حقیقی لنینی کارها و اضا و هواداران آنرا آنچنان سلویالاراه پنداشت که در مقابل انتقاد "غیر اخلاقی" "ناسمج" و "هفت‌مغهای" یکی از اعضای مرکزیت سرپس شوری، بزند و در اخراج یک عضو "انطباط شکن" و "فراکمیونیست" و "راست" از خود تردید نشان دهند.

این ساده لوحی و یا بطریق اولی عوام فریبی مض خواهد بود که "آزادی بی قید و شرط مبارزه ایدئولوژیکی طعی" چیزی را به آنچنان تقاسمی تبدیل ساخت که "هر کس و هر وقت هر چه می‌خواهد بگوید" و یا آنگونه که یکی از رفتای دفتر سیاسی ابراز داشته بود "آیا تواجازه میدهی که یک خط‌سای در سازمان ما حق اظهار نظر پیدا کند" و یا "در مقطع تلام (۶۰ - ۵۹) اجازه میدادی راست‌های درون‌سازمان با استفاده از اهریهای تشکیلاتی نظراتشان را اعلام نمایند".

و با آن خط‌سای که بخواهد اهداف سیاسی خود را در سازمان ما ببیند بدون شک با یبسد بسیار نا آگاه باشد که مرتب چنین خطی کرد و اگر در مقطع "تلام" به ضوی حتی هم راست شده باشد حق میدادیم نظراتش را انتشار دهد، در حقیقت خود روند شریمانش را تسخیر و تسخیر می‌ساخت و در این میان

اعضای سازمان صبرت بری، تسویه‌ش در کارشان بودند. ثانیاً رفتا شما با از درک ابتدائی ظاهیم و جملات و در مورد شخص‌های اصلی مقاله" مورد بحث درمانداید یا آشکارا عوام فریبی میکند.

مرکزیت سازمان (بخوان دفتر سیاسی) بطور واضح نشان داده است که انتقادات تا کنونی‌اش چه در سطح درون و چه بیرون مائوری پیش‌نموده و تنها به منظور خاموشی شعله فروزانی که لینی شدن سازمان و دست‌یابی به سبک‌کار لینی را هدف قرار داده بود، صورت پذیرفته است. در حقیقت دفتر سیاسی انتقاد را برای انتقاد می‌خواست. آنجا که توجه تحول، دکرونی و خانه تگنی جدی از سبک‌کار کهنه باشد، "تاریفات" "غیر اخلاقی" شتی میکرد. در آن صورت توسل به حربه چنان و سرکوب و تهدید و تطمیع‌گانه علاج نائق آمدن بر این بهاری است.

جالب اینجاست که دفتر سیاسی و رهبری سازمان با سو استفاده از اعتماد بدنه تشکیلات با توجه فقدان مالی تدارکاتی زیر بار مسئولیت برگزاری کنگره همواره شانه خالی میکرد است. اینبار با وجود تداوم وحدت‌بایی همان مشکلات (مالی، تدارکاتی) و عده برگزاری کنگره طی یکسال آتی را میدهد.

کنگره‌ای که با اخراج و تعلیق ضویوت بخش‌هایی از کادرها و اضا برگزاری کرد، تنها برای "تزیین و تین تبلیغاتی" مناسب است. چگونه میتوان باور داشت طرح سؤال "آیا شما حاضرید در صورتیکه نظر شما در اقلیت قرار گیرد در سازمان ما بماند؟" که طبیعتاً بر مانی اسامتهای استوار است "بی‌وجود آورنده نیست" میان شما (دفتر سیاسی) و رفیق‌بایاطی گردد.

چگونه میتوان باور داشت تروپوشی "انطباط‌شکنی" که در حقیقت چیزی جز اقتدار ما فوق ویژه دفتر سیاسی استنبه‌ان شد و اقدامات فراکمیونی و انتحاب‌گانه را توجیه ساخت.

نه رفتا اکنون دیگر مقاومت در مقابل سیل خروشان کادرها و اعضای سازمان در محکومیت اخراج رفتا بایاطی و ظلمه که این (حکومت) در واقع بی‌انگرم دم تکین بخش‌هایی از پیگرهای سازمان نسبت به تداوم سبک کار غیر لینی و انتحاب طلبانه رهبری است، بی فایده است.

شرطی که برای بازگشت رفتای اخراجی به پست‌های مسئولیت‌شان ارائه دادماند یک انتقاد از خود لینی و معمول چیزی نیست. این همان دست برداشتن "استالینی" از نظرات رفقا است. بنابراین اگر سر انتقادی هم در کار باشد که هست، آنهم متوجه دفتر سیاسی است.

کادرها و اضا سازمان؛ مقاومت یک جانبه رهبری به دم تکین در مقابل خواسته‌های وحدت طلبانه پیگرهای سازمان هیچ شیهای را باقی نگذاشته است. باید با تمام توان و زیر راسخ در این لحظات فوق‌العاده حساس، بی‌اساس مسئولیت‌پیش‌از‌پیش‌جدا از اراده رهبری، مبادرت به برگزاری کنفرانس تشکیلاتی نمود از مسان را در یابید.

پیش‌بوسی کنفرانس سراسری تشکیلاتی  
زند یاد آزادی - زند یاد سوسیالیسم  
یکی از مسئولین سابق کمیته ناحیه‌ای تبران "جهان" ۱۸/۳/۸۹



## فراخوان

رفقا! اعضا، هواداران و دوستداران سازمان و نیروهای انقلابی جنبش کمپنی! سازمان ما با بحرانی فراگرفته که جوهر آن تعارض بین زندگی محلی - فرتهای و روحیه سربسی است که اکثریت رهبری سازمان در مقام پاسداری از مستحبات و اشکال، ماقبل حزبی تسرار گرفته‌اند. دفتر سیاسی که مسئول اصلی بروز بحران می باشد، با استقرار رژیم حکومت نظامی در تشکیلات بی کفایتی و بی تدبیری خود را در ریاست‌گوشی به بحران نشان داده است. طریقه‌همه تلاش‌های مسئولان ما برای اثبات این امر بدیهی که تصفیه و اخراج‌های دسته جمعی راه حل بحران نمی باشد و می‌بایست این سلاح را کنار نهاد، دفتر سیاسی در کمال بی مسئولیتی و با سوء استفاده از اهری‌مؤیدیت تشکیلاتی خود، در راه اخراج، تحلیق و توییح مخالفین تا آنجا پیش‌رفته است که تاکنون بیش از یک سوم (\*) نیروهای تشکیلاتی را که در جریان مشاجرات و در دایره موضع گیری، حول اختلافات اخیر قرار داشته‌اند، به جرم مخالفت با تصمیمات نابخردانه‌اش سلاخی کرده‌است. بدینسان رژیم حکومت نظامی بدست خود سند بی اعتباری احکام خود را صادر نموده است، چرا که نمی‌توان در مقابل دولت و ملت را متخل کرد و به فرموده دولت، ملت جدیدی تشکیل داد!

بذل این همه خشونت و شتمیل یکی از بدترین اشکال انتحاب، که در جنبش کمپنیستی کشور ما بی سابقه بوده‌است، بدلیل مقابله وسیع نیروهای تشکیلاتی در مقابل حقیق ویژه دفتر سیاسی و با فشاری برابر برگزاری یک کنفرانس سراسری تشکیلاتی بمنظور رسیدگی به دلایل بروز بحران و تدارک در مکرراتیک کنگره تشکیلاتی بوده‌است. این مقاومت گسترده همان موازی‌بسی است که یکسال پیش از این تحت عنوان "جنبش اصلاح سبک کار" در سازمان ما مطرح گردید و امروزه هنگام دفاع از همان موازین در حیات روزمره حزبی ما از جانب دفتر سیاسی به محسوسان "انحلال طلسی و تشکیلات شکنی" معرفی می شود. در حالیکه همه نیروهای تشکیلاتی به وجود فوق سانتراالیسم و فقدان مناسبات کمپنیستی در تشکیلاتان اذعان داشته و بروز بحران حقیق فعلی را ناشی از آن می دانند، اکثریت کمیته مرکزی بجای تضمین حقیق اقلیت و فراخوانی یک کنفرانس سراسری به سیاست قلع و قمع مخالفین روی آورده و ریاکارانه "عده کنگره‌ای" را تشنه بدین حضور معترضین رومی و هد تادیب بنوسله از اقدام یکپارچگی کل اعضای سازمان در مقابل خود کاسگی‌بایی مناعت بحمل آورد.

رفقا! همان‌طور که می‌دانید طبق اسامنامه های حزبی، اعضای یک تشکیلات حسیق درآوردن کنگره انطباط‌زایی و حق انتخاب یک هیئت اجرائی موقت برای تدارک آن را دارند. اکثریت دفتر سیاسی قصد آن دارد که با اخراج گسترده نیروهای معترض، آنها را در برابر برخورداری از ابزارهای تشکیلاتی برای رساندن ایده‌ها و نظرات مخالف خود به همه نیروهای تشکیلاتی بی‌وزیرهای داخل محرم گرداند. چرا که بخوبی می‌داند شیوع نظرات معترضین

در بین نیروهای تشکیلاتی (که در یک دوران فوق‌العاده تنگ و فشرده تصفیه و طبریم تمامی محدود و تشای تدارکاتی و ارتباطی چنین موجی را در بین نیروهای مقیم خارج کشور با بحساد کرده که تا به حال بیش از یک سوم آنها را مشمول سیاست اخراج گردانیده است) به راحتی لاقبل اعضای سازمان را بر بی برگزاری کنگره اضطراری می‌بایست. برگزاری چنین کنگره‌ای می‌توانست اولین قدم اساسی در امر خاتمه دادن به فوق سانتراالیسم حاکم و معمول نمودن رژیم سانتراالیسم دیمکراتیک باشد.

رفقا! اعضا و هواداران سازمان!

اکنون که اکثریت مرکزیت سازمان علناً انتحاب را با تعصیل نموده‌است، جمیع نمایندگان اعضا، اخراجی، تعلیقی و معترض سازمان هیئت اجرائی موقت را تأیید نمود تا در یک نظرسری و علی کنفرانس تشکیلاتی را سازمان دهد.

تا کلیه اعضا، فعالین و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را به شرکت و همکاری فعال در این کنفرانس که در ع ماه آینده برگزار خواهد شد - دعوت می‌کنیم.

سازمان های انقلابی و کمونیست!

انتشامی که توسط اکثریت مرکزیت سازمان ما به یک اقلیت تشکیلاتی نیرومند تحمل شده در نتیجه سیاست‌های غیر دیمکراتیک و فوق سانتراالیستی است که بر سازمان ما حاکم بوده‌است. این امر به یک مسئله درونی، که مسئله کل جنبش است، بدین لحاظ نا اذتمام سازمان‌ها و نیروهای کمونیست و انقلابی می‌خواهیم که ضمن محکوم کردن سیاست‌های سرکوب‌گرانه و غیرمسئولانه اکثریت کمیته مرکزی، از حقیق طبیعی ما برای رساندن نظرات خود به نیروهای مستقر در داخل از تمامی امکانات و ابزارهای تبلیغی و ترویجی سازمان برخوردار باشیم، دفاع کنند!

پیش‌بوسی برگزاری کنفرانس سراسری تشکیلاتی!

سرتگون یاد جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق!

زند میاد آزادی! زند میاد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

هیئت اجرائی موقت برای تدارک کنفرانس

مورد سن ۱۳۶۸

(\*): چنانچه اکثریت کمونیست ایران تردید نماید، ما آمادیم تا با حضور نمایندگان سازمان‌های انقلابی کمونیست ایران با شما مربوط به صحت نسبت تروپوشی را ارائه کنیم.

برلین: جدیدترین موضوع گیری

"آری، عقاب‌ها نیز گاهی پائین تر از مرغ‌های خانگی می‌پرند"

با درود به رفقای کینه مرکزی!

و امروز جنبش کمونیستی میهن ما شاهد پشیمانی و ناامیدی در سطح یک مرغ خانگی است ایما که فوق سائترالیسم حاکم بر سازمان و تغییرهای استالینیستی رهبری از سبک کار حزبی و دمکراسی درون تشکیلاتی میرود که همچون یک آفت خانانوسر حیات آیند ما را تهدید نموده و پرواز همسای بلندی‌ها را به تاریخ سپارد.

رفقای سنا سازمان! بحران‌های امروز سراسر سازمان ما را فرا گرفته است. تنها می‌تواند بر بستر بحران جنبش کمونیستی - جهانی و در حقیقت شکست خط مشی احزاب کمونیست که میثی بر دیند گام‌های استالین از حزب دولت انقلاب جامعه سوسیالیستی و انترناسیونالیسم میباید بررسی کرد. پدیده و پاسخ علمی علمی و انقلابی به آن داده شود.

اما پاسخ رفقای رهبری به بحران موجود چگونه است؟ رفقای کینه مرکزی و دفتر سیاسی از طرفی، اقدام به سرکوب و سانسور نظری و تصفیه و اخراج مخالفین نموده و از جانبی دیگر خود پرچم انتقاد را بدست گرفته و گرایش رفقای - محظی خود و عدم توجه به دمکراسی درون سازمانی از جانب خود را عامل عدم بحران معرفی می‌نمایند. برای اعضا و هواداران سازمان پُر واضح است که این انتقاد از خود فرقه‌ای رهبری تنها برای خلع سلاح منتقدین درون سازمان پدیده و از آنجا که هیچگونه انتقادی در عمل به جریا گذاشته نشده و متعسماً به تعمیق بیشتر بحران انجامیده است - چنانچه طی این دوره اخراج‌ها ادامه داشته و سانسور و سرکوب نظری، طعنه‌ها و انتقادات فوق همچنان ادامه یافته است. برای نمونه پیشنهاد انتقادات و نظرات و بیانیه‌های واحد‌های مختلف سازمان که در زمینه پروتکل‌ها و بحران کنونی به بدیخانه ارسال شده و هیچکدام (حتی بطور درونی) در اختیار اعضا و هواداران سازمان قرار داده نشده و در حقیقت در مقابل خواسته‌های مردم به نه سازمان یعنی "سور بیشتر" سیاست تاریخی بیشتر بکار گرفته شده است.

در چنین شرایطی که بخش‌هایی از گادوها و اعضای سازمان خارج کشور اخراج و یا تحلیف کرد - پدیده کینه‌خیز در عداوت و بین کنفرانس‌های اخراج کشور میباید اما آیا این کنفرانس‌ها و بیانیه‌ها کشته رفقای اخراجی به سازمان و حضور نمایندگان کلیه اعضا و واحدهای خارج کشور می‌تواند رسالت داشته باشد؟ قطعاً نه! بنابراین:

۱- برای دفاع از دمکراسی درون تشکیلاتی و جهت مقاومت در مقابل فوق سائترالیسم حاکم بر سازمان از حرکت در هر گونه کنفرانسی بدون حضور نمایندگان رفقای اخراجی می‌بایست خودداری شود. ۲- سازمانی که بحران کنونی سازمان نمی‌تواند مستقل از بحران جنبش کمونیستی جهانی و ایضاً بحران جنبش کمونیستی در ایران، مورد بررسی قرار گیرد. ضرورت می‌دهد که جهت نقد ریشه‌ای بحران کنونی نییست. مباحثات غلطی بدون قید و شرط حول مسائل مزبور در دستور کار قرار گرفته و یک کنفرانس واقعی بسا شرکت نمایندگان کلیه اعضا جهت بررسی و تصمیم‌گیری حول خطوط اساسی برنامه، تاکتیک و استراتژی سازمان در کار دیده شود. بنابراین از شرکت در هر گونه کنفرانس غیردمکراتیک می‌بایست خودداری نمود.

در خانه از آنجا که مرکزیت سازمان حق اقلیت جهت ابراز نظری مخالفت با تصمیمات اکثریت را (طی فرم پذیرش آن در بیانیه وحدت) تسهیل نموده و از انتشار پیشنهادات و انتقادات ما سر بساز زده است، ما حق دمکراتیک خود دانسته که این نوشته و نیز نوشته مورخ ۲۱/۲/۸۹ خود را پس به بدیخانه سازمان که حاوی انتقادات و پیشنهادات ما حول بحران کنونی بوده است را در اختیار اعضا و هواداران سازمان و نیروهای انقلابی در سطح جنبش قرار دهیم.

به امید گسترش دمکراسی در تمامی عرصه‌های فعالیت کمونیستی! زنده و باوآزادی - زنده و یاد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - قریب به نیمی از واحد برلین ۱۱،۶،۸۹

رفقا! بحران کنونی سازمان هر روزه ایجاد وسیعتری به خود می‌گیرد و واقعا پاسخ مسئولانه و متحدانه‌ای را می‌طلبد. همه ما بروستی واقف هستیم و می‌بینیم که از طرفی در دستان کمونیسم و بالتبع دشمنان سازمان و از جانبی در دستان نادانان در انتظار شکسته شدن سازمان ما می‌باشند. رفقاییم خیانت پشه ملیف راست و چپ به دیگر سوسیال دمکراسی از طرفی و عقب ماندگی و کوتاهی پیش سوپرو-لیسم چپ از جانب دیگر سازمان ما را و بالتبع خط و برنامه ما را به امید جنبش کمونیستی مبدل نموده و رسالت سنگین ایجاد حزب طبقه کارگر و راهبری خود را از ما دور کرده است. بی‌شک بدون پاسخ اصولی به بحران کنونی و در میان قطعی آن ما قادر نخواهیم بود از طوفان بحران کنونی سلامت میسر نموده و رسالت خویش را با انجام رسانیم. رفقا! شما همی می‌دانید که بحران کنونی سازمان نه ناشی از انضباط شکنی این یا آن رفیق بلکه حاصل یک دهه فو سائترالیسم حاکم بر سازمان و عدم پاسخ اصولی شما به آن بوده است. رفقا! کدامین سیاست و یا تصمیمی را طی حیات ده ساله سازمان اتخاذ نموده اید که به نه سازمان را در آن حالت موثر داده باشد؟ کدامین مبارزه اولیادولویسکی

علنی را (حتی با قید و بند هاد مخطف) تا کنون سازمان داده اید؟ و در عرصه هر کجا که ما میخواستیم دمکراسی جزئی را تجربه کنیم شما در مقابل ما پستاید (نمونه شرکت دادن اعضای انتصابی سابق کمیته خارج در اولین کنفرانس خارج کشور با رای قطعی مطرح اینکه در کنفرانس سران فراقیونرها - نشسته پدید آمدن صیحات کنفرانس و همچنین اخیراً لغو کنفرانس شوروی کینه خارج و نیز جلوگیری از انتشار نظرات رفیق باباغی و سانسور نظرات رفیق بویزه آنجا که سائترالیسم شما زیر سؤال رفته است و ۳۰۰ رفقا! شما در برخورد با نظام فرخ نگیند از شمار "سور بیشتر" و مبارزه اولیادولویسکی دفاع نمودید و طرح کردید که همه اختلافات را باید به تپه ها گفت و از لنین نقل قول نمودید که: "در واقع بدت زیاد است که باید سخت‌تره گزاشی محظی را کاملاً جارو کرد و حتی کسی که بر تپه ها تپه‌دار - قاطعانه شمار نور بیشتر را به پیش ببرد - بگذارد حزب همه چیز را بداند - بگذارد همه چیز داشته باشد - اطلاق تمام مواد ی را که برای دوری همه اختلافات گوناگون و ... را در اختیار داشته

استاد در برخورد با نظرات مخالف درون سازمان (این ظرفیت را بروز ندادید و حتی آنجا که پذیرفتید موارد اختلاف را به درون سازمان بدید - از روی بدنه را نپذیرفتید و قبل از اینکه اعضای سازمان به دوری نشینند به اخراج متوسل شدید. رفقا! شما بر این اصل مرکزیت پروکراتیک یا فرماندهی نظامی که خود آنرا در تزهایی "اصلاح سبک کار" تصمصب نمودید. صحنه گذاشتید که خود را خطا - ناپذیر می‌دانید و تپه منغل (بدنه تشکیلات) تنها موظف به گوش فرا دادن و اجرای فرامین شما بودید و نقش در تصمصب بی واسطه تصمیمات شما در ارتد. برای ما روشن است که شما تصمیم اخراج رفیق باباغی را دقیقاً زمانی گرفتید که سؤال بی پایه و بی مورد "در صورت بد پذیرش نظر شما توسط اکثریت سازمان آیا باز هم در سازمان خواهد بود؟" را از او نمودید. اما از آنجا که اسناد اختلاف را به درون سازمان دادید، طبیعتاً میبایست از این تصمیم خود منصرف شده و در حقیقت به دمکراسی تشکیلاتی و آرا بدنه یعنی کنفرانس سازمانی تمین میدادید. اما مقاومت شما در مقابل یک سبک کار حزب لنینی و تحمیل یک انضحاب زودرس به رفیق باباغی و دیگر رفقای که از حقوق او دفاع نمودند باعث تأسف بود و افاق‌های تشریاری را در مقابل سازمان ما گشود. آیا فکر میکنید با سرکوب فیزیکی اقلیت سازمانی قادر به حل بحران خواهید بود؟

رفقا! شما حق ابراز مخالفت و انتقاد آشکار در مطبوعات و ارگانهای سازمان را از اقلیت طعنه‌میزد پذیرش آن در مباحثات وحدت سلب نموده و رفقای را که از این حق دفاع نمودند متهم به بی-انضباطی و اخسراج و بازگشت مجدد دشمنان را به سازمان موقوف به انتقاد از خود و دست برداشتن از حقوق خود نمودید. رفقا! کمی فکر کنید. شما دستاورد های ده ساله را زیر پا گذاشتید و بعد از ده سال اقلیت‌ها را از شرکت در اولین کنفرانس سازمانی محروم نمودید. با این شرایط فکر میکنید چگونه موفق خواهید داشت؟ بی‌شک پاسخ منفی است. رفقا! بدون طرد و نفی شیوه‌های پروکراتیک و بدون پذیرش حقوق اقلیت و گسترش دمکراسی تشکیلاتی، هرگز و هرگز ما قادر نخواهیم بود به یک سازمان جدی و حزب انقلابی تبدیل شده و قطعاً در برابر سوسیال دمکراسی آسیب پذیر خواهیم بود.

بنابراین جهت حل اصولی و موفق بحران کنونی، ما خواهان این هستیم که: ۱- اسباب پذیرش حق اقلیت در ابراز مخالفت و انتقاد آشکار از سیاستها و برنامه سازمان از جانب شما ارتقای اخراجی بدون قید و شرط مجدد آ به سازمان د عوت شده و به سیاست اخراج و تصفیه پایان داده شود.

۲- یک پولتن نظری حول مباحثات مورد اختلاف ایجاد و تدارک یک کنفرانس تشکیلاتی جهت بداری اختلافات توسط نمایندگان اعضا در دستور قرار گیرد.

۳- ما طعنه اینکه اقداماتی از قبیل اقدام رفیق غلام‌بهنی بر استفاده از تلفن سوخته جهت تماس با داخل اقدام به بخش‌چیزه و توار و ... را مورد انتقاد جدی میدانیم اما معتقدیم که اقدامات مزبور معطل فوق سائترالیسم حاکم بر سازمان بوده و از شما رفقای کینه مرکزی مسراً میخواهیم که با تصمصب کمونیستی روشهای خود و جاری نمودن دمکراسی تشکیلاتی در تمامی عرصه‌های سازمانی سلامت مجدد سازمان را تصمصب نمایند.

۴- از آنجا که در بیانیه وحدت "حق اقلیت برای مخالفت اصولی با تصمیمات اکثریت از طرفی مطبوعات غلطی برسمت شناخته شده است این نوشته را اولاً در اختیار کلیه اعضا و هواداران مرتبط سازمان قرار داد و ثانیاً هر طوط و هر کجا که صلاح میدانید آنرا در مطبوعات غلطی درج نمایند.

به امید گسترش دمکراسی در تمامی عرصه‌های سازمان! و با درود های رفیقانه! قریب به نیمی از واحد برلین - اول فروردین ۱۳۱۸ (۲۱/۲/۸۹)

تصحیح و پوشش

در پند ۱۱ "صوبه در باره اولویت تهیه مباحثه در ولتن" مندرج در گزارش مجمع نمایندگان نیروهای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) آمده است: "۱۰م ۱۰م ۱۰م تنها ملاحظاتی امنیتی و اطلاعاتی نوشته‌ها را می‌تواند بانویسنده در میان گذارد، که در صورت مخالفت نمیسند مباحث آنها مقاله را به چاپ رسانده" این عبارت چنین القا می‌کند که گویا هیئت اجرائی موقت پس از در میان گذاشتن آن بانویسنده، حق حذف نکات امنیتی و اطلاعاتی را ندارد، در حالیکه مجمع نمایندگان چنین حقی را برای خود ۱۰م ۱۰م با توافق آراء تصویب کرده بود و عبارت فوق در اصل چنین بود: "۱۰م ۱۰م ۱۰م در صورت مخالفت نویسنده، مباحث آنها مقاله را به چاپ رسانده" که بدینوسیله تصحیح می‌گردد.



سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

# گزارش، خطابه‌ها، قطعنامه‌ها و مصوبات مجمع نمایندگان اعضاء اخراجی، تعلیقی و معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## گزارشی کوتاه

رققا (دوستان)

بطوریکه اطلاع دارید، بخش وسیعی از نیروهای سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) علیه خودکامگی‌ها و عملکرد فوق سانسورلیستی اکثریت دفتر سیاسی سازمان به اعتراض برخاستند، طی رهبری سازمان از روی بی کفایتی، بجای دادن پاسخ صحیح به این اعتراضات، منافع فرقه ای - محفلی خود را بر منافع جنبش و سازمان مطرح کرد. اخراج و تعلیق بیش از ۱۰۰ عضو در خارج از کشور را در حساب را بر ما تحمیل کرد. پس از این قلع و قمع بی سابقه، اعضای اخراجی، تعلیقی و معترض، یک گرد همائی را بمنظور تداوم فعالیت کمونیستی خود ضروری یافتند و نخستین نشست هیئت نمایندگان را تدارک دیدند. اوائل فروردین ۶۸ اولین نشست رسمی نمایندگان واحدها و اعضای اخراجی و معترض بعدت در روز برگزار گردید. این مجمع با اعلام یک دقیقه سکوت ب یاد شهدای کمونیست و انقلابی، کار خود را آغاز کرد. ابتدا نمایندگان معرفی شدند و صلاحیت آنها مورد تأیید قرار گرفت و پس از تصویب آئین نامه (۲) نشست و تعیین ریاست و منشی جلسه - نمایندگان حاضر وارد بحث حول دستور جلسه شدند.

نخست رفیق باباطی طی سخنان کوتاهی وضعیت کنونی نیروهای اخراجی، تعلیقی و معترض را مورد بررسی قرار داد و سپس از آن گزارشی از چگونگی فعالیت تا کنونی داده شد. گزارش بعدت مسوود زیر را بررسی گرفت: گزینش چند نفر از رفق برای پیشبرد کارها تا مقطع نشست نمایندگان توسط رفق باباطی و غلام، ارتباطات، تهیه و تکثیر مطالب در پاسخ به برخوردها و جوله های دفتر سیاسی و توزیع آنها چه کتبی و چه بصورت نوار، و تدارکات مالی.

پس از گزارش، مجمع به بحث پیرامون هویت و مضمون فعالیت پرداخت، و به دو قطعنامه "هویت ما" و "وحدت" انجامید، که مسوود مخصوص مضمون فعالیت ما در این دور، پس از بحثهای مفصل و نشست

(۳) از نکات قابل ذکر آئین نامه آنست که بمنظور در نظر گرفتن حقوق اقلیت (در انطباق با وضعیت کنونی ما)، ماده ای به تصویب رسید که بر مبنای آن "تمام مصوبات با اکثریت آراء (نصف بعلاوه یک) باشد، اما در تمامی موارد اختلاف که در چارچوب پای بندی به بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت قرار دارد، در صورتیکه هیئت نمایندگی مخالف باشند، آراء اکثریت بحالت تعلیق درآید، در غیر اینصورت نظر اکثریت پیش برده شود و اختلاف نظر حول آن علنی شود." این بند آئین نامه عادتاً بدلیل اختلاف نظر حول شکستن بایکوت سازمان فدائیان خلق (کشتکیها) مطرح و تصویب گردید. اقلیتی از نمایندگان اعتقاد داشتند که هیئت اجرائی موقت واحدها مجازند باین جریان به روال تاکنونی تماس رسمی داشته باشند. با اینهمه موافقین این نظر آراء بدست نیاوردند و در نتیجه قرار شد هیچگونه تماس رسمی با این جریان گرفته نشود تا در کفرانس تصمیم نهایی حول آن اتخاذ شود، اما ضروری است اختلاف نظر حول این مسئله علناً اعلام شود و تا مقطع کفرانس بر سر آن (در باره سیاست اختلافی) مبارزه ایدئولوژیک صورت گیرد.

## طولانی جمع بندی زیر حاصل آمد:

۱- تعیین يك هیئت اجرائی موقت برای تدارک کفرانس

۲- خصلت فعالیت ما تا مقطع کفرانس اساساً تدارکاتی است

۳- فعالیت ما تا کفرانس اساساً معطوف به درون خود خواهد بود. در مورد اختیارات هیئت اجرائی موقت، در موارد زیر توافق حاصل شد:

هیئت اجرائی موقت با مضمون فعالیت تدارک نظری - علمی کفرانس در این دور سازماندهی بولتن مباحثات، ارتباطات، تدارکات مالی، انتشارات و توزیع را بعهده دارد و در این چارچوب حق سیاستگزاری و

## پیام مجمع نمایندگان معترضین سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به کمیته‌ها، واحدها و هواداران سازمان در داخل کشور

رققا (دلوران سرخ راه کارگر)

با درود به شما ورزم انقلابی تان که استوار و صمد در راه سرنوینی رژیم اسلامی، و انقلاب و سوسیالیسم به پیش می‌تازید (رققا) شاید تمامی شما از انشاقی که در تشکیلات ما صورت گرفته است بطور جسته گریخته اطلاع یافته باشید، انشاقی که نتیجه تحمیل سیاستهای فوق سانسورلیستی و سرگهرانه اکثریت مرکزیت سازمان ما بوده است؛ فوق سانسورلیستی که از حقوق ویژه دفتر سیاسی و اکثریت، مرکزیت حراست می نماید و دفتر سیاسی و اکثریت مرکزیتی که تولیدکننده و پاسدار چنین فوق سانسورلیستی می باشد. اگر سازماندهی منفضل در داخل و نوع رابطه کمیته ها و واحدهای داخل با مرکزیت باعث بروز و انعکاس نوع خاصی از فسوق - سانسورلیسم در رابطه بانیهوهای داخل است، ارتباط تنگاتنگ در خارج، تمامی زوایای این فوق سانسورلیسم را بطور روزمره به نمایش میگذارد. علیرغم این تفاوت قابل توجه، جلوه های عمومی و اساسی این بی حقی عمومی در سازمان ما در داخل و خارج یکیست. مصلوب الاراده بودن اعضا و کادرها در حیات سازمان، عدم انتخابی بودن مرکزیت، عدم امکان کنترل و حسابرسی مرکزیت توسط توده های حزبی، جلوه هائی از این بی حقی عمومیست.

سانسورلیسم و دمکراسی، در سازمانهای کمونیستی دو وجه جدایی ناپذیر و غیر قابل انفکاکند، اما در سازمان ما دمکراسی و دخالت اعضا و کادرها در فعل و انفعالات درونی و بیرونی سازمان، دائماً بجهت بهانه های "شرایط سرکوب" و "ضیقتهای مالی" تدارکاتی "و... منکوب گشته است. اگر شرایط سرکوب، آشکالی از جاری نمودن دمکراسی

## پیام مجمع نمایندگان معترضین سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به کمیته‌ها، واحدها و هواداران سازمان در داخل کشور

حق طلبانه توده های حزبی رادرك نکند • طبعاً چنین رهبری ای نه يك مركزيت دموکراتيك بلکه محفلی است که جدا از خواستها و تمایلات اعضا عمل خواهد کرد •

رفقا ( مبارزه ماطليه استبداد ، استثمار و مهربالیسم که امروزه از کانال مبارزه طيه جمهوری اسلامی میگذرد ، مبارزه ایست برای حاکمیت توده ها • اگر کمونیستها در سطح جامعه برای حاکمیت توده ها - و نه حاکمیت حزبی می جنگند ، در سطح سازمان نیز ، این امر جدا از مبارزه برای حاکمیت توده های سازمانی ( رژیم سانترالیسم دموکراتيك ) نمی باشد •

اکثریت مرکزیت فعلی سازمان با در دست داشتن بخش اعظم امکانات تبلیغاتی ، از جمله رادیو ، تلاش دارد تصویر ارو نه ای از حرکت مارا پرسی شمارا ته دهد • ما به سهم خود میکوشیم با همه محد و دیتهای امکاناتی ، تمامی جوانب قضایائی را که در خارج یوقوع پیوسته است با اطلاع شما برسانیم • و از هم اکنون درصد هستیم تا امکانات ارتباط شما با مرکز ارتباطاً سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر ) - ه ، را تسهیل نموده و شرایط مناسب برای برخورد و قضاوت حول مسائل مورد اختلاف و نیز تداوم فعالیت انقلابی مان را فراهم سازیم •

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری دموکراتيك خلق

مجمع نمایندگان نیروهای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران  
( راه کارگر )

۶۸/۱/۶

### گزارشی کوتاه

هدایت واحدها را خواهد داشت • واحدها نیز در چارچوب سیاستهای تاکتونی و صویات مجمع نمایندگان به فعالیت خود ادامه خواهند داد • سپس در مورد زمان کنفرانس و تعداد اعضا هیئت اجرایی ، هدف کنفرانس و اسناد آن ، بولتن مباحثات و اولیتهای آن بحث شد ، که بصورت صوبه درآمدند و مدت زمان کنفرانس ماه تعیین گردید • سرانجام هیئت اجرایی موقت اعضا علی البدل آن انتخاب شدند • در انتهای مجمع نمایندگان با سرود انترناسیونال به نشست خود پایان داد •

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتيك خلق

سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر )  
هیئت اجرایی موقت برای تدارك کنفرانس

۶۸/۱/۱۷

را محدود نمایند ، تجارب جنبش کمونیستی نشان داده است که همیشه اشکال دیگری میتواند و باید جای این کمبود را بگیرد • بی اعتقادی رهبریت سازمان مابه دموکراسی تا آنجا تعمیم یافته که حتی بخشی از تصمیمات و قطعنامه های صوبه خود را نیز در عمل مسکوت میگذارد ( از آن جمله اند ، بخشی از صویات مباحثات و وحدت از قبیل برگزاری هر ۲ سال یکبار کنگره ، سازماندهی مبارزه ایدئولوژیک درونی و علنی ، و همچنین صویات آسال پیش پلنوم مرکزیت حول اصلاح سبک کار ) •

زاویه نگرش دفتر سیاسی و مرکزیت به مسئله مالی و تدارکاتی نیز عموماً بی اعتقادی آنان به دموکراسی درون تشکیلاتی را نشان میدهد • اگر دموکراسی یکی از اصول بنیادین حیات يك تشکیلات کمونیستی است ، تقسیم بندی بودجه و برنامه رهبری در زمینه مالی - تدارکاتی - برای زمینه سازی و جاری نمودن دموکراسی و دخالت اعضا و کادرها در حیات تشکیلات يك اصل تخطی ناپذیر است •

رفقای عزیز! مسائلی که در این شماره از کادرها ، اعضا و هواداران سازمان که به انحاء مختلف در مقابل این فوق سانترالیسم به مبارزه برخاسته ایم ، مبارزه ای که امکان آنرا در چهارچوب يك تشکیلات دیده می بینیم ، مورد غضب همان فوق سانترالیسمی قرار گرفته ایم که تمامی ابزارهای تشکیلاتی را در دست خود قبضه نموده است • سیاست اخراج ، تعلیق و توبیخ ، حربه دیکتاتورانه مرکزیت در قبال نیروهای بود که برای حاکمیت توده های حزبی بر سازمان و رهبری آن مبارزه میکردند ، اما ضافع محفلی اکثریت مرکزیت ایجاب میکرد که در مقابل این موج اعتراضی سیاست اخراج رادریش بگیرد حاصل شیوه سرکوبگرانه مرکزیت در مقابل موج اعتراضی کادرها و اعضا ، قلع و قمع بیش از اعضا در خارج کشور و وعده کنگره برای بخشی دیگری بوده است • از پیش معلوم است کنگره " کنگره " ای که مرکزیت سازمان هم اینک وعده برگزاری آنرا می دهد ، که برای جلوگیری از گسترش اعتراضات در سراسر تشکیلات است ، چگونه کنگره ای خواهد بود •

مانیروهای معترض ، که شعار دموکراتیک کردن تشکیلات بر هر چه مانع بسته است ، در عین اعتقاد کامل به اینکه جای ما کماکان در يك سازمان واحد است ، تلاش مستقل خود را آغاز نموده ایم تا در چهارچوب خطوط برنامه ( راه کارگر ) و بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت مبارزه انقلابی مان را به پیش ببریم • ما که تا چندی پیش در کمیته ها و واحدهای داخلی سازماندهی شده بودیم ، مسائل و مشکلات شرط را با تمام وجود در کمینیم شعارها و خواسته هایمان همانا شعارها و خواسته های شماست ، ما برای سیستمی میجنگیم که در آن سانترالیسم دموکراتيك واقعا اعمال گردد و نه اینکه مرکزیتی فقط خود را " رهبر " بخواند و از توده های حزبی تأثیر نپذیرد ، و به کسی حساب پس ندهد و تنها فرمان براند و فریاد های

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دموکراتيك خلق!

## قطعنامه دربارهٔ هویت ما

اجرای مصوبات تاکوونی تشکیلات در زمینه نقد سبک کارپوهولستی هستیم؛  
 ه - طیرم داشتن اختلاف پرسپاره ای از مسائل، نقطه ثقل  
 حرکت خود را مواضع تاکوونی سازمان قرار داده، سعی در تدقیق، تعمیق  
 و تکامل آن در چارچوب بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات و وحدت  
 بشباه اسناد پایه ای سازمان داریم.

بنابراین ماهمچنان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) هستیم  
 و با حفظ نام و آرم سازمان، جهت تداوم فعالیت حزبی و انقلابی خود پیا  
 اراده واحد، هیئتی موقت راتحت نام "هیئت اجرایی موقت برای تدارک  
 کفرانس" برگزیده ایم.

پندهای الف - ب - ج - د - ه این قطعنامه باتفاق آراء و انتخاب  
 نام "هیئت اجرایی موقت برای تدارک کفرانس" با اکثریت آراء به تصویب رسید.

نظریاتیکه؛  
 مابعد ان بخشی از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که  
 در اعتراض به رژیم فوق مرکزی دفترسیاسی و اکثریت کیمه مرکزی مشمول  
 اخراج، تعلیق و تصفیه قرار گرفته ایم؛

الف - خواهان پایان دادن به رژیم فوق مرکزی و برقراری  
 سانترالیسم دموکراتیک در چارچوب اساسنامه حزبی لنینی هستیم؛  
 ب - خواهان مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون سانسوری باشیم؛  
 ج - بکارگیری حربه تصفیه و اخراج را در حل مسائل نظری درون  
 حزبی محکوم می دانیم.

د - خواهان اصلاح سبک کار و تغییر مناسبات درونی بوده و خواستار

## قطعنامه دربارهٔ وحدت

شدگان در جایگاه سازمانی خود؛

۱- تعیین زمان بندی برای برگزاری يك کفرانس سراسری متشکل از

نمایندگان اعضا سازمان در خارج از کشور برای بررسی بحران سازمان؛

۲- انتخاب هیئتی در کفرانس بظنور نظارت بر حسن تدارک و  
 برگزاری دموکراتیک يك کنگره حزبی، کنگره ای مرکب از نمایندگان همه  
 اعضا و واحدها برای تصویب برنامه، اساسنامه و تعیین استراتژی و تاکتیکهای

محوری سازمان و انتخاب کیمه مرکزی؛

۳- پذیرش مبارزه ایدئولوژیک علنی بدون سانسور مقدماتی  
 (نظرات) از طریق سازماندهی يك بولتن مباحثه علنی برای تدارک  
 کفرانس و کنگره؛

۴- در صورت تحقق شروط بالا دلیلی برای فعالیت مستقل و جدا-

گانه خود ندیده، فعالیت انقلابی خویش را در صف متحد و یکپارچه

سازمان ادامه خواهیم داد.

این قطعنامه با اکثریت مطلق آراء و يك رأی متعجب به تصویب رسید؛

نظریاتیکه کار بست سیاست های فوق مرکزی دفترسیاسی و اکثریت  
 کیمه مرکزی و عدم پای بندی به دموکراسی حزبی و اصرار بر اعمال سانسور  
 نظر و مخالفت با حقوق دموکراتیک اقلیت نظری در چارچوب اساسنامه  
 حزب لنینی و پافشاری بر تداوم سبک کار محفلی، موجب اعتراض بر حسن  
 تعداد زیادی از کادرها، اعضا و هواداران قرار گرفته، و دفترسیاسی  
 در پاسخ به درخواست اعضا و هواداران که خواهان اصلاح سبک کار  
 به شیوه لنینی و مبارزه ایدئولوژیک علنی هستند، سیاست سرکوب،  
 تصفیه و اخراج را برگزیده و عملاً انشعاب ناخواسته ای را بر سازمان تحمیل  
 نموده است؛ ما با تأکید بر اصلاح سبک کار، دگرگونی در مناسبات درون حزبی،  
 ترک شیوه های توطئه گرانه پوهولستی، مجدد آبا تکرار خواسته های  
 اعلام شده عزم خویش را برای غلبه بر بحران و باز یافتن وحدت سازمانی  
 بیان می داریم؛

۱- بازگشت بی قید و شرط کلیه اخراجی ها، تعلیقی ها و تصفیه

## مصوبه دربارهٔ

## واحدها، اعضا، هواداران و سیاست عضوگیری

۵- کلیه اعضای که تا کفرانس از سازمان (جناح د س) جدا شده

به ما می پیوندند، عضو محسوب می شوند.

۶- تصمیم نهایی در مورد بندهای ۲، ۳ و ۴ بمعهد کفرانس و یا

مرجعی است که کفرانس تعیین خواهد کرد و رأی کفرانس یا مرجع تعیین

این صوبه را به همه رفقای آزمایشی و دا و طلب ضویت توضیح دهند؛

۷- درباره هواداران و سازماندهی آنان، سیاست جدید سازمان

که بعد از نقد سبک کارپوهولستی آغاز شده توسط واحدها تا کفرانس

ادامه می یابد و هر نوع دگرگونی در این سیاست به کفرانس موکسول

می شود.

بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ باتفاق آراء و د و بند آخری پایش از

آراء به تصویب رسیدند.

۱- واحدها در فعالیت شهری بر اساس تصمیمات مجمع عمومی

و تقسیم کار ناشی از آن به فعالیت خود در چارچوب هویتی ما می پردازند.

۲- مجمع عمومی نمایندگان واحدها، سیاست واحد ها را داپرسر

اعطاء حق رأی قطعی به اعضا آزمایشی تا مقطع کفرانس ام از اعضای که

دوره آزمایشی آنان پایان یافته و یادشرف پایان است، مورد تأیید قرار

می دهند.

۳- واحدها می توانند از میان هواداران تاکوونی اعضا آزمایشی

برگزینند.

۴- کلیه رفقای که قبلاً توسط واحد پایه بعنوان عضو آزمایشی

پذیرفته شده اند ولی بدلیل بحران سازمان بدانان ابلاغ نگردیده،

می توانند بعنوان عضو آزمایشی یکی از واحدها فعالیت سازمانیافته

داشته باشند. (بناظر واحدها)



# خطابیهٔ مجمع نمایندگان نیروهای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به نیروهای کمونیست و انقلابی

رفقا و دوستان!

نویسنده، اماسیل وارانامید، آنچه راهک بر تشکیلات ما گذشته است و هنوز پایان نیافته، در همین مصور بودن در تشکیلات ما و جنبه مستقل آن، به کل جنبش چپ ایران و نیروهای انقلابی مربوط میشود. واکنش اصولی نیروهای سیاسی، دخالت در امور داخلی یک تشکیلات نیست، بلکه همان جنبه عمومی، واکنش در قبال حفظ اصولیتها و ارزشهای است که دفاع از آن، به مثابه دفاع از ارزشهای عمومی جنبش انقلابی است. هرگونه بی‌پرسی در جنبش چپ و جنبش انقلابی، لطمه بر اصولیتها و پرنسیپهای همه نیروهای کمونیست و انقلابیست.

مانند نمایندگان اعضا و واحدهای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، از سازمانهای چپ و انقلابی میخواهیم که در مقابل روشها و اقدامات سرکوبگرانه رهبری سازمان ما، که منجر به تصفیه خیال عظیمی از نیروهای تشکیلات گردیده ساکت ننشسته، و اتخاذ چنین سیاست غلطی را قویاً محکوم نمایند. تلاشی که در جنبش چپ ایران برای زدودن زنگارهای پوپولیستی - فرقه ای آغاز شده، و جدیت و اهمیت آن هر دم برجسته تر میشود، میبایست با دفاع از پرنسیپها و با محکومیت شیوه های غیردموکراتیک همراه باشد.

مانند نمایندگان واحدها و اعضای معترض سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با اعتقاد عمیق به حقانیت راهمان، و با عزمی راسخ برای تحقق آرمانهای والایمان به پیش خواهیم رفت!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

مجمع نمایندگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۳۶۸/۱/۶

اکنون ده سال از عمر سازمان ما میگذرد. ده سال مبارزه انقلابی و کمونیستی که دستاوردهای قابل توجه سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانگرا را به همراه داشته است. دستاوردهای سازمان ما غیرمطمئن بخشی از کاستیهای هیچ کس پوشیده نیست. با ایشبه در حوزه های مهینی عقب ماندگی های موجود در سازمان ما داشته آشیل آن در روند مبارزه اش بوده است. عمده ترین نقطه ضعف سازمان ما ضعف سبک کار حزبی بود. ساخت فرقه ای - محظی حاکم بر سازمان ما نوع اصلی برای تحقق حزبیت در تشکیلات ما بوده است. جان سختی پوپولیسم در حوزه تشکیلات که تجلی گاه و آشخور آن در تشکیلات ما، دفتر سیاسی و کمیته مرکزی سازمان بود، هرگونه واکنش و طرحی را برای تحقق حزبیت - بن بست میکشاند. تکرار تدویم تضاد ناشی از گرایش پیشرو حزبی در مقابل محظیسم و پوپولیسم تشکیلاتی، و دفاع جانانه رهبریت از موقعیست، منصب و حقوق ویژه خویش، نمی توانست به انفجاری قابل پیش بینی نیانجامد. و امروز نتایج اسفبار این همه جان سختی رهبریت در مقابل موج اعتراضی درون تشکیلاتی به ثمر نشسته است. رهبریت، که در تمامی دوران حیات تشکیلات از منافع فوق سانترالیستی خود حفظ و حراست مینمود، در مقطع انفجار نیز غیر از آن نکرد و نشان داد که به قیمت شقه شقه کردن تشکیلات و تصفیه تمامی اعضا هم که شده میبایست از حقوق ویژه خود دفاع نماید. زیرا که برای او، اصل بر موجودیت و حیات مادام العمر رهبری "خطا ناپذیر" بوده است. حاصل چنین دفاع جانانه ای که برای رهبریت جنبه "حیثیتی" و "غیرتی" نیز یافت میشود، سلاخی پیش از یک درها و اضا مستقر در خارج و دو شقه کردن نیروهای هوادار و دستداران سازمان بوده است؛ واقعه ای که آنرا بایستی نه یک انشعاب بلکه قلع و قمع

## مصوبه دربارهٔ

## اولویت تمهای مباحثه در بولتن

- ۱- آنجا که جنبه امنیتی - اطلاعاتی دارد (درونی خواهد بود)
- ۲- در صورتیکه موضوعات دیگری از سوی اعضا پیشنهاد شود، ه ۱۰۰ م با پابرجایی اولویت های تصویب شده، بقیه موضوعات را نیز در صورت تشخیص اهمیت و ضرورت بر آنان مافزاید.
- ۳- علاوه بر اضا مرتبط، هواداران و دستداران سازمان نیز می توانند در بحثها شرکت نمایند.
- ۴- ه ۱۰۰ م حق هیچگونه دخل و تصرف و سانسور مقدماتی در نوشتهها را ندارد و تنها ملاحظاتی امنیتی و اطلاعاتی نوشته را می تواند بنویسنده در میان گذارد، که در صورت مخالفت نویسنده، با حذف آنها مقاله را بچاپ رسانند.

- ۱- نقد سبک کار تاکنونی که منجر به این بحران شد
  - ۲- بحث بر روی اساسنامه برای دستیابی به یک اساسنامه موقت در کفر
  - ۳- بحث درباره جمهوری دموکراتیک خلق
  - ۴- درباره سیاست ائتلافی
  - ۵- ارزیابی و تحلیل از اوضاع سیاسی ایران، چشم انداز و تاکتیکهای ما
  - ۶- چگونگی ایجاد حزب طبقه کارگر
  - ۷- وظائف حزبی ما و اولویت های آن (بحث سازماندهی داخل)
  - ۸- کلیه مباحث علنی خواهد بود، مگر مواردی که خود نویسنده خواستار غیر علنی شدن نوشته خود باشد.
- تبصره: بحث درباره وضعیت سازماندهی حزبی ما در داخل کشور

نامه شماره ۵ - دنباله از صفحه ۶

رفقای عزیز کمیته مرکزی!  
 نامه شمارا که حاوی تصمیمات نشست فوق‌العاده کمیته مرکزی است، دریافت کردم. با کمال تأسف باید بگویم که این نامه نیز در ادامه سیاستهای اکثریت رفقای د فترسیاسی و مؤید باورهای من نسبت به رهبری فرقه ای - محلی تشکیلات ماست که قبل از هر چیز خود را در قبال د فترسیاسی و نه کل سازمان پاسخگو می بیند.  
 من در گفتگوی طولانی خود با نمایندگان کمیته مرکزی در باره تک تک موضوعات قلب شده در برنامه شما به تفصیل سخن گفتم و گزارش مزبور به اندازه کافی گویاست.  
 معجزه اگر خواهیم این عبارات شمارا جدی تلقی نمائیم که:

" هیچ یک از اعضا مجبور نیستند در پایان مباحثات برنامه‌ای و اساسنامه‌ای از نظر اکثریت برنامه‌ای و اساسنامه‌ای تبعیت کنند، بلکه حق طبیعی آنهاست که در صورت تمایل خود شان از سازمان جدا بشوند." (نامه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر، ۱۰ بهار ۶۷ ص ۵) در آن صورت باید چنین نتیجه گیری کنیم که شما طرح سؤال "تبعیت اقلیت از اکثریت در مسائل برنامه‌ای و اساسنامه‌ای از جانب د فترسیاسی را به مثابه معیار حل و فصل اختلاف" بامن که در رفراخوان مورخ ۱۲ آذر ۶۷ د فترسیاسی به اعضای کمیته مرکزی انعکاس یافته است (۱)، نادرست تلقی کرده‌اید.

با توجه به نکته فوق الذکر، در این نامه می خواهم برای آخرین بار شمارا به اجرای تعهداتان در قبال سازمان دعوت نمایم و توجه شمارا به این حقیقت جلب نمایم که اکثریت رفقای د فترسیاسی قصد دارند تا در راستای اولین مبارزه ایدئولوژیک طلی در کل تاریخ حیات سازمان ما "اقلیت" سازمانی را از میان کامل نظریات خود محروم نمایند و بجای امکان دادن به مباحثه و اقمسی و تشریح نقطه نظرات متفاوت بر سر این یا آن موضوع مورد مشاجره، انشعاب را تحمیل کنند. به همین جهت، در مقابل این روش انشعاب طلبانه و شانه خالی کردن از مباحثه طلی که جنبش مابعد آن نیازمیرم دارد، بارها یگرایتمانی ترین درخواستی که یک عضو سازمان می تواند بهنگام مباحثات طلی مطرح نماید، تکرار می نمایم: "اختای تنها خواهان انتشار کامل نظرات خود است و این را وظیفه د. س. می داند". (نامه مورخ ۲۸ آذر ۶۷ برای ترات در جلسه کمیته مرکزی).

من پیشتر در نامه مورخ ۲۸ آذر ۶۷ خود پیرامون قضاوت احتمالی کمیته مرکزی در رساره "بیانیه وحدت" اظهار اشم که "اقلیت این بدان معنا نیست که حتی در صورت رأی مثبت شما به تفسیر اکثریت د فترسیاسی از این بیانیه، از حضور فعال خود در سازمان دستخواهم شست، موقوفه به اینکه امکان مباحثه طلی واقعی (و نه فرمایشی) پیرامون مسائل مورد اختلاف فراهم گردد".  
 از اینرو برای اجتناب از انشعابی که اکثریت د فترسیاسی قصد تحمیل آن را دارد، پیشنهاد

می نمایم که:

(۱) کمیته مرکزی اصل سانسورمقد ماتی بر نظرات مطروحه در مقالات مباحثاتی (چه طلی، چه درونی) را لغو نماید و بدین ترتیب مقاله مزبور هرگونه سانسورمقد ماتی منتشر کند.  
 (۲) قضاوت کمیته مرکزی سازمان مادرتا فید با صلاح "تفسیر" اکثریت رفقای د فترسیاسی در باره "جمع بندی مباحثات وحدت" پیرامون مباحثات طلی تا تصویب اساسنامه جدید سازمان مورد احترام من می باشد، بی آنکه ذره‌ای از حق خود برای مبارزه علیه آن در مباحثات طلی چشم پوشی نمایم.

(۳) برای خاتمه دادن به فضای "تحمیل انشعاب" که از جانب اکثریت د فترسیاسی د امن زد شده است، ضروریست تا بد واکمیته مرکزی نامه حاضر خود را که عملاً "تعلیق عضویت" مرا اعلام داشته است پس بگیرد و سپس من نامه هائی را که پس از طرح درخواست سانسورمقد ماتی بر مقاله ام از جانب د فترسیاسی، ارسال داشته ام - بطیرغم اعتقاد من به محبت تمام مفاد آن - پس می گیرم.

(۴) کمیته مرکزی از اعضای مورد اعتماد طرفین (از میان اعضای مرکزیت) برای رسیدگی به خلا نکات ریهای د فترسیاسی و "تائیکهای بیگانه" و... من شکل میگیرد. این کمیسیون باید بعنوان مرجعی برای حل و فصل رفیقانه اختلافات عمل کند. واضح است که این کمیسیون می تواند با مصالح نفوذ معنوی خود و نه به مثابه مرجع ویژه انضباطی، در ایجاد فضای تفاهم نقش مثبتی ایفا نماید و قضاوت آن باید مورد احترام طرفین باشد. رأی این کمیسیون، رأی اکثریت آن خواهد بود، اما در صورت وجود اختلاف داوری، اقلیت آن نیز می تواند نظر خود را اعلام نماید. طرفین نیز ضمن احترام به نظر کمیسیون می توانند توضیحاتی را که در باره اعمال خود و نظر کمیسیون لازم می بینند، ابراز کنند.

(۵) از آنجا که د فترسیاسی در "کنفرانس مشورتی" پیرامون مسائل مورد مشاجره به بخشی از کادرها و اعضای سازمان "توضیحاتی" داده است، لازم است تا برای ایجاد فضای تفاهم، با نظر طرفین و به مثابه تصمیم کمیته مرکزی، روشی اتخاذ شود تا در همه مواردی که "توضیحاتی" ارائه شده است، توضیحات لازم برای رفع هرگونه سوء تفاهم صورت گیرد.

با توجه به فضای ناسالم موجود - که از بدگاه من مسبب آن د فترسیاسی است - و برای جلوگیری از انشعاب تحمیلی اکثریت د فترسیاسی، ضروریست تا اقدامات مذکور در اسرع وقت صورت پذیرد. از اینرو تقاضایم آن است که ظرفیک هفته به نامه حاضر کتباً پاسخ داده شود. د ستان را بگری می فشارم و برایتان آرزوی موفقیت می کنم.

اختای  
 مورخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۷

(۱) در نامه د. س. به تاریخ ۱۲ آذر ۶۷ چنین آمده است: "د. س. به این نتیجه رسید که برای حل و فصل این اختلاف باید نظر ر. اختای در مورد یک مسئله روشن شود و آن اینکه چنانچه ر. اختای در اقلیت قرار گیرد وی حاضر تبعیت از نظر اکثریت سازمان خواهد شد؟ و یا به بیان دیگر و نظر موجود در کمیسیون اساسنامه در چهارچوب یکسازمان می گنجد و یا این د و نظر نقد وحدت حزبی بوده و ناچاراً باید در د و سازمان جداگانه متشکل شوند؟"

با شماره تلفن زیر  
 با ما تماس بگیرید:  
 فرانسه ۰۱۶۶۷۱۶-۴۰

با کمک مالی خود  
 به ما  
 پیاری رسانید

با تشاهی زیر  
 با ما مکاتبه کنید:  
 Rah-e-Kargar  
 P.B 12992  
 1100 AZ  
 Amsterdam  
 HOLLAND

این ویژه نامه توسط هیئت اجرائی موقت برای تدارک کفرانس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) انتشار یافته است. تاریخ انتشار: اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۸